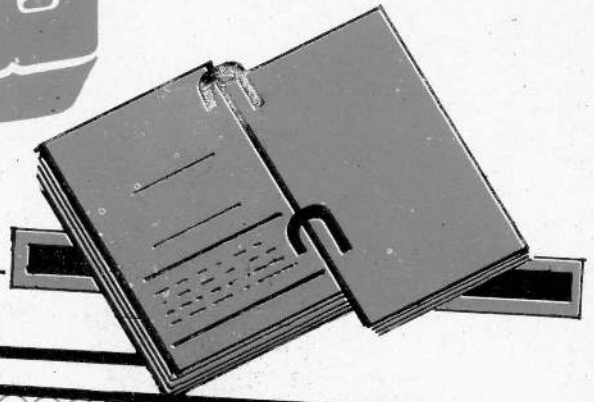


سپاوون

شماره پنجم - آبان ۱۳۶۲
قیمت ۱۰۰۰ ریال

Ketabton.com

سپاه ویران



شماره پنجم ماه اسد ۱۳۲۰ سال چهارم شماره مسلسل ۳۹



منار سپاهی کتنام - واقع جاده میوند

روی جلد: گلناره هنرمند تا چشمک
مصاحبه: اوراد رشماره آینسده بخوانید

میا میکل

صفحو ۵۰



روپياد هادر سكو

صفحو ۱۴ - ۱۷



هنرمندان ما ميکل

صفحو ۲۲ - ۲۵



ايا چي دشتيد؟

صفحو ۲۹ - ۳۱



گل زمان د ستارونو

صفحو ۲۶ - ۴۷

هنرمت روښنگران در ساکها آزادي

صفحو ۶ - ۷

امتياد کنيد!

تقلب در بهر جا و در بهر چر

صفحو ۳۰ - ۳۱

صدا رت به کي تعلق گرفت؟

صفحو ۴۰ - ۴۱

صديق مخترع و اختراعات جديد

صفحو ۷۴ - ۷۵

هويت تحریر
در ویرایش
مضامین دست
باز دارد.

اندیشه و عقاید
مضامین به
نویسندگان
تعلق دارد.

SABAWOON
Monthly Magazine of
Journalists Union of
Afghanistan

Editor-in-Chief
Dr. Z. Tanin
Assistant
M. A. Maroof

Add:
Block 106, 3rd Microrian
Kabul — Afghanistan

مدیرمسئول: دکتور ظفر ظنین
تلفون: ۲۵۹۱۰
معاون: محمد آصف مروف
تلفون: ۶۲۷۵۲
سیکرترمسئول: ضیاء میانی
نشریه انتحاریه ژود نالستان
خطاب: کیرامیر و محمدنیم
نیکزاد
گسرامیک: نورمحمد ورفیبه
عکاس: شچین گل
نايب: محمدجمعه، خواججه
مرزا محمد و زلمی بویل.
همکاران چاپ: محمد ظاهر
(ظفوری)، عبدالله و عبدالله
آدرس: مکروریان سوم،
بلاک (۱۰۶) ۸ هافانستان
پانک
کابل - افغانستان



دکستهای آزادی

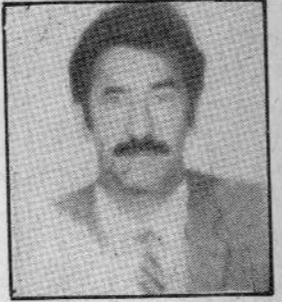
مردم در قیام



دانشمند کاندید اکادمیسین
محمد اعظم حسینی
لطفاً در مورد بزرگترین درس
های تاریخ نبرد استرداد
استقلال کشور در سال ۱۹۱۹
به خواننده گان مجله نظر خود
را ابراز دارید
سال ۱۹۱۹ میلادی یکی
از سالهای پر خاطره و افتخار
برانگیز در تاریخ کشور ماست.
در این سال است که ملت غرور
و شایسته افغانستان به قیام
دست ظاهر و دلبر شاه امان
الله خان برای استرداد
استقلال کشور مردم را به
جهاد علیه انگلیس دعوت کرد
و با استقلال پر شور تمام افشار
و طبقات و اقوام و قبایل ساکن
کشور قرار گرفت. بزودی ممکن
دسته های مجاهد و بیگانه ر
جوی در شهرها و مراکز عمده
کشور آماده گوی خود را برای
جنگ با استعمار انگلیس اعلام
داشتند و در اوایل ماه می
چنگ مقدس میهنی برای استر-
داد استقلال کشور در سه جبهه
شرق، جنوب و جنوب غرب
آغاز یافت و پس از یکماه دشمن
مجبور به مذاکره و قبولی استر-
داد استقلال کشور گردید.
مجاهد صلح را ولیندی میهن

نمایندگان مختار و کشور در
هشتم اگست ۱۹۱۹ میلادی
به امضاء رسید. غازی شاه
امان الله با آنکه با برخی موا
این معاهده موافقت نداشت
سرانجام آنرا بتاريخ ۱۸ اگست
مطابق ۲۸ اسد توشیح نمود و
از آن تاریخ به بعد هر سال در
۲۸ اسد جشن استرداد
استقلال کشور مورد گرامی داشت
قلمبه مردم افغانستان قرار
میگیرد.
بزرگترین درس های کس
میتوان از نبرد سوم افغان
و انگلیس آموخت:
اول: اتحاد و همبستگی و هم-
لی مردم افغانستان در لحظات
دشوار تاریخ است که بدون
تعصبات قومی و نژادی و لسانی
و دینی و چون تن واحد به
دور شاه امان الله جمع شدند
و سلطه بیگانه را از گردن میدور
انداخته اند.
دومین درس این رخداد و
قطع مداخله بیگانگان در امور
کشور یعنی قطع مداخله در
سیاست داخلی و خارجی است
افغانستان است.
سومین درس بزرگ نبرد
استقلال و برصمیمت شناختن
افغانستان بحیثیت یک کشور
مستقل و آزاد در نقشه جغرافی-
فهای آسیای جنوب غربی است

چهارمین درس تاریخ
این است که به پیروی از جنبش
استقلال طلبی افغانان
آزادی طلبی و مبارزه در میان
سایر مستعمرات انگلیسی و از
جمله هند برتانوی بیدار شد و از
آنجا به جزایر شرق الهند نیز
سرایت نمود و تعدادی از کشور
های منطقه به آزادی و استقلال
خویش نایل آمدند.
پنجمین درس نبرد استقلال
این است که به مردمان جهان
و استعمارگران ثابت ساخت که
مردم افغانستان مردمانی
آزادی دوست اند و این مردم
به هر قیمتی که باشد آزادی
و هویت خود را حفظ کرده
و میکنند و از هیچگونه قدرت
بیگانه بیم و یاسی ندارند.
ششمین درس هم اینست
است که مردم افغانستان
دارای حس سلحشوری و غرور
افغانی اند و هرگاه غرور افغانی
وحیثیت آنان از طرف کسی مورد
توهین و تحقیر قرار گیرد، آنرا
نمی بخشند و تا پای جان
از شرف و حیثیت و وقار افغانی
خویش دفاع مینمایند. حتی
از این روحمه و خصلت آزادی
دوستی و استقلال طلبی
افغانان دانشمندان و فلاسفه
نامدار اروپایی نیز توشیح و
تعریف کرده اند.



سند محترم عبداللهمریسان
لحقاً توضیح بفرمایید که:
رهبران قیام های مردم
در سالهای حصول استقلال و روی
کدام عناصر به خاطر تشکيل
ساختن ملت های ساکن
در کشور غرض قابل با بیگانه گان
حساب میکردند؟
در رابطه به نفر رهبر-
ان قیام های مردم در سالهای
حصول استقلال و عناصری که
ایشان در بسج نیروهای ملی
از آنها علیه اشغالگران خا-
رجی استفاده مینمودند یا-
ید گفت که در طول تاریخ یا-
مدت زمان نفوذ استعمار
گران و عناصر و ظنیرست در
هر گوشه و کنار سلطنت درین افشار
طبقات و گروه های مختلفی اعم
از ملیتی و مذهبی و منطقی
دست به اقداماتی زدند که
زمینه را برای حصول استقلال
کشور و طرد استعمارگران
از کشور ما مساعد مینمود.
پنجمین در رابطه به مبارزه نیرو
های ملی و ویژه رهبران قیام
های ملی و طرق عملکرد ایشان
باید خاطر نشان ساخت
که از آغاز سلطنت اول امیر
دوست محمد خان در سال
۱۸۳۴ میلادی تا قتل امیر-
حبیب الله خان در سال ۱۹۱۹
انگلیس مابصورت مستقیم یا غیر

مستقیم در امور داخلی و خارجی
کشور مداخله نموده و به
حاکمیت سیاسی اثر وارد
میکردند، که این وضع اسباب
نگرانی و نارضایتی مردم ما را
هرچه بیشتر فراهم ساخت.
چنانچه در طول دوره امام-
رت امیر حبیب الله خان دست
از روشنفکران کشور بنام مشر-
وطه خواهان غلبه استعمار
گران خارجی و استبداد دا-
خلی و دست مبارزه زدند
و گام های درجهت تنویر افکار
عامه و روشن ساختن از هسان
مردم برداشتند تا جایکه عده
زیاد ازین مبارزین را ما استقلال
و وطن جان های شوهرین خود را
از دست دادند، اما هیچگاه
این فریاد ایشان فرو نه نشست
زیرا آتش را که ایشان افروخته
بودند، گروه مشروطه خواهان
دوم فرزندان ساختند و قیام
ملی و جنبش آزادی طلبی را
هرچه بیشتر قوام بخشیدند.
از آنجاییکه وجود امیر-
حبیب الله خان بحیثیت پادشاه
افغانستان یکی از موانع عمده
اراده حصول استقلال کشور
بحساب معرفت لذا عده
از آزادی خواهان در آن مهان
مدت میان تاج و تخت سلطنت
نیز شامل بودند در عهد قتل
وی برآمدند و این برنامه

کلیق پلان طرح شده قبلی
عملی گردید و شاهزاده امان
الله در اس جنبش جدید
قرار گرفت و حکومت جدید
بر رهبری امیر امان الله خان
در همان لحظات نخستین
اعلامیه را بنی بر جلب حما-
یت مردم و تأمین و تحکیم وحدت
و همبستگی اقشار و طبقات
مختلف مردم افغانستان به
نشر رسانید. در ضمن این
اعلامیه کت مردم برای تحقق
اندیشه ها و آرمانهای دیر-
ینه شان مبنی بر استقلال
کامل سیاسی افغانستان که
یکی از وظایف نخستین ملت
افغانستان را تشکیل میداد.
این اعلامیه که با خواست
و آرمانهای مردم ما مطابقت
داشت مورد استقبال و پشتیبانی
مردم قرار گرفت و در نتیجه قیام
مسلحانه ملی و جنگ رویارویی
با استعمار بیون غارتگر و مستعمر
انگلیس آغاز گردید که مبارزین
ملی و رهبران قیام های مردم
با شعارهای اتحاد و همبستگی
چون مشت واحد در برابر
تجاوزگران انگلیس قیام نمودند
و مردم را به اتحاد و همبستگی
و درجه و تحکیم وحدت ملی
فراخواندند که این پیرو سدر
جبهه قندهار تحت رهبری
بقیه در صفحه (۸۷)

نهضت روشنفکری

نوشته داود سیاروش

اگر به اوراق پریشان تاریخ بدون افتادن به دام اسطوره و یا درک افراطی از مفهوم صادی تاریخ نگاه کنیم و در آن جستارهای از نهضت روشنفکری را در اواخر قرن (۱۹) مطالعه نماییم به وضاحت دیدیم میشود که این موج تاریخی از دوران امیرشهرعلی خان به تلاطم آمده است.

اگر در باره امیر دوست محمد خان استعدادهای استاد از مکتوبه های روشنفکرانه سید جمال الدین افغانی را در مکتوبه های سید یحیی قزوینی و نهضت های متناهی سبب به زمان نداشت، امیرشهرعلی خان از لحاظ ذهنی - آمادگی پذیرش چنین ریفرم ها بود، ولی چون سید جمال الدین افغانی رقیب سیاسی و برادر شکست خورده امیر را در صباوت تدبیر کرده بود نزد امیر این تشویش پیدا شد که مبادا سید به پستگاه گاه طرفداران محمد اعظم خان در دربار مبدل گردد و روی همین ملاحظه ثواب کار را در آن دید که سید یحیی ملاقات با محمد اعظم خان در اسمران به خارج از کشور برود. روز وداع در ارک بالاد

حصار سید جمال الدین افغانی تمام نظریات و پروگرام های اصلاحی خود را به امیر تقدیم کرد و او وعده داد که آنها را در عمل تحقیق میکند سید چه نظریاتی داشت: او - در افغانستان دولت قوی مرکزی میخواسته در ایران ترکیه که دولت مرکزی موجود بود رژیم دیوکراتیک طلب میکرد. در هندوستان و مصر مبارزه ضد استعمار را مشتعل میخواست و در کشور های اسلامی آسیا و آفریقا غرض تمرکز قوا در مقابل اروپای متجاوز اتحاد اسلام (پان اسلامیزم) را شعار میداد. با آنکه تمام مکتوبه های سیاسی سید در چند پدیسر علی برای دولت امیر قرار نداشت، به هر حال، با رفتن از یک سلسله اصلاحات در کشور آغاز گردید. قوه اجرائیه تشکیل شد و - مکتب یکی ملکی و دیگری نظامی تأسیس گردید، مطبوعه با لاجصار بوجود آمد، جریده هفت روزگان در (۱۶) صفحه به چاپ رسید، کارخانه توپخانه و پاروت سازی تأسیس گردید، ولی با حلات پنهانه - جویانه انگلیسها و فرار امیر سلسله این تحولات از حرکت ماند، تا آنکه در دوره امیر -

حبیب الله با رشد نسبی شعور سیاسی بلا اثر یک رشته تحولات معین، چون بوجود آمدن فابریکات، مدارس، مکتب، منجمله مکتب حبیبیه آمدن یک تعداد معلمین هندی به کابل، چون داکتر عبدالعزیز و برادرانش، عودت محمود بیگ خان طرزی با مکتوبه های تحول طلبانه و برداشت عمیق مصلحتی از وضع جهان روزند - تحولات و نهضت های دنیا، زمین اذهان جوانان را آماده پذیر اندیشه های جوان سپاسی نمود. در این وقت نشرات جمال الدین و سید محمد آید نشرات دیگر از هندوستان به کشور می آمد و تحولات سیاسی - ترکیه و اینسنان به افکار روشنفکران اثر میگذشت. در میان قشر جوانان دلچسپی به مطالعه و درک مسائل روز پدید آمد. همای بین المللی افزایش مییافت. به قول میرغلام محمد تا سوس گردید، مطبوعه با لاجصار بوجود آمد، جریده هفت روزگان در (۱۶) صفحه به چاپ رسید، کارخانه توپخانه و پاروت سازی تأسیس گردید، ولی با حلات پنهانه - جویانه انگلیسها و فرار امیر سلسله این تحولات از حرکت ماند، تا آنکه در دوره امیر -

خان مامور بار چالانی امیر - پار بیگ خان دروازی و غیره جوانانی که در داخل دربار به مطالعات کتب و جراید خارجی میپرداختند و به مسائل سیاسی و اجتماعی داخلی و خارجی دلچسپی میگرفتند.

۲- حزب جمعیت سری ملی که مرکز عمده آن مکتب حبیبیه بود اعضای این حزب علاوه بر ریفرمها تبدیل رژیم مطلق العنان را به رژیم دیوکراتیک میخواستند.

۳- روشنفکران منفردی که خارج حلقه دربار و خارج شتند. مکتب حبیبیه از سال (۱۹۰۳) یعنی سال تأسیس آن تا سال (۱۹۰۹) مرکز داغ - فعالتهای سیاسی حزب - جمعیت سری ملی در کشور بود در میان این حزب یک حلقه مسلمانان هندی نیز موجود بود که رئیس آنان داکتر عبدالعزیز پنجابی و اعضای آن مولوی نجف علی و مولوی محمد چراغ و دیگران بودند. در مراسم جمعیت منجمله ده هدف - اساسی که بیان شده بود تبدیل حکومت مطلق به حکومت مشروطه، تحصیل استقلال افغانستان و نشر تمدن و فرهنگ جدید در سرلوحه آن قرار

نهضت روشنفکری

داشت.

با افشای یکی از تصاویر حزب "جمعیت سری ملی" یعنی برای اینکه "مصلح باید بسود" و افتادن لست فعالین جمعیت سری ملی به دست امیر حبیب الله اعضا این سازمان - تصمیم گرفتند عرضه ترتیب - نموده به امیر تقدیم کنند. در غلام محمد که چهارمین از فعالین این حزب به ناساسی لعل محمد خان غلام بیگه جوهر شاه خان غلام بیگه محمد عثمان خان سروانی و محمد ایوب خان سروانی و محمد به امیر سپردند. اثرات فکری این گروهی از مکتوبه ها در آنرا اعدام نمود و بر سر کتف زدن شد باید علاوه نمود که در روند جاری این وقایع جمعی از روشنفکران و دانشندان کشور از مدرسه شاهی و مکتب حبیبیه که در واقعیت همان روشنفکران ترقی خواه بودند به دربار پیشنهاد نمودند که انجمن دانشندان افغانی بوجود آید تا یک جریده پانزده روزه را بنام سراج الاخبار افغانی در آنجا در کابل نشر نمایند. در راه این انجمن مولوی عبدالروف خان کندی هاری - متخلص به "خاکی" سردرس مدرسه شاهی و ملای حضور

اولین شماره سراج الاخبار افغانستان در جنوری ۱۹۰۹ (۳۱) صفحه چاپ سنگی به نشر رسیده، ولی بعد از نشر شماره اول به خاطر مخالفت امیر انگلیسها متوقف شد.

با کشته شدن مولوی محمد سرور خان وعده دیگران - لهن حزب جمعیت سری ملی و توقف نشرات سراج الاخبار افغانستان شعله نهضت استقلال طلبانه و مشروطه خواهی ظاهر گردید.

ولی در حال بعد از امیر بار دیگر به تقاضای عصر و اجبار زمان سر فرو آورده اجازه - نشر سراج الاخبار را به محمود بیگ طرزی داده، محمود طرزی که با افکار تازه و مشیوع از استقلال طلبی، مشروطه خواهی و درک عالی از روسه های جهانی به وطن برگشته بود سراج الاخبار را به مدرسه رسته تربیت جوانان باروچیه استقلال طلبی و مشروطه خواهی مبدل ساخت. جریده که از سال ۱۹۱۱ تا ۱۹۱۹ به نشرات پرداخت با جرئت تمام از هیچ وسیله دستگناه دولت انتقاد نموده از استقلال افغانستان سخن میگفت. این نشریه که سری فکری روشنفکران

منجمله شهزاده امان الله - خان بشمار معرفت تعداد مشترکین آن در همان زمان به (۱۴۰۰) نفر بالغ میشد.

نشرات سراج الاخبار، دولت هند بریتانوی و روسیه تزاری را به لرزه آورده انگلیسها در ابتدا تلاش ورزیدند نشرات آنرا قطع کنند، ولی بعد از صلاح کار را در آن دانستند که نوعی با نشرات آن عادت کنند. اما جنرال کورا پاتکین حکمران روسیه تزاری در - ترکستان تلگرامی به نمایندگ روسیه تومسکی که در هند بود فرستاد، خاطر نشان نمود که شماره های سراج الاخبار در بخارا و ولایت دیگر ترکستان منتشر میگردد و از مقالات آن احساسات فدر روسی بریتانوی در مردم به جو شریک پیدا میسر دولت هند بریتانوی باید بر امیر افغانستان فشار آورد تا این جریده خط مشی تبلیغی خود را تغییر دهد.

استاد عبدالرحمن حبیبی در کتاب جنبش مشروطیت مینویسد که صدرالدین عینی به او گفته بود آنها سراج الاخبار را در شرایطی که این نشریه تحت تعقیب پولیس روسیه بود بدست می آورند و مخفیانه مطالعه میکنند.

سراج الاخبار که در واقعیت امر بنیاد گذار مرحله استقلال طلبی و مشروطه فواهی در افغانستان بود تا تحت اثرات بزرگی در همه کشورها بگذارد.

میرغلام محمد غبار مورخ شهر کشور در افغانستان در مسیر تاریخ مینویسد: به علاوه این جنبش های فکری، سری و علنی و هسته تحول در نفس دربار نشو و نما میکرد. اصلاح طلبان از روش امیر منجز بودند، و چون خود قدرتش نداشتند باید دورپوشی از اعضای خاندان شاهی جمع میشدند. این فرد سردار

نصرت الله بزرگترین فرد خا - نواده شاه نبود، زیرا او آنکه مرد خداست و مویها همان استقلال کشور بود. ر اداره دولت دلبستگی به نظام قرون وسطایی داشت. پس گانه شخصی که در دربار خاندان مورد توجه نبراهای دربار قرار گرفت. همین الدوله امان الله خان بود. او - نسبت نایب السلطنه را بجهت رهس این انجمن سری شامل نقشه کودتا نماید که امیر را در جلال آباد بکشند و جایگزین نایب السلطنه را بنشانند. دستور اجرای این عمل روانه امیر دادند. نفر از اعضای جمعیت سری ملی در قرآن تحریر و امضا نموده به سردار سپردند. ولی روز مهمن سردار از خانه تنه بر آمد و با کشتن برادر مخالف کرده نسخه قرآن شریف نزد او ماند. امیر حبیب الله کشته شد و امان الله خان به حمایت بالقوه و بالفعل مشروطه خواهان به قدرت رسید. شاه تاج پادشاه هی را به شرط اعلان استقلال افغانستان بر سر گذاشت و این همان خط اول برنامه روشنفکران بود. روشنفکران مشروطه خواه در جهاد کبیر ملی علیه انگلیس سهم فعال گرفته این افراد با ایمان و صاحب اندیشه در خط مقدم پیشکارتد انگلیس مردانه زمیندند و بعد از اعلان متارکه در اوضاع سند استرداد استقلال وطن، که با خون غازیان و مجاهدین سر به کراه وطن نوشته شد بود، سهم فعال گرفتند. شاه غازی در ابتدا با روشنفکران صمیمانه برخورد نموده، محبوبین سیاسی مشروطه خواهان را از زندان ها آزاد ساخت و یک تعداد آنان را در پستهای مهم - اداره امور کشور گماشت. ولی شاه که حاضر نبود گام در راه جهت تحقق اهداف برنامه باعکس العمل های روشنفکران بگذارد. (۸۹)

وقتی "سپاهی گمنام" را در یک بخت سردم، فکر میکردم که تمسیر تمامی ازین فرزانه مرد و تحویل داده باشم. اما پسانهاد ریا- قسم که نی! نکته های بسیاری را نگفته ام. و همو شده دو بخت دیگر آن را نیز سردم. بایست اعتراف کنم که سپاهی گمنام، نام بزرگی که من آن را - احساس میکنم، از ظمیر جغرافیای شعر فراتر مرود. ویر آنم که تا پای عمره این حماسه سیمای اسطوره قامت را در گمنامی نامی، باید فریاد زدم. "سپاهی گمنام" در زبان من الهامیه جاودانه دارد.

سپاهی گمنام
سپاهی گمنام
سپاهی گمنام
سپاهی گمنام
سپاهی گمنام
سپاهی گمنام
سپاهی گمنام
سپاهی گمنام
سپاهی گمنام
سپاهی گمنام

سپاهی گمنام
سپاهی گمنام
سپاهی گمنام
سپاهی گمنام
سپاهی گمنام
سپاهی گمنام
سپاهی گمنام
سپاهی گمنام
سپاهی گمنام
سپاهی گمنام

۱-
های غمزه زاده -
مرد رفته در گمنامی نامی
کدامین آیت سپاس را
از کتاب دیوانه گان آزادی
به نامت هدیه بگویم؟
ندانم، اینکه در هزار و چند و بین شب تاریخ؟
خونست با خاک آلود
و از چمه بی دیگر
از کلابه معصیت
به خلق شيطان رخت.
● ● ●
های غمزه زاده -
مرد رفته در بی دیوانی سایه زمان
من
اسطوره شهادت مشرق را
در خط گامهای فراخست -
که برجاده شهادت -
گل زده است
باز میخوانم.
● ● ●
هوسات
در لحظه های مضطرب پدرود
دیواری نبود
و نگار نهافتی
که نامه بی برای مادرت
با برای عزیز نا شناخته خود -
پامسی می نوشتی
فقط آفتاب
سلامت راه من گفت.
● ● ●
های عزیز هزار و چند و بین شب من
گرا بامس زمین

با چکه های باغنه سنگین،
خونست را -
به پایکوی گرفت
و کلاهش را
صدقه سرداد
ضحکه گریز حلالش یاد
و همچون شکست.
● ● ●
آهای غمزه زاده گمنام
سپاهی آزادی
کدامین راه را
به یاد فیض قدومت
بوسه ز نسیم؟
و کدامین درخت را
به نام قامت مردانه و مستبرت
نهارت کنم؟
باد کد امین دره را -
پا در رقص خیمه؟
که خورد خاک ترا خواهد داشت
و چه گلی را -
به دیده بمالم؟
که رنگ خون ترا خواهد داشت.
● ● ●
آهای سپاهی گمنام
من باور دارم
ستاره تو هنوز
از مخمل نهایی آسمان نریخته است.
اما
شهاب -
بر سزار ناشناخته ات
چراغی میسوزد.
● ● ●

آهای، سپاهی آزادی
من رستم
دو هزاراد - دو هیاهور بوده ایم
در امتداد پستریین شب تاریخ
که موازی نگاه هایمان
به هم گره نخوردند.
● ● ●
من
باز چه های کودکیت رانده ام
اما خیال میکنم
کودکی برهنه پا و گرد آلود را -
در گند مزارها
که به دنبال پروانه های رنگین
سرگردان است.
در آینه های کوچک پارا ن
به تصویر لرزان خود -
دو مشتقه میگوید.
روی بلوانه اجست میزنند
شترانه بی میخواند
که معنی رایت
نقط خدا میداند.
● ● ●
آی هزاراد
تو هم رنگ من بسودی
اما چیزی دیگری آمدی
از آتش و از نسور
تو "خلیل" دیگری آمدی
از سلاله خراسانیان
که بارها -
زمین زهر پاهت را
آتش زدند بگر خاکش خورد.
● ● ●
آهای چشک آزادی
خانه ات را
در شبی بسوزای
توک گفتی.
● ● ●

آتشب
سالگشت مرگ پدر را -
بار ستاخیزی -
جشن گرفتگی
آتشب
بر مرز صحرای دستان مسادر
یک فصل شهید بوسه کاشتن
و بر محراب آغوشش
به نهاز بار ترسین مدجیده
سرفرو گذاشتی.
خواهرانت دادزدند
و تو با خود گفتی:
(لاله جان - لاله جان)
(کاش بیادری داشتی)
آتشب
نخستین شب دیدارت بود - با تفنگه
که از آن پس
پرستو های چشمانت هرگز
چادر یاغچه را سبز ندیدند.
هان
پس از آن شب
برای همسر و فرزندانت
آسمان خدا با تمام وسعتش
برای مهاجران قریه گرد
خسته تنگه کابوس گشت.
وقتی بالداران جهنمی
جا غورهای آتشور شان را
به دامن سبز روستا -
مهاجران قریه گرد
اندو هیار ترین مرثیه زبان را
حسن کردند
● ● ●
های مرد سنگرود
میدانم
در هزاران شب
تفنگه بالهنت بود.
وقتی
هودج خاطره هایت را -
بر آن مینها دی
صافقه بی بیداد میکرد
و شتراره خوابت را مید زدید.
خدا میداند
در فصلی که چنگهر بیان عصر
در صحرای قدومت
آ تشنواله های مرگ می پختند
شعله باد جنگه
پشمینه کلاهت را

بر فرق کدامین تانک -

کدامین برونه -

و کدامین سنگه تاج میگذاشت؟

و گریبان تنگه کدامین را -

کفشهای کهنه ات را -

هدیه میگرفت؟

خدا میداند؟

شبهای بی ماهستاب

وقتی در سیدهای کوچک چشمان خود

ستاره میسوردی

و نگاههای پریشانیت -

سینه آسمان را شیار میکرد -

تووز عشق کدامین عزیز

در چهره زده هنت

میوه یاد میبخت؟

خدا میداند؟

وقتی سفید شین - در زبان شیاطین

در بگوشهایت را

با رخوت میگرفت

خون در رگهایت -

با چه لپهیی جوش میزد؟

و آنگاه -

عاشقانه تکبیر میزدی - جنگه را

تا ممر کمره فتح میکردی -

●●●

آهای سپاهی آزادی!

در کدامین روز بی آفتاب -

شهبان -

از دم مرکب تاریکی -

جان جادو بی میبخت؟

که آغوی روحت -

یکبارها از چشمه سار آتشمن تن

رو کرد -

و دیگر خنجره های مژه گانت

به قیام بر نداشتند -

دیگر -

شبهانه هانامدی

و مادرت هر گز -

سید پرگل تنهایش را

روی طاقچه دیدارت نگذاشت -

پوچساره -

دیگر مسافری نداشت

که جام لبریز چشمانش را

در بی او فرو بهاشد -

- ۳ -

آهای سپاهی کاکلسی!

دهشب مسافری -

از دیار پریشانی آمد -

با یک مشت نشانی

از گیسوان خونین است -

گفتم:

آه همد پسته خداست -

این ریشه های جنسی -

زود است - زود است

کزین ریشه های جنسی

در دشت یاد های دهکده -

جنگلی بکارم -

که اگر روزی -

میوه وحشی آن را -

زاغها بخورند - کیوتر کردند -

مسا فر نیاید -

گفتش باش -

باش تا باری دامن رنگمده ات را

به دیده بهالم -

آخر چهار دشتی دارد -

و - دود گوهی

و عطر خونسی -

مسافر پیهم لب میزند -

مسافر - هیچ نمیکند -

باری آبله عقده

در گلپوش ترکمید

و فقط اینقدر رگت:

((رضای خداست))

مسافر برگشت -

به جانب ناپیدا -

به سوی سرگردانی -

آی مرد خدا!

مسافر بوی ترا داشت -

کاکلس -

کاکل مست ترا میبند -

کفشهاش - پینه پینه بود و کامپاش -

کامپاش بی شکست ترا میبند -

●●●

هان - عزیز من!

وقتی عزیز همگسرت

گلناره های نهمسخته بیکرت را -

تکه تکه به دا من میچسبد -

باد ها آنگاه دریافتند -

که بهد خونین بهشتی -

چه عطری دارد!

●●●

های دیوانه آ زادی!

من نیز آبله پایی استم

در سحاری دیوانه گان

من به ز بارت لاله ها میروم -

تا معنی سنارت سخن کامپاشیت را

لصکم

و خنک عقل مسخره نرود -

من خویشتن را -

با کل خواهم شوخاند -

با گیاه خواهم روپاند -

با برکه خواهم آبهخت -

جاری خواهم شد -

همخط رود خانه

و خواب خواهم رفت -

همسر کوره -

تا یافت کم

لالایی را

که در شبهای بی مادر

با آن میخفتی -

و هابهوی را

کز کوتاهترین خواب زمان

بیدارت میساخت -

●●●

آ زاده مرد اسنوره قامت!

مردا نه گیت را!

در قلمرو تعریف

گنجایشی نیست -

کسوه -

نامت را پس میدهد -

دشسته

شهادت را تنگی میکند

و رود خانه -

راهی شدنت راه

چه آرام است و چه کم امتداد!

و من -

جوا نمت را -

چه قد رکود کم!

●●●

عزیز ملت من - سپاهی آزادی!

سوادت -

در سه واژه تمام بود:

خدا - مادر - آ زادی

و از نام خویش -

هج حرفی به یادت نبود -

با نهنوشتی!

اگر هنگام تو بودم

از افتخای تو -

شعر بلند روزگار را -

به ودیعه میگرفتم -

خیر باشد -

نامت با زمین -

نامت با ستاره -

نامت با خدا -

گره خورد - است -

●●●

های غریب زا ده

مرد رفته در بی گنهای نامی!

نامت - نورواژه بیست -

در قاموس بی ردیف شبگرد های خرابان -

که تجلی حروفش،

جاد و کران مشرق و مغرب را -

کور میبکشد -

باکی نیست

اگر خلیفه های نا خلف -

مفتیان بی طهارت را -

به سود خویش خریدند -

و سپاهد اران ساسانیان

پیمان یاری - پیمان خونت را

با فرا بن بی مهر

بپردند -

همین بس است -

که فرزانه گان زمین -

دیدند:

تو بر سجاده سخن مشرق

عاشقانه ترین نیاز را -

نماز آزادی را -

به آذان برخاستی - به تکبیر ایستادی و ادایش کردی -

عزیز شعر من عزیز زندگی من!

من -

شهادتت را

با کدامین قصیده خونین

به آمین بر خیزم?

■

تصویرهای از



ملا عبدالله مشعوره ملاي لنگه که تمام سمت جنوبی را در سال ۱۹۲۳ در زمان زمام داری امان الله خان رهبری میکرد.



— امیرامان الله
حین وداع با سربازان گارد شاهی در انتهای ترک
وطن.



— یکتن ازجا سوسان انگلیسی به نام لا رس که در تحویل
یک واحد دسایس علیه نهضت امانی سهم فعال
داشت.

— طلاب و نهضات رهبری مکتب جبهه در زمان
امیرامان الله



امیرامان الله

کله جهان دنگلاند

و کالینین که به عمارت پارلمان روسیه یا قصر سپید روسیه می انجامد از تانک‌ها، ماشین‌های محاربه‌ای و موتورهای نفر بر نظامی پر شد. دیگر ترافیک شهری اختلال شده بود. مابین بیرون هتل رتیم، تانک‌ها پارلمان روسیه را محاصره نموده بود. ظاهراً اسپ کودتاچیان بد و مانع به پیش می‌تاخت. اما صرف چند دقیقه بعد گروه بزرگی از رهبران پارلمان روسیه از عمارت لطفاً صفحه برگردانید

و ترجمان راه اقامتگاه را در هتل از کرایین که در یکی از نقاط مرکزی ماسکو واقع است، در پیش گرفتیم. رفت و آمد در جاده‌ها بصورت طبیعی ادامه داشت. چهره‌های رنگ پریده مردم از شوک خبر میداد که هنوز پایان نواخته بود. مغازه‌ها باز بود و از تانک‌ها اثری دیده نمی‌شد. با جابجایی در هتل غرض تانک‌ها در جاده‌ها آرامش و بی تفاوتی مردم را - اختلال کود - حوالی ساعت ۳:۱۱ دیگر دوجاده بزرگ کوتسوز ف -

وانها برای آن که قدرت را نگه دارند به کودتا متوسل شدند. بسیاری از مقررات در دهلوز هلمبه دود کردن سنگ‌تاق نمودند. مثل هر حادثه، پس مردم نا آشنا از یکدیگر سوال نمودند و با ابراز نظری می‌کردند. در دوطرف خط ریل عابری ساده نیز مشغول گشت و گذار بودند. مثلیکه آنها هنوز از حادثه اطلاعی نداشتند. ترن حامل مسافر ساعت ده و نیم صبح به ایستگاه ماسکو رسید. ما همرا باهمانند از

کمیته فوق العاده قدرت را دست گرفت. گریچف به خاطر دلایل صحت بر کارش، یا نایف معاون اول رئیس جمهور رهبری کشور را به عهده گرفته بود. یگونسه مارینا سور کف ترجمان ما در حالی که صدایش می‌لرزید و خشم از چشمانش فوران می‌کرد، در کوبه ترن از حادثه اطلاع داد. او سخنانش را با این جمله ختم کرد که: "خونتا (محافظة کاران وحشی می‌خواهند دموکراسی را بکنند)". ساعت ۱۰:۲۵ صبح بود. ترن تا یک ساعت دیگر باید به ماسکو می‌رسید. مسافری ۱۳ ساعت سفر را پشت سر گذاشته بودند. راه‌پوی سراسری شوروی در اتاق‌های ترن خطاب کمیته فوق العاده را بختر می‌کرد. فکر میشد که زمان به عقب برگشته است. شاید این نه سال ۱۹۱۱ بلکه سال‌های ۶۰ هجری است که رهبران شوروی زیر نام شماره‌های مانند "زند" باد کونیزم زند باد مردم" بمساط یک دیکتاتوری جدید را بر پا می‌دارند.

در دهلوز واگون ترن مردم با سه‌های تکیه و مضطرب با یکدیگر صحبت می‌نمودند. یک خانم گریه میکرد و می‌خندید. به من نگاه نموده و گفت: "فردا باید قرارداد اتحاد در میان جمهوری‌های شوروی امضا می‌شد، در آنصورت محافظه کاران و کونیست‌ها قدرت را از دست می‌دادند"

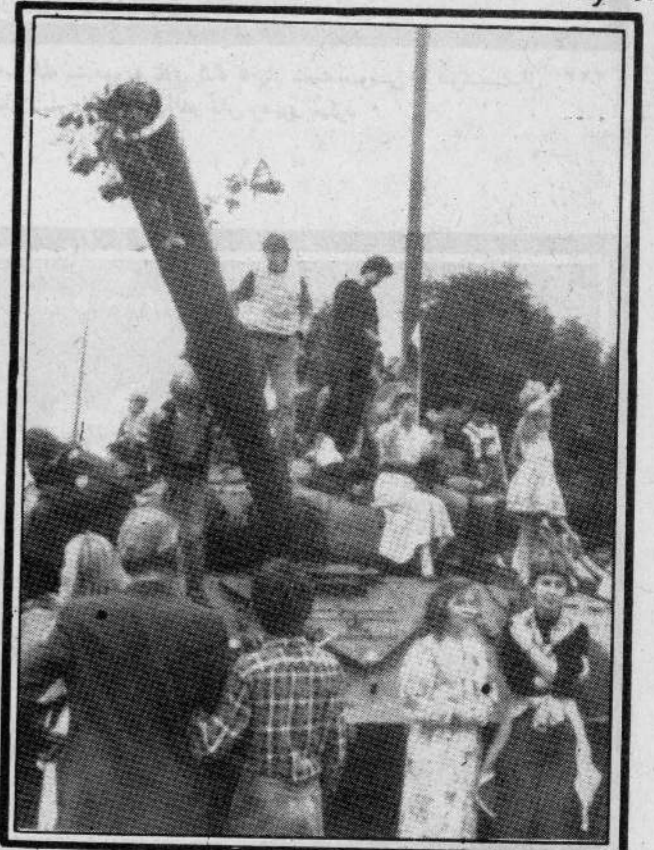


پلتن جسورانه رهبری مقاومت در برابر یوچوست‌ها را به عهده گرفت.

بیرنده اصلی مبارزه برای دموکراسی ملیت‌پرست

نوشته دوکتور خرف هر طین

همزمان کودتای ناکام در اتحاد شوروی و پیروزی بران (۱۹ تا ۲۵ اکتبر - ۱۹۱۱) بدیر مسوون مجله سیارون همراه با یک عده ژورنالستان افغانی، در ماسکو اقامت داشت. وی در بازگشت به وطن، گزارشی و تحلیل جریبان کودتا و انقلاب ۲۲ اکتبر را که به پیروزی دموکراسی شوروی انجامید، نام به نام از راه اخبار گفته به نشر سپرد. از آن جا که مجله سیارون خواننده کان و یژه خود را دارد و نیز به خاطر آن که این مطلب جالب و مهم به وسعت و فراخنای بیشتر بدسترس خواننده کان و علاقه مندان فرار گرفته باشد، این متن گزارشهای مذکور را بدون هیچ تزئین و تصرفی به نشر می‌سپارد.



تلفات های کبود چینی ها در حین مبارزه

۷۲ ساعتی که جهان را تکوان داد

پارلمان پایین آمده و راه صحبت با تانکیست ها را در پیش گرفتند. هنگام صحبت گروهها چند صد نفری مردم به دور آنها جمع شدند به انبوه جمعیت لحظه به لحظه افزوده میشد و بدینگونه مقاومت در برابر کودتا آغاز شد.

«قصر سپید روسیه» یا عمارت پارلمان جمهوری روسیه بنه مرکز ایستاده گن در برابر کودتا چنان کمونیت مبدل شد. بنا افزایش جمعیت مردم تانک ها را مجبور شدند از نزدیکی پارلمان دور تر بروند. مردم عادی که مزه آزادی را بعد از هفتاد سال ترهتاریانیزم و استبداد یک حزب چشیده بودند، خود به کار سنگر بندی ها در اطراف «قصر سپید» آغاز نمودند.

علی الرغم دستور کودتاچیان در مورد منع تظاهرات و گرد همایی ها مردم جان در کف نه تنها در برابر پارلمان بلکه در سایر میدان ها و نقاط عمده ماسکو گرد همایی های چند هزار نفری را آغاز نمودند.

این گرد همایی ها در ظرف ۲۴ ساعت به تظاهرات و میتنگ ها مبدل شد.

کودتاچیان اعلامیه هایی را که متن کامل آن ها (المجب) در روزنامه «پیام ما بطور کامل نشده شده از اردیو و تلویزیون پخش میشوند.

اعلامیه ها حرف های زیادی نداست. جامعه در بحران است، دسهلین وجود ندارد، بی ثباتی سیاسی و اقتصادی تعمیق یافته از اتوریته شوروی در خارج کاسته شده، بی قانونی و جنایات افزا

پیش میباید و چیزی های دیگری از این قبیل که همه جامعه شوروی پر از کودتاچیان آن را درک می نمودند. اما باید تفاوت که کودتاچیان بحران شوروی را -

خالص در برابر مردم ایستاد و سی هراس خراب به آنها سخن گفت و از آنها طلب ایستاده گسی و مقاومت نمود.

راد پوی روسیه به محل تبارز اراده

دستاویز غصب غیر قانونی قدرت برای خود قرار دادند. همان راهی را در پیش گرفتند که اسلاف شان اقایان پولیتس بهر هائی گذشته در مورد رهبران قبلی کشور در پیش گرفته بودند. بی خبر از اینکه دیگر جامعه شو روی دیگر گون شده و نیروهای بی بدید آمده اند که آماده اند در راه آزادی تا پایان بجنگند.

در نخستین ساعات کودتا بوریس یلتسن جسورانه رهبری مقاومت روسیه را در دست گرفت. او تمام موسسات روسیه را به اعتصاب فرا خواند، او مردم را به برپایی تظاهرات دعوت نمود. او با دست

میدان مقابل پارلمان روسیه را ترنگتند. جوانان شب روز از سنگرها دفاع می نمودند و با شور و انرژی که انقلاب ها فراهم می آورد راه پاسداری از دموکراسی و آزادی را در پیش گرفتند.

کودتاچیان در وضع دشواری قرار گرفتند. کمیته فوق العاده آنها که شامل پروکاه وزیر داخله، کرپچکوف رئیس ک. ج. ب. پاولوف صدراعظم، یازوف وزیر دفاع، یینایف معاون رئیس جمهور، تیزیکوف رئیس کمیته علوم و صنعت، بگلا قوف مشاور امنیت رئیس جمهور و استرا دوپف رئیس کمیته دهقانان شوروی بود، هسته هسته دچار اختلافه پس از ادگی شد. روز و کودتا پاولوف به بهانه فشار بلند بازاری ترک نمود. به نظر می رسید که نظامیان نیز در نحو

میدان مقابل پارلمان روسیه را ترنگتند. جوانان شب روز از سنگرها دفاع می نمودند و با شور و انرژی که انقلاب ها فراهم می آورد راه پاسداری از دموکراسی و آزادی را در پیش گرفتند.

کودتاچیان در وضع دشواری قرار گرفتند. کمیته فوق العاده آنها که شامل پروکاه وزیر داخله، کرپچکوف رئیس ک. ج. ب. پاولوف صدراعظم، یازوف وزیر دفاع، یینایف معاون رئیس جمهور، تیزیکوف رئیس کمیته علوم و صنعت، بگلا قوف مشاور امنیت رئیس جمهور و استرا دوپف رئیس کمیته دهقانان شوروی بود، هسته هسته دچار اختلافه پس از ادگی شد. روز و کودتا پاولوف به بهانه فشار بلند بازاری ترک نمود. به نظر می رسید که نظامیان نیز در نحو



جریان تکفرائس مسیجاتی کودتاچی ها

اعمال کودتا دچار اختلاف هستند. تلویزیون سی. ان. ان از کنار رفتن کرپچکوف و یازوف نیز خبر می داد.

از سوی دیگر علوی که یک ژورنالیست شوروی اظهار نمود کوشاچیان خود را مشکت را انتخاب نمودند. آنها پلان توطئه را مانند سال ۱۹۶۴ که خروشچف برنار شد طرحی می نمودند. بدینگونه که در بین خود فیصله نمودند که وقت برای آن فرا رسیده که «شف» را به دلیل اینکه به «سمت» مطلوب نمی راند برطرف کرد. آنها حتی این زحمت را متقبل نشدند که فورول جدید برکناری بسازند و با همان فورول کهنه و اشنای «معادیر سخن» عمل کردند و با بره اندازی بازی «شگرف» و «کین گرف» خواستند مردم را - بشناسند. آنها طوری محاسبه نموده بودند که با این حرکات می توانند درست مانند سال ۱۹۶۴ همه را در مقابل عمل انجام شده قرار دهند. اما آنها نمی فهمیدند و از تاریخ نیا موخته بودند که سال ۱۹۹۱ - سال ۱۹۶۴ نیست. آنها تصور کردند که در زنده گی جدید بازم می توانند به همان اشکال کهنه قدرت دموکراسی حزبی دولتی عمل کنند. آنها خواستند همه مسائل را خودشان حل کنند، نهرا به این امر عادت نمودند بودند. آنها عادت نموده بودند که فکر کنند نظر شخصی آنها نظر همه ملت است، که دموکراسی صرف یک کلمه جان نمی آید، که دموکراتها ارزشی ندارد. توطئه گران تصور نمودند که آنها

تیکه دار حاکمیت هستند و قدرت برایشان از بالا ها بخشیده شده است.

رهبران کودتا که به گفته «تفکر عمده» بازسازی و دوست ما بسبق گریچف الکساندر ساکولفیف حتی سوسالتم ربه معنای دادن چند گرام مسکه و چند توت کلباسه و چند پارچه نان خشک به مردم درک می کردند، در نخستین برآمد مطبوعات خورش در برابر مردم هیچ چیزی جز نفرت و دشمنی طموتها انسان را به دست نیاروند. بانایف این بازچه «دست ایاارات حزبی و نه امان توطئه گر در حالی که دستانش می لرزد و هر لحظه به ا غرائبان خودنگاه می کرد نتوانست کترین شقی برای امتناع مردم در مورد عملی که انجام شده ارائه کند. یک ژورنالیست خارجی با یک سوال بسیار بر معنا از او پرسید که شماوتی کودتا می کردید، آیا یا - بیخوبیت مشوره نموده بودید؟



مقاومت مردم در برابر کودتا چنان در برابر پارلمان روسیه

کودتاچیان بر علاوه، تفسیرات درجهان معاصر و نشان را که غرب پس از بهالهای بازسازی و اصلاحات در زمین گرایشهای حیات سیاسی، اجتماع شوروی کسب نموده است مورد ارزیابی قرار دادند. امیکا و غرب در کنار مقاومت و نیرو های طرندار دموکراسی قرار گرفت. رهبر - ان کشور های غربی بابر قراری - لن داغ یا بورس یلتسن مستقیم در مقاومت علیه کودتاچیان اشتراک نمودند. بدینگونه یلتسن به مگانه مقام قابل اتکا چه در میان ملیون ازادخواه شوروی - بلکه همچنان نزد رهبران غرب مبدل شد. در تجربه رویداد های اخیر امریکا و سایر کشورهای غربی نشان دادند که آنها دیورد استقرار نظم نوین جهانی و دفاع از دموکراسی درجهان پایدار ایستاده اند. کودتاچیان محاسبه - درستی رادر مورد موفق میخائیل

گر با چف نیز انجام دادند. آنها فکر می نمودند که گر با چف را می توانند وادار به تسلیم کنند. اما او تسلیم نشده، او طوری که خودش در صاحبه مطبوعات پس از برگشت به کپلین در روز پنجم ۳۱ اسد امشا کرد از امسا هر گونه سندی در ساره استعفا و با تحویل قدرت به معاو - تشرک می توانست کودتاچیان را در مومعت ناهرا، نانونی قرار دهد. ایا ورنه.

تمام این عوامل گروه هشتگانه رادرمومعت دشوار قرار داد. حتی حزب کمونست که رهبری آن بدون اعلامیه رسمی و خاموشانه در عقب کودتاچیان قرار داشت، حرکت نه نمود بر امثال کودتا مبر تا بعد بگذارد. روزنامه «پراو دا وینچ روزنامه دیگری که زیر تسلط کور نمست قرار داشتند که تمام اسنا و مصوبات توطئه گران را چاپ نموده اند. این تزل به ستایش کودتاگشود نتوانستند.

رهبران کودتا برخلاف جهان تاریخ و زنده گی عمل نمود مو قانونی را که خود به ان رای داده بودند. نهر پامی گذاشتند. از همین جهت هم طی سه روز کودتا ما با کس بیخوردیم که بتواند از کودتا دفاع کند. در حالیکه جوانان مردم عادی اشک می ریختند و تمام اسد شان را به یلتسن بک بودند. تمعجب اوراست که در جریان یک صحبت ما با معاون روزنامه «پراو دا اتای گارچف در روز مس کودتا که هنوز کمیته فوق العاده عمل می کرد، می توانست موضع حزب کمونست را روشن سازد. هاز بقمه در صفحه (۱۶)

شود که در سال ۱۹۹۱ چهار سده و هفتاد و پنج قصبه آدم - کسی درین جا رخ می دهد . کمیته قضایی سنای امریکا حوادث آدم کشی را در ایالات متحده امریکا در سال گذشته عیسوی (۲۳۲۲۰) حادثه می بیند یعنی کرده بود ، در حالیکه حوادث قتل در سال گذشته در آنتشور به (۲۳۴۴۰) می رسد .

میتلابه سلطان در کانادا

ملیر گزار به سازمان جنومنی کانادا که به تاریخ ۲۵ جولای به نشر رسیده از رسم نفر کانادایی ، یک نفر در نئون حیات خود به سرطان مبتلا خواهد شد . سازمان موسوم به " ستانیتدن کانادا مکتوبید " در جریان سال ۱۹۹۱

پند و نه هزار واقعه جدید سرطان در کانادا ثبت و تشخیص خواهد شد . تعداد وقایع جدید سرطانی از (۲۰۰۰) به (۳۰۰۰) در هر سال افزایش خواهد یافت . به غیر صورت خیر خیری هم نشر شده و آن اینکه مرگ های ناشی از سرطان دوره طفولیت نسبت به اوایل دهه هفتاد به نصف کاهش یافته است .

بجامعه اروپایی مبارزه با فوراوانی

برای جلوگیری از تولید محصولات اضافی در پخت های های جامعه اروپایی تدابیری اضطراری روی دست گرفته شده است .

قرار اطلاع آژانس نوومستی سال گذشته بهست پنچ میلیون تن گندم محصولات جامعه اروپایی به فروش نرسیده و در گدام ها ذخیره مانده است . به همین می شود که در سال جاری ۱۸۰ میلیون تن گندم جمع آوری شود . در حالیکه مصارف جامعه اروپایی ۱۴۰ میلیون تن است . تصمیم اتخاذ شده تا قسمت خرید گندم در حدود یک

سه حصه کاهش یابد که جبران خساره فارم داران نیز در آن در نظر گرفته شده است . اما جامعه اروپایی هوشدار داده که در کشت گندم کاهش بعمل آید .

گفرانس با کفرانس

در اکتوبر سال ۱۹۹۱ در شهر پراگ نخستین کفرانس بین المللی درباره جنایات کوننهم دایر مگردد . در این کفرانس نماینده کان کشور رمای اروپایی و امریکایی و آسهای اشترک خواهند ورزید .

تفاوت بزرگ میان زنان مرد و خودوار

در نهور پارک نتایج تحقیقات در مورد زنان جهان تحسنت عنوان " زنان جهان بگرایش واحصائیه سالهای ۱۹۷۰ - ۱۹۹۰ " به چاپ رسیده است . این نخستین تلاش کار شناسان ملل متحد در زمینه ارزیابی وضع و حقوق زنان در ۱۷۸ کشور جهان است . پسر اساس این تحقیقات زنان در برابر کار مساوی با مردان طوز اوسط (۳۰-۴۰) فیصد کتر مزد بدست می آورند .

تعداد زنان بی سواد از - ۵۴۳ میلیون در سال ۱۹۷۰ به ۵۶۷ میلیون در سال ۱۹۸۰ - افزایش یافته است . طول عمر زنان در حال حاضر صر به مقایسه مردان طور اوسط در کشور های رشد یافته ۶۵ سال و در امریکا ۷۵ سال است . طبق اطلاع آژانس نوومستی که این گزارش را منتشر کرده تعداد زنان جهان به مقایسه مردان کتر است .

آب عراق عربی را نخواهد دید

سریلانکا از جمله کشور هایست که در جنگه خلوج فارس خسارات زیادی را متقبل گردیده است . عودت کارگران متخسمن این کشور به وطن که تا قبل از آغاز جنگه خلوج در کویت کار می کردند ، برابلی های زاد رجعت کارهای آنها برای سریلانکا پدید آورده و این کشور منابع اسماری خود را از دست داده است . غرامت کشور سریلانکا را با عی عراق مطابق قطعنامه سازمان ملل متحد بپردازد اما تا هنوز معلوم نیست که عراق برای این کار آماده است یا نه و اگر برای پرداخت این غرامت حاضر هم گردد تا همین عقیده دارند که پرداخت آن نظریه مشدلات جدی اقتصادی این کشور سالها بطول خواهد شد انجامد . قبل از آغاز جنگه خلوج فارس یکصد هزار سر یلانکایی در کویت مصروف کار بودند که ۷۴ هزار نفر آن به سریلانکا برگشته اند .

از زمین زلزلی

تعمیر و ترمیم از زلزله

انسان در عین پیشرفت

نقطه پایگال

جهل پایگال از عمیق تر -
 این جهل های جهان است
 که عمق اعظمی آن ۱۶۳۷ متر
 است .
 در این تازه گی ها و لا -
 در پیر قبالکوف دانشمند
 استیثوت جهل شناسی اکا -
 دی علم شوروی مؤلف شد
 به عمیقترین نقطه جهل با -
 یگال پارسین رفته یکا دی را
 در زمینه قائم کند . تا حال هیچ
 کس نتوانسته بود به عمیق
 جهل پایگال راه یابد .
 به اسرارش آزانسی
 نووستی موصوف باد و نفرد یکر
 به کمک یک دستگاه به عمیق -
 ترین نقطه جهل پایگال
 فرود آمده و چهار ساعت رادر
 آنجا سوری کرده به کمک پروژ -
 کتور از کف جهل فلمبرداری
 نموده و آب و خاک جهل را -
 برای تحلیل و تجزیه با خود انتقال
 داده اند .

روز رهایی کویت

در کویت اعلان شده که
 ۲۶ فبروری روز رهایی کویت
 از وجود سربازان عراقی روز
 رختی در آن کشور خواهد بود .
 این تصمیم را کمیسیون
 تقنین شورای ملی این
 کشور اتخاذ نموده است . قبلا
 پیشنهاد شده بود که روز دوم
 اگست روز آغاز تجا و زعراقی بر -
 کویت روز رختی اعلان گردد
 اما کمیسیون تقنین کویت این
 پیشنهاد را به اتفاق آرا رد
 کرد .

تشریح از سال پیشین شادی

در ننگولیا نیز هر سال مانند
 سایر کشور ها به اسم حیوانات
 مضامین شود . آنها سال
 ۱۹۹۲ را سال شادی
 (مومن) دانسته و هوشدار
 داده اند که باید مالداران
 برای زمستان ۱۹۹۱ - ۱۹۹۲
 آمادگی بگیرند زیرا شرایط
 اقلیمی نامساعد فرا خواهد
 رسید و امکان تلف شدن حیو -
 انات موجود است .

۱۴ تن مواد فضله به کشورهای جهان سپردن انتقال یافت

اخیرا " سموزیم پسن -
 الملی ایکولوژیکی در استیا -
 نیول دایر گردیده بود درین
 سموزیم دکتر کرایتوان کوری
 طی سخنرانی گفت :
 " در پنج سال اخیر
 حدود ۱۶۰ میلیون تن
 مواد فضله در همه شرکت
 صنعتی کشورها برشده یافته
 به کشورهای " جهان سوم "
 انتقال یافته است .
 همزمان با این اعلان
 در ترکیه جمع آوری ماضها
 به منظور جلوگیری از آبین
 عمل آغاز یافته و در اسناد
 پیشنهادی این
 کشور تصریح شده است -
 از حفظ محیط زیست کنترل
 صورت گرفته تعذیرات علوسه
 متخلفین شدت یابد .
 قرارگزارش از انیس
 اطلاعاتی نووستی شاروال
 شهر استانبول که پیشتر
 از سایر شهرها از آلوده گی
 محیط زیست متضرر شده موضوع
 بررسی مجددا قانون حفظ
 محیط زیست رادر ترکیه -
 مطرح ساخت .

دستگیری یک آدمخوار

یک مرد آمریکایی که ۵ نفر
 را کشته و گوشت بدن آنها را
 خورده بود دستگیر شد و به
 جرم خود اعتراف کرد .
 تلویزیون سی . ان . ان -
 در بخش خبری خود اعلام کرد :
 - در شهر میلواکی واقع در -
 ایالت ویسکانسین مرد ۲۱ ساله -
 ای به نام جفری دامر به اتهام
 قتل حد اقل ۱۵ نفر و طعمه
 قطعه کردن بدن آنها و اد -
 خواری دستگیر کرده اند
 سی . ان . ان در گزارش خود
 افزود :

- اعضای پولیس میلواکی به هنگام
 جستجوی اپارتمان این مرد ۳۵
 سر انسان رادر داخل یخچال
 ۱۱ جعبه و اجزاء قطعه شده
 شده چند بدن و مقدار مابیل
 ملاحظه می اشخوآن را کشف
 کرده اند .
 همایگان دامر گفتند که بوی
 تعفن گوشت کندی در دروسال
 اخیر در فضای اطراف اپارتمان
 وی به مشام می رسید و صدای
 کاراره بوقی از اپارتمان وی به
 گوش می رسید .
 در کتر قانونی میلواکی ایسن
 کشتار را بزرگترین و فجع تر سن
 مورد آدم کشی در تاریخ ایالت
 ویسکانسین اعلام کرد .
 شبکه رادیو سی . بی . سی
 با پخش گزارش مشابهی در ایسن
 رابطه گزارش داد :
 - احتما می رود که این مرد
 که قبلا نیز مدتی را با خطر تجاوز
 جنسی به جوانان زیر ۱۸ سال -
 در زندان بسر برده باشد و ی
 در ظرف دو سال گذشته بعضی
 از ۱۸ نفر را به قتل رسانده
 باشد .

قطعه قطعه کردن

« ۱۰۰۰ » انسان

اعضای حرکت شورشی رنامو
 موجب قتل حداقل ۱۰۰۰ نفر
 در مرکز ناحیه لائو در ایالت
 شمالی لامپولا شدند .
 راد یو موزامبوق به نقل
 از شاهدان عینی گزارش داد
 که اکثر این قربانیان را کود -
 کان تشکیل می دهند .
 به گزارش خبرگزاری المان
 از ماپولو ه این راد یو افزود :
 عوامل " رنامو " قتلش از
 پایتخت لائو راد یو راجوری
 اشغال کردند .
 - این راد یو همچون گفت :
 امرادی که نتوانسته اند
 از این منطقه بگریزند و وارث -
 منصفه ریثا در همایگری
 خود شوند گفتند که قربانیان
 قطعه قطعه شده و در قفس
 های فریشتگاها گذاشته شدند .

قربانی بی پای بیت

یک زن و شوهر هندی که
 کودک خود را دریای بت بزرگ
 قربانی کردند دستگیر شدند .
 این زوج روستایی که چند
 سال از داشتن فرزند محروم
 بودند در دوسال پیش با حب
 پسری شدند .
 " پورا انکول " و همسرش
 " سوبیترا " نذر کردند که دو -
 مین کودک خود را حقیق آیین
 بت پرستی دریای بت بزرگ
 قربانی کنند . دومین کودک
 آنها دختر بود که به هنگام قرب -
 بانی شدن در واه و پانزده
 روز عمر داشت به گزارش خبر -
 گزار می جمهوری اسلام ایران این
 نوزاد دختر در دریای بت بزرگ
 ماهاسویادار روستای ساتوا -
 دای قربانی شد . پولیس
 این زوج روستایی را به دلیل
 قربانی کردن فرزندشان
 دستگیر کرد .

تشیخ از زمین از زمین & از زمان

را خبر و کلیسا شده و در میان فیر کرد.
درین خاد هم سحر جرات
نبرد است و امام درین غروب
در اثر حمله قبلی به تعقیب
این خاد هم در زمان تلوسا
جان سپرد.
این دختر بیست و پنج ساله
از تلوسا نواز شده و دو مری
دیگر را هم از آینه تفنگچه را
جانب خود پرتاب کرده و بیست
مری را به سر خالی کند به
جا فیر کرد.

سلاطین

تاریخ نام چینی به این
نمیراستند که آتشسوز دریا-
های نفت لویت و فعال شدن
مجدد نوه آتشفشان در فلپین
باعث سرازیر شدن سیلابهای
چندماه اخیر در چین شده
است.

محققین در آکادمی علوم -
پکن گفته اند نه اسرعی -
ضخم که از چاه های مشتعل
نفت از زمان جنگ خلیج به این
سو متصاعد گردیده باعث کا -
سیر نفوذ اشعه خورشید
به زمین گردیده و درجه حرار -
ت سطح زمین را کمتر ساخته
است و این زمستان ذروی -
را ایجاد نموده است.

عده به پسران آتشفشان
کوه پینا تو بو از فلپین ابرهای
سرخ خاکستر را به فضا متصاعد
ساخته و درجه حرارت را درین
منطقه پایان آورد است.
سرازیر شدن سیلابهای -
اخیر که شدیدترین سیلابها
در قرن جاری در چین خوانده
شده باعث هلاکت دو هزار نفر
گردیده است.

این زن امریکایی که تاریخ
۱ اگست گفتند که پکن این امر -
یکای قبل از آنکه میله تفنگچه
را به سوز خود چرخانده به
خودکشی دست زند در مراسم
غروسی در یک کلیسا به سوی
غروب و داماد چند بار تیر
نمود.
این زن امریکایی که آن -
کوراند و نام داشت جفت مشروس
و داماد را از دوره مکتب سی
شناخت و گفته می شود که با -
حق داماد بود.

زمانیکه جیو فلنستگسا
داماد و در پناهی تو غروب در
پن تلوسا در شهر پورتو پلسی
ایالت پستوری امپا سوگسند
و فاداری را به جا میس آور -
دند و کوراند و تفنگچه را از -
دستگول خود کشیده داخل

درست بعد از کشتن پسرش
او خواستار پرداخت پول بجه
زندگی او شده ادعا کرد که
پسرش تصادفی در آب غرق
شده است.

السن فشان اوزون را از خورشید

اداره ملی بحر شناسی و
اتوسفر شناسی امریکا
به این نظرات که فعالیت
کوه آتزر نشان پینا تو بود
فلپین که اخیرا بعد از کس
صد سال خاموشی دوباره
فعال گردیده میتواند قش -
اوزون را بر فراز نیم کره شمالی
در سال آینده شدیداً صده
زسد.

کاهش سطح اوزون ماده
که زمین را از اشعه ماوراء
بنفش آفتاب محافظت میکند -
از سفر دیوا اکساید ناشی
میشود که در مواد آن آتزر
نشان به مقدار زیاد وجود
دارد.

بنگاله طیش

در طوفان تشار وید

سيف الرحمن ونهرالمه
بنگلگه دیش گفته است
که بنگلگه دیش در طوفان
تباہ کن ماه اپریل یک اعشاره
هفت مہار دالر خسار دید
این رقم رانبری مشترک ضر -
بشی بنگلگه دیش و مل متحد
تخمین کرده اند.
همچنان طوفان مذکور
باعث هلاکت (۱۲۱۰۰۰) -

نفر گردید . سيف الرحمن
گفته است کشورش ۲۱ میلیون
دالر را در کوتاه مدت و ۲۶۱ -
میلیون دالر دیگر را در ک
دوره متوسط طولانی ضرورت
ارد.

دین اسلام

در آذربایجان

است یا سالتور پرتاب هم اتمی
در شهر شوما در لندن نشر
گردید و میلیونها نفر در قرن
سای آینده در نتیجه آزمایشات
ذروی که در سراسر جهان
اجرا میشود ، جانهای شان
را از دست خواهند داد .

این گزارر که تحت عنوان
" رادیواکتیو و زمین " به نشر
رسید ، بخش از گزارر وی
های طبی علوم سلاح شای
ذروی است که توسط سازمان
دو کشوران بین المللی برای -
جغرافیوی از جهت ذروی بسراہ
انداخته شده است .

این گزارر تا نوسر ات
آزمایشات ذروی در قضا و در زیر
زمین را که توسط انگلستان
چین و اتحاد شوروی و ایس -
ات متحد و امریکا از سال -
(۱۹۴۵) به اینسو صورت
گرفته مورد ارزیابی قرار داده
است .

در این گزارر گفته شده
که تا نهر این آزمایشات به
طور یکنواختی معادل به سهول
هزار بم است ، که در شهر شوما
پرتاب گردیده بود .

گزارر میگوید که تا نهر ات
بقایای ذروی این آزمایشات
تا سال (۲۰۰۰) باعث آن -
میشود که (۴۳۰۰۰۰) نفر
از اثر سرطان بمیرند . همین
سازمان که مقرآن در لندن است
مشکل از دیگران طب هفت
یک داتان و کارشناسان ذروی
از سراسر جهان میزند .

تاریخ کشف ذرات اکتیو

مردیک در قریه تمام بوکنا
پسر پنجاه ساله خود را کشت
تا بتواند سه هزار تومان
دالر به زندگی وی را بدست
آورد ، از طرف محکم به سه
مرگ محکم شد .

دانیل بوها مردیکه
در شرکت بیمه کار میکرد متعس
است که پسر خود را تا سرحد
مرگ نت و کوب کرده و بعداً
جسد وی را در آب انداخت

تاسال

نشر قریبانی

طبق گزارر که بتاریخ نشر

شماره ۱۱ اکتبر شرکت -
 کند آن کفرانس برین مسموم
 ده تانون (۱ آزادی عقاید
 و سازمانهای مذهبی) اظهار
 داشتند که آنها با مواد مسموم
 ده این تانون موافق نیستند
 به عقیده آنها در تانسون
 مذکور اسلام باید به مشابه
 دین رسمی حکومت تسهیل
 گردد در ضمن صورت اداری
 روحانیون دارای تفازسی
 تواند حزب سیاسی شود را
 تا "سیر نماید" شرکت کنند
 کان کفرانس همچنان استوار
 می دیزند تا آموزش دینی در
 کتاب صورت گیرد.
 به عقیده "سازماندهای معاد
 ون کادوسی غیر آذربایجان
 در صورت نظام شدن دین
 اسلام به حیت دین رسمی، آذ
 ربایمان باید نام جمهوری
 اسلامی مسمی گردد و چنین
 قسم ضربه اختلاس
 در نام مرکز میگردد" موصوف
 به گونه "کفرانس سالسون
 جلسه را ترک کرد".

شرکت کاپیتان

چگونگی مرگ سالیس

پولیس در جمهوری گبر
 درستان زمانی تکان خورد
 که تلفون متعلق به جوزف
 ستالین دزدی شد.
 این تلفون در موزم -
 ستالین در شهر گوری گریستان
 که در یک تانور شوروی در آنجا
 تولد یافته به ناپیش گذاشته
 شده بود. این دزد تصادف
 می توفیق گردید و آن شوروی
 بود که یک پولیس گریه هنگام
 شب یک تن از باجهن را که
 یک شیطه را نقل میداد
 شوق ساخته و شیطه او را
 تلاشی کرد این دزد چاره
 جز اصراف به خوشبختی
 دزد مذکور در قرارگاه پولیس
 گفت که او تصمیم داشت
 تلفون ستالین را در منزلش
 نصب نماید، زیرا تلفونهای
 صری قابل اعتماد نیستند.
 این تلفون که ستالین

درجهان جنگ در جهانی
 از آن استفاده میکرد و
 به موزم مسترد گردید.

دزدی یک میلیون دلار

دزدان یکصد و پنجاه
 نفره را که از مران ترنداسی
 گذشت و قیمت آن در مارکت
 های بین المللی انشای انشیک
 به میلیونها دلار میرسد از موزم
 ملی بنگه دیش دزدی کردند
 مامورین داکه گفتند که دزدان
 مذکور با قطع میله های آهنین
 وارد گالری موزم که در طبقه
 دوم قرار داشت شده و بار سو
 دن مجسمه "میناتور" شده
 قرار نمودند این مجسمه قسمی
 از تاج ماراچادیکا پائاسی باشد.
 مامورین داکه گفتند این نخستین
 حادثه دزدی در موزم مذکور
 در بیست سال گذشته است
 این مجسمه شش کیلوگرم وزن
 داشته و در بازارهای بیجا
 لملی میلیونها دلار ارز دارد.

دزدی یک پشه

در اوزر با بجان

علی حق بر دی یف رئیس
 کلوپ پدیده های غیر عادی
 یا کو برای خبرنگار آژانس
 "آما - ایراد" اظهار
 داشت که در این او با خود
 آپشرون ملاقات انسانها با
 موجودات عجیب ثبت گردیده
 است. یک گروه محصلین
 مکتب عالی نظامی کسپن در
 نزد یکی یا کو با موجودات عظیم
 الجثه مواجه گردیدند. این
 موجودات با پشم سبزه کورنگ
 پوشیده بوده و یک چشم سبز
 داشتند که کمی پایین تر از
 پیشانی قرار داشت و بزرگی
 چشم آنها به اندازه یک دانه
 انار کلان بود. در سابق نیز
 در آپشرون مردم با چنین
 موجودات ملاق شده است.
 در زمستان سال ۱۹۸۹ با
 شده گان قهره کورداخانسی

موجود دهنده را د پند که
 کام آنها چهار برابر گسام
 انسان بود.

شامل علی یف در روز شنبه
 وی یا کو در ماه فبروری سال
 ۱۹۸۹ در نزدیکی استیشن
 شروینام "د پشه" با دیویک
 چشم مواجه گردید. امروز
 کلوپ پدیده های غیر عادی
 یا کو از اهالی جزیره نیسای
 آپشرون خواهرش نموده تا
 راجع به ملاقات های مشابه به
 کلوپ مذکور خبر دهند. در
 جهان پدیده های مشابه و
 خود دارد. مثلا در سال
 ۱۹۸۹ یکی از جزایر بحر
 الکاهل جیمه دیویک چشم
 کشف گردید.

بازسازی فرد شکسته

آبایی گریباچف

تا به ۱۲ اکتبر ده هکده
 آبایی گریباچف رئیس جمهور
 شوروی روز شکره است. در
 ده هکده پیر و لئوس کلخوزی را
 که بنام یا کو یف میگرد لئوس
 یکی از نخستین رهبران دوم
 لک شوروی مسمی بود لئوس
 دند.

روز نامه کمسولسکا یا پرودا
 می نویسد که چنین قسم را خود
 اهالی ده انتخاب نمودند.
 ایوان میخائیلنکو رئیس اسبق
 کلخوز گفت که انجمن ده هکده
 که تازه ایجاد میگردد رطول
 پنج سال از پایه د ولتسی
 معاف خواهد بود و بهتر از
 همه اینکه دهقانان اختصار
 دار زمین خود خواهند گرس
 دید.

اکنون هر عضو انجمن می
 تواند ۱۴ ایکر زمین (مسک
 ایکر مساوی است به ۲ جبه)
 بدست آورد. ناگفته نماند
 و طندا راهالی این ده میخا
 ئیل گریباچف نیز حق دارد
 مالک زمین مورش پد رشر گردد.

دزدی میلیون

دزدان با جوله و اخیرا
 به د بغداد و دیترا منهم
 سقا پی ستین متور را قطع
 نمود و یا خود برده اند.
 مسموم نشده نه به مدت
 زمانی را در بر گرفته که دزدان
 مذکور توانسته اند لوجه های
 المونوم سقا حقیقین متور را
 که در بناده شوت و ولستون
 در منطقه بروکین نیویارک قرار
 دارد بردارند اما به احتمال
 زیاد به آما این کار را در جزیره
 یان انجام داده اند. این
 متور بیست و نهار ساعت بازمی
 باشد. پولیس تخمین زده
 که المونوم چهار سرت شده
 یون. قتاد تانون هزار دلار
 ز دارد.

سنای امریکا و پیش

سینا و کشتیها

سپو تحقیقی که در مجلس
 سنای کانترو ایالات امریکا
 رخ ۱۱ اکتبر صورت گرفته
 در موریتیه گرای ششماه اول
 سال جاری عیسور در ادامه
 جنایات وجود داشته باشد
 تا اخیرا سنای (۲۲۷۰۰) نفر
 در ایالات متحده امریکا به
 قتل خواهند رسید.

شیر این تحقیق که توسط
 کمیته قضایی مجلس سنای امریکا
 صورت گرفته قضایای آدم کشی
 انون نسبت به سن سال گذشته
 دو چند افزایش یافته است.
 (جوزف بایدین رئیس کمیته
 بد نور این رفتار خونریزی
 را نتیجه استعمال مواد مخدر
 تشنج باند های نوجوانان
 و دست یابی بدون کدام محدود
 دیت به سلاح میداند.

از جمله پنجاه ویت ایالت
 امریکا، تکران شاهد بزرگترین
 حوادث قتل در سال جاری
 خواهد بود. تعداد حوادث
 قتل در این ایالت امریکا سه
 صد نفر بیشتر از سال گذشته
 است. به هر صورت واشنگتن
 دی. سی. مرکز آدم کشی
 خواهد بود.

نام های ناشناخته در میان
هواخواهان هنر تاجیک در
افغانستان نمیباشند .

درغنائین همزیبانان صمیمیت
و همدلی پیوسته زیبا و زینت
پرداخته ها بوده است .

گاهی از سر زمین پر بار
فولکلور افغانی برجیده آوازی
سرداده اند و زبانه های
ترانه های شاد و صحت مجلس
و گاهی نیز این جا و آن جا
پارچه های رابه باز خوانسی
گرفته اند .

البته خود نیز هد ایایی در
این زمینه داشته و با تعارف
دسته گل هایی را نثار شنونده
گان و بهننده گان افغانی خوب
پیش نموده اند .

بهبتر خواهد بود از زبان
خود آنان بشنوم که چی هر
فهایی برای شنونده گان افغانی
خوبش دارند .

نخست از همه با کرامت الله
آواز خوان جوان و خوش صدای
این گروه پرشهایی را مطرح
نمودم که میخوانند :

• بار چندم است که به افغان
نستان آمده اید ؟

• بار سوم است که به افغان
نستان دوستانه اشتی آمده ام
و این یگانه کشور است که خود
را در آن بیگانه احساس نمی نماید
هم چه تبار و ریشه و فرهنگ ما
یکوست .

• تا شهر موسیقی غرب را بالای
موسیقی تاجیک چگونه یافته اید
و آیا خود نیز از این موسیقی
چه یزی میداند ؟

• در حالیکه خود را دقتیتر به
سوال نشان میدهید و گویی در
صحنه امتحان قرار داده اند
را یادندان گزیده بحد میگوید
• شخصاً موسیقی غرب را بهترین
نگریده ام و در رقصت مکتوب
ارو پایی در تاجیکستان باید
گفت که تا سال ۱۹۸۰ مکتوب
ارو پایی بالای موسیقی ما تا شهر
مستقیم داشت که پس از همان
سال چند تن با هم کمر راسته
گروهی را به نام سمذیان که
بیلو دنیهای موسیقی فارسی در
لطفاً صفحه برگردانند



باری از نوه پس از چار سال
باز هم میزبان هنرمندان تا
جیک استم . آنان خوب میخواستند
نند و خوب میخواستند و خوب
هم میخواستند . هر چند آن سبک
دستی و شور سالهای پیشین
را کمتر داشتند . اما هنرمند
خوبشان خرمای شهرنوا بسا
آهنگهای خوب و ظرافتهای
هنرمندانه خود را گرمسای و
کسرتنهاشان بود .
آواز خوانان خوب دیگرشان
کرامت الله واحد اللعین پارچه
های خوبی تقدیم علاقه
مند آن موسیقی تاجیک نمودند .
بیشتر از همه خرمای با تقدیم
آهنگهای افغانی " اوخندا -
جان دلم تنگه است " بچه
جان لوگری " و " مشک تازه
مهریزد ابر بهمن کابل " یکبار
دیگر علاقه مندانش را نوازش
بخشید و توانست همان محبوب
بیت گذشته را در جمع د و
ستان افغانی تازه سازد .
از مدتی به این سو هنر
موسیقی در تاجیکستان آمیزه
می بوده است از ظرافت های
موسیقی بالند و خاور زمین
با آلات بومی و محلی تاجیک
که گهگاه سایه روشن تا
و امواج تازه گرای غرب نیز
در آن محسوس بوده است .
گروه های هنری چون پلکه
پدیده هاه گلشن ، زیبا ...

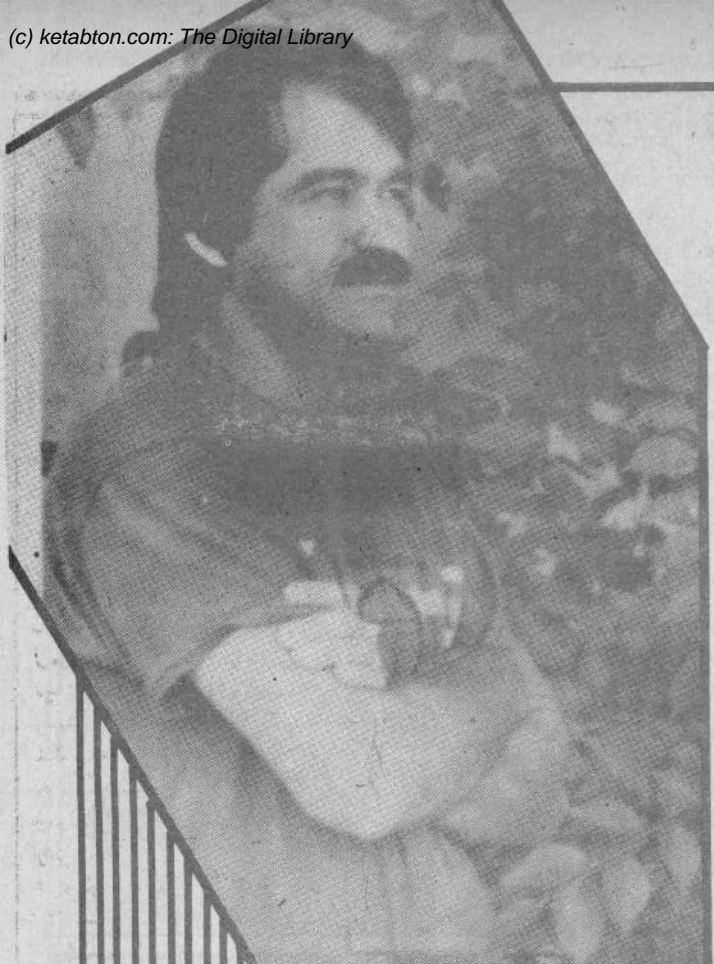
گروه هنرمندان تاجیکی در جشن استقلال به کابل آمدند

مباحثه از نریا سرلوری

دلم تنگاست از خنجره دیگر خرمای شیرین

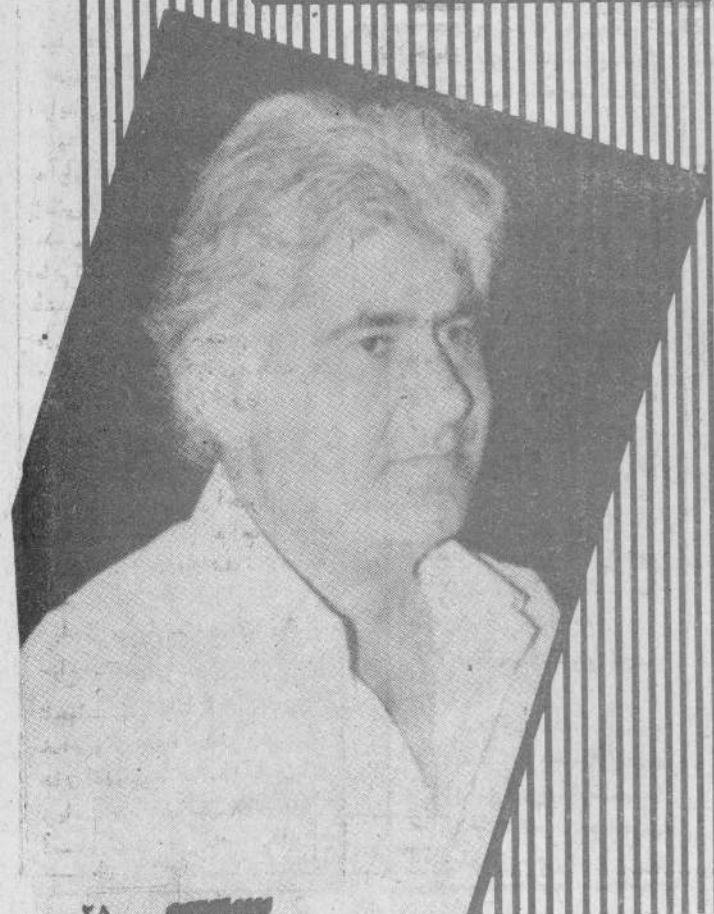
او خدا جان





که می‌کنید چه خواهد بود ؟
 ابرو هایش را بالا انداخته
 می‌گوید :
 - اولاً خدا آنکند که چنین
 کاری شود اگر باز هم چنین شد
 به دهکده بی مورم گانگه‌ها.
 رم و از شیر آن مسکه هینوسر
 و قصابی ته به منطام و در ضمن
 می‌کوشم اولاد های زیاد به دنیا
 بیاورم تا بانوای آنان غیبی
 دنیا را فراموش کنم . اما این
 را از یاد نهید که بد و ن مو -
 سیقی نمی شود زنده گی کرد .
 * دو سال بعد خود را چگونه
 پیشبینی می‌نمایید ؟
 - من آن قدر به آینده نمی‌اند -
 بسم آن چه برایم ارزش دارد همین
 امروز است . آینده را خدا میدا.
 ندوس
 * کدام ساز را سازگار حالات
 خویش یافته اید ؟
 گوی به جایی رفته است از آن
 جا سخن می‌گوید :
 - تنبور را دوست دارم صدای
 بقیه در صفحه (۸۲) .

خاوی چه چیز بوده است ؟
 باز هم می‌نمونه در گری حالت
 را به خاطر می‌آورد و سپس
 چنین می‌گوید :
 - دو سال قبل نامه بی از پست
 جویان دریافت نمودم که در آن
 نوشته بود " دوست و سه سال
 دارم به آهنگسازیت غیبی
 علاقه مندم اگر صاحب ده فرزند
 هم شهید حاضر با شاهروسی
 نامم .
 هر دو خندیدیم - غیبی
 پرسیدم به کدام آواز غیبی
 چنان علاقه مندی زیاد داشت
 رسید ؟
 درنگی نکرده می‌گوید :
 - علاقه خاص من به تمام هنر
 نقاشی و شریکت که تویان به
 صورت خاص از یکی آن ها
 نام بگیرم .
 برای لحظه بی هر دو سبکت
 پیشتر به خاطر آن که چوب
 بان صحبت قطع نشود بهم
 * اگر موسیقی و آواز غیبی
 سبب افلاک بود اولین کاری



خرما شیرین و کرامت الله بار دیگر در ستیزهای افغانی درخشیدند

میشود، علت را بپرس ؟
 خندیده می‌گوید قرار است
 امروز روی تربت احمد ظاهر
 بروم و به روح پاکش دعا کنیم .
 * قسمی که معلوم میشود اکثریت
 مردم تاجیک علاقه زیاد به
 آواز احمد ظاهر دارند، میشود
 علت را بدانیم ؟
 - نگاهش را از نقطه بی برمی‌کند
 و ادامه میدهد :
 - به خاطر آن که احمد ظاهر
 شعرهای خوب را انتخاب نمود -
 ده و آواز به نوقدم تاجیک
 دارد و مردم میتوانند در
 آهنگهایش تصویری از زنده گی
 خویش را باز یابند .
 * در قسمت انتخاب شعر
 چگونه نوقدی دارید ؟
 - شعرهایی را انتخاب می
 نامم که به گونه بی بازندگی
 و پهلوی های آن در رابطه با -
 شد و اکثریت بتوانند در همان
 شعرها لحظاتی از زنده گی
 شان را دریابند .
 * آیا گاهی موسیقی غرب را -

خامه‌ها شیرین تر است که
 با علاقه مندی و سمیت خاص
 آهنگهایش را برای شنوندگان
 آوازها را که میدارند که هم
 سبب روز تاروز شما رلاقسه
 شدن آوازها از من می‌اید .
 خرما شیرین با چند تن
 از زورباستان دیگر مصروف
 مساحبه است . من هم منتظر
 می‌مانم پس از آن که دیگران
 رفتند من به پرسشهایم آغاز
 کردم .
 * آیا از آواز خودتان خوش -
 نشان می‌آید، چرا ؟
 می‌نمونه دو بعد می‌گوید : خود
 ستایی بیشه سلطان بود من
 خود را در هنر خود شرمندارم اما
 هنر را در خود دوست میدارم
 خوب در وقت صحبت غیبی
 نا آرام معلوم میشود گاهی پارا
 روی پای دیگرش قرار میدهند
 لحظه بی دستهایش را زهر
 پخش می‌کند . و بعد موهایی
 را با دست نیازش میکند .
 بهرسم خیلی ناراحت معلوم

ان راه دارد تشکیل دادیم .
 * موسیقی تاجیک را با موسیقی
 کدام کشورها در نزدیکی
 و تشابه قرار میدهند ؟
 بعد از اندکی درنگ می‌گوید :
 - موسیقی ما نزدیکی خاصی
 با موسیقی افغانستانی و هندسی
 دارد که ما توانسته ایم این
 موسیقی را در دیگر ایالت های
 اتحاد شوروی نیز رایج سازیم .
 * در مورد نوشتن و باله‌های
 شدن موسیقی تاجیک چی نظر
 دارید ؟
 خود را تکان داده گوی چیزی
 را از نظر می‌گذرانند بعد ادا
 می‌دهد :
 موسیقی باید مسلکی و اساسی
 آمیخته شود . در سورتیکه
 موسیقی الفبا بی شود آن گاه
 مشکلات همه حل خواهد شد
 چه با آما تور بودن نمی شود که
 موسیقی را به گونه اصلی آن فرا
 گرفت و آمیخت .
 * به گونه بی که دیده میشود
 شما آهنگهای افغانی را خوب
 اجرا می‌کنید ؟
 برای گهش این آهنگها چی
 معیار هایی را در نظر می‌گیرید ؟
 خنده معنی داری نموده من
 افزایش :
 بیشتر از همه احترام من نیست
 به آواز خوان آهنگ می‌باشد .
 زمانی که آهنگ را پسندیدم
 - می‌کوشم آن را طوری اجرا
 نامم که نزدیک با همان آهنگ
 باشد . گریه کای خوانی مسک
 عمل پسندیده نیست . چرا
 که با خواندن آهنگهای دیگر -
 ان نمیشود جایی را گرفت .
 اما کای خوانی نزد من مفهوم
 خاصی دارد و آن این که به
 نظر من کای خوانی احترام
 و علاقه مندی زیاد به اصل
 آواز خوان آهنگ می‌باشد نه
 تقلید از او .
 با ختم سخنان کرامت قربانوف
 سراغ آواز خوان شیرین کلام -
 آتاجیکستان را که با اداهای
 خاص و دوباره خوانی آهنگ
 های افغانی علاقه مندان من
 زیادی در کشور مان یافته
 است می‌گیرم . بی مقدم از



تصویر کرد . آید ؟
 با تمجیب می‌خندد :
 موسیقی غرب را دوست دارم
 اما چون از عهده آن برآمده
 نمی‌توانم . هیچگاه بی آن را
 تصویر نگردم .
 * وقتی که تنها باشید چسی
 می‌کنید ؟
 آه کشیده می‌گوید :
 - هنگام تنهایی آهنگهای را
 زمزمه می‌کنم . اما آهنگ " من و -
 دریا " همیشه منس تنهاییم
 بوده است .
 * جالبترین نامه بی را که تا
 کنون دریافت داشته اید



دځسر لالی

د ژواک لیکه

د موسم د کلونو د نازکو پاتو
سره بیوه پداده چی ستا
د نیاسته گوتو مړول ورسره
برخه دي .

لالی ! ته چی دوزیسی
د سهار نه مچو سره اشناهی
ستادي د نازکلوته د نازکوز و
نواغله په تمه ده . بسکه
د نیاسته د بازار تودول تاته

جان سپارل غواړی
ته د بازار تودو ساته اوسرولوته
بی به پیزده . ته نیاسته
لالی بی ، دنړی درانه لمر
ورانکی ستا د مخ لوری ته گړی
راگړی . ستا سو د کوشونو د

درانه سهار وزیس خولسه
وزنژدی کړی . داچی نن
د پتنگانو د قافلې لوری تاته
خره دي ، په دې وخت کی
د هغی زېدلې پانی لعاظ
ساته چی د زمان د توند با د
خپیری وهلی یوه ، خړکه
دور موشیو واگه ارد نیاسته
هنداره یوازی ستا
مخی موندوله

لالی ! د تاندولبتولو وړی
له نظره به اچو !!

د روغیسی دی ، شوندي
شپڼو موی پوښو وخته لمر
هغی خواک شه تر تورو پوښه
پام په گاردي مکه هلته د کپلو
د سره اتق یو سره شری بی بی
د هنر لالی ! پوهیوی بی
لږ وخت پخوا به ستا د کلابی
خپری شخه د هغی پتنگان هغی
پروا نه پیل اوستا نیاسته سره
په بی پروایي به ستا د نیاسته
د هغی قدر پروا نه ساتلده
کیده . تاته د زانیس په
ولوش هغه ماته گریسه
د بهادری !

د نازکاو دې ! د نیاسته
په دې رنگین گزاري ، د نیاسته
په دې د باغ د شاکو گور تاندولتو
لښتوکه پام کول اوسنی
د مرغی ملک ستا د هغه
راپولسی .

دا ستا پام به هیره و ا دلته
چې د موسم هر کی د پتنگانو
انته کار لسی د دې هغی
اوبرا د وینه یوازی د خپلیسی
خولی هکته به راوړه .
د هنر لالی !

لا مبر کړی دی ، ووايه
د نیاستو سره د نیاسته په
بازار کی ستا د معاملسه
تاته سه بی ؟

لالی ! که د نیاسته
د حساب ورکولو د حشر
په وچ ستا سره د نیاستو
د هیرولو او هیریدو د سپارلو
حساب وشو ، ستا د سپین
تندی ، شین خال ، واداغ لپری
کولای شی ؟

لالی د بنکلی هنر لالی
منم چی ستا سره لاسونه
او اورغوي به هلته د حساب
د پاره واورې ، راواړې خو
د دې سرولا یونود حساب
ورکولو د پاره دنورو نیاستو
په سرورینود ک زړونو ته
سواپ ته شی ورکولای .

د نیاسته مغروري اوسه
نازبری !

منم چی ستا د مخ
کلاب ته د پیزه واغلو پتنگانو
دهوکی اتن جوړی اوستا
ستا زې ستا د هنر د تاج محل
د مرصنو تیزو مخی ته د وړی

خو سره نیاسته بی ، ستا
د اوږل پرمخانی د پاسر
نرونه پرمخانه کړی دی ستا
د نورو شکر گرانو سره پوزو پوښو
د افونو کتیبوول . ستا
د حسن شخه تر پلوالی سرې
کول شی موه زړونه د هغی
سره انگارنه و سپارل ، پوهیوی
چی ستا د هیر وشو هم د زړونو
نیانی خطا کړی . ستا
د خیالی مړوند په اړولو
راپولو سره خو مره زړونه
د نیاسته په سیند کی لاهوشون
منم چی ته نیاسته بی ، ته
د سره کلاب به په سر وشوندي
شرو لای شی ته نیاسته بی ،
تاته د حسن د بازار د کیدلو
ور خلاص دی .

کولای ! پوهیوی چی خپل حسن
پرمخانه نیمه کړی بی ، او د خپل
نیاسته د کلونو هنداره دی
لاسی شخه ونه لونده او هنداره
هم ستا د نیاسته په پوښو
ته شریبه خوداچی د هغیل
نیاسته به غرور د سپور و
نیاستو لوری ته شریسه

که چگونه همه مردم چین خواستار مجازات وی میگرددند . گماهیتم کرد تا او یک لحظه در باره جبهات و حوادث (انقلاب کلتوری) نکرکند . در یکی از مینتنگ های (خونفینها) اشتراک و ضمن ابراز نطقی چنین گمت: (مائو برای همه شاسلام می فرستد ۱۰۰۰) وید نیال این جمله اشتراک کننده گان باشعور و همچنان نهاد زدند: " از رفیق مائو باید بیاوزیم ۱۰۰۰ احترام به رفیق سزنان سن، تا آخرین قطره خون خود در راه شما ایستاده ایم ۱۰۰۰ " فعلا شعار کمالا تغییر کرده بود . (سزنان سزنان سن را به ده هزار بارجه باید برهد) ()

مکن از روفیسوزان پوهنتون نپهاریک بنام (اوکسانا اونیک) در سال ۱۹۷۱ - چندین هفته را با سزنان سن سپری نموده بود چنین اظهار نظرمی کند: پسزبان سن را باید به مشا بهیک فرد با شعامت پسر هادی و پسر بره پیشگام انقلاب یاد کرد) سزنان سن چندین سال را در ستر مین سیری کردی در مسکو تحت تدای قرار داشت داکتران میگفتند کهوی به مرض سرطان دچار میباشد . اما با شعامت نهادحتی مرض سرطان را به زانو در آورد .

سزنان سن همیشه احساس عدم اعتماد نسبت به مائو داشت . مائو بعد از طلاق خانم اول خود که یک دختر مادی از فامیل دهقان بود بر اساس اصرار فامیل مائو با دختری از یک فامیل روشنفکر ازدواج کرد از او نیز همراه با سه طفل وی جدا شد . زن سومی مائو بخاطر (اخلال دماغی) به بیمارستان عقلی و عصبی نگهداری میشد . مائو علاوه بر آن دوهمرت نزدیک را (پوشا - وسی و لنهن پیاو) را بقتل رسانند آما سزنان سن نمیتوانست خود را آسوده احساس کند ؟

انقلاب فرهنگی از یک طرف سزنان سن را در کرسی بیوری سیاسی حزب کمونیست سزنانند ، از جانب دیگر چین را به عقب راند و جوانان چین را از لحاظ اخلاقی و روحی معیوب ساخت .

سزنان سن را مانند (لاورینتیا سزنا) - مردمانی محاکمه نمود که در مقابل مکتب خود بی اندا و مقصر و گناهکار بودند . ملت چین باید تحمل داشته باشد که واقعات جدید در باره " همسر چهارمی مائو " برآید و همچنان این تحمل را باید داشته باشد که واقعات نهادی را که از سالهای ۱۹۴۹ بدین سو در آنکشور اتفاق افتاده بدانند .



بیوه مائو

خودکشی

کرد

از مجله عصر نوین چاپ اتحاد شوروی

ترجمه احمد سزنا

همسر چهارمی و اخیری مائو خانم (سزنان سن) هنریشه سابق و عضو بیوری سیاسی حزب کمونیست و مشا به الهام دهنده (انقلاب کلتوری) در حدود سی سال با بیگبری و تلاش زها د تقیها موفق شد تا به تنهایی بالای بزرگترین ملت سزنان حکمفرمای کند ، وی تصویری کرد که به هدف خود نزدیک است اما بعد از مرگ مائو قربانی مبارک قدرت که خودوی به هاسال مصرف آن بود گرسد .

قبل از مرگ خود مائو برای وی ضمن نامه نوشت: (فعلا مائو هم دیگر جدا میشود هر کدام در جهان خود بسر خواهیم بود ، صلح و بیوری را برای همه ما آرزوی کم . ممکن این چند جمله آخرین پیام من برای تو باشد . زندگی انسان محدود است اما انقلاب سرحدات رانمی شناسد اما تو میتوانی به عالیترین مقام برسی اگر توبه این هدف نایل نیامدی در آن صورت به صورت گنم سقوط خواهی کرد ، تن تو پارچه پارچه خواهد شد ، استخوانهایت خواهد شکست) ()

مائو ضمن به تاریخ ۹ سپتامبر سال ۱۹۴۷ در گذشت مراسم سوگواری او هشت روز طول کشید . در سبد گلی که برای مائو همسرش سزنان تمبه دیده بود نوشته شده بود: (شاکرد و هم مرت تو ۱۰۰۰) و تمدا " نی خواست بیوه مرد کبیر باشد بدین ترتیب خواست این مطلب را افشاده نماید و تصمیم گرفته بود تا جایی او را پر نماید . سزنان همیشه خاطر نشان میساخت: (بیگانه را می گاز تبدیل شدن شخص به مهره شطرنج جلوه گبری می کند پدست آوردن قدرت است) (خف مائو اقای هواگو فسن تمبه این شکل فکرمی کرد .

هواگو فسن فرمان داد تا سزنان سن را از عضویت بیوری سیاسی حزب کمونیست چین اخراج و در زندان انداخته شود . پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست چین به " بهترین اسم وضو جنبش کمونیستی جهان داخل اقدام گردید . کمیته مرکزی خطاب به مردم چین چنین اعلان نمود: عضو بیوری سیاسی خانم سزنان سن در سال ۱۹۳۵ توسط سزنان جاسوس (گومیندان) استخدام شده بود .

و در سال ۱۹۳۷ با اینهان نمودن هویت خویش واقعیت را گمان نموده اصل و نسب نمودالی خود را پنهان و بدین ترتیب در حزب راه پیدا کرد . در زندان سزنان سن نمیتوانست ببیند

چگونه خواهد آمد؟



نخواهد داشت.
چنان برای عدد از شهرستان
گاز مایع نیز آماده فروش است
که انتقال آن در شهر کابل
رودت گرفته شده است

منبع صحبت: معاون اول
وزارت معیشتی و گاز

۱- ذغال سنگ:
امسال در نظر است تا در
توزیع ذغال سنگ بی غدا تر
های سال های گذشته تکرار
نشود. تثبیت شده است که
پتجاه هزار تن ذغال سنگ
به کابل وارد شود. در زمینه
رهایست ترا نسبت سکتور -
خصوصا تا اخیر عقب مانده
در این مساله است البته
انتقال آن از همین اکنون آغاز
شده است و در دروازه تاجیه
شهر تذخیر آن ادا به دارد.

برای سهولت تعریض تحویل
پول در شهری شانگه خطی
مختلف و در بانک های مختلف
قابل اجراء است. باید خبر
قسمی ذغال توزیع آن آغاز خوا
هد شد. البته قبل از توزیع
است های مستحقین تثبیت
شده از طریق نواحی شهر
کابل این پروسه پیش برده می
شود.

منبع صحبت: دوکتور کد اسی
معاون وزارت معیشت
و صنایع کابل

۲- انرژی برق:
خوبه فخانه امسال بنام
باران برق های زیاد سال
گذشته وضع آب نسبتا بهتر
است و از این جهت بر چسای
برق در وقت های طولانی تر
صورت میگردد البته در هشت ماه
در امسال مشکلات به الاثر
برچای وی برق به وجود خواهد
آمد. زیرا در این فصل بخش
بیشتر مردم به مصرف برق تویسه
بیشتر مبتناسند و بر علاوه
تغییر سخت و بز توسط برق صر
رت میگردد. ظرفیت های مو
چود تولید برق برای شهر
کابل به تناسب مصرف آن نا
کافیست

شهر کابل توسط ۴۴۰
برق و ۳۴۰ برج برق بر بوسط
به فایده کات و در ویر دولتی
از انرژی برق مستفید می شوند
در بخش برق انرژی حرارتی
مشکلات عدم موجودیت تهسیل
وجود دارد و فعلا در ایمن
مورد مشکلات کماکان پابرجاست
وزارت آب و برق با اصلاح و
تتاز پروژه های جدید میتوانند
برق بیشتر را تدارک نمایند به
اسمار و وجود پولی نیاز نیست
است که با مصاد شدن امکان
نات تسهیلات فراهم می شود
و بیشتر اینکه برق به موجودیت
آب در دریا های که در مسیر
بند های برق جریان دارد -
متعلق است.

منبع صحبت: انجنیر فضل
احمد رئیس برق کابل

۳- تسهیلات های
که از مسئولین امور خونه بسم
نشانده هنده این امر است گفته
باید نسبت به این مشکل مردم
حکومت تدابیر جدی توهمراه با
ظرفیت های واقعی که بتوانند
نیاز مندی های مردم را تکافو
نمایند اتخاذ نمایند.

در حالت موجود معنی
پوست کده مسئولین اینست که
تخل به مقدار کافی وجود ندارد
ناید تهیه شود. ذغال سنگ
هنوز به مقدار کافی به کابل نرسیده
شاید برسد. برق فعلا
وضع بهتر دارد اما ممکن است
وضع آن بد تر شود و اما مردم
چه کند؟

در این حال تشویش بیشتر
و امید کمتر است انتظار داریم
حکومت که در جلسات شورای
وزیران به این موضوع اهمیت
زیاد قابل است واقفانه بتوانند
نیات و پلانیهای خویش را در عمل
تحقیق بکنند امید وان نهای واکه
مردم از جریان تدبیر جلسات
شورای وزیران به دست آورده
اند در عمل مشاهده نمایند.

گزارشگر: لیلیه سیدی

۱- مواد نفتی:
تهیه و تدارک مواد محروم
قانی در فصل زمستان برای
شهر کابل کار خیلی
مشکل است از یکسو مشکل انتقال
لات و از سوی دیگر کمبود مواد
محروم قانی از طرف هم انتقال
مواد به مرکز دست به دست هم
میدهند تا مشکلات را جاکسر
سازند.

در رسانهای اخیر بنا بر کمبود
چوب ذغال سنگ و انرژی برق
فشار معنی بالای مواد نفتی وار
شده است به همین جهت
کمیای کم شده است و از جوری
نست آن در بازار های جهان
افزایش یافته است.

در سال جاری حکومت تصمیم
دارد تا از منابع داخلی مقدار
نفت خام را تهیه نماید همچنان
تدابیر اشافان شده تا شرکت
های متفحصین خصوصی مسود
نفتی را تویید و از طریق پست
استیشن های دولتی توزیع
آن را تنظیم نمایند تا نیای
در این زمینه وجود دارد توارب
داد های هم صورت گرفته است.
البته برای شهر کابل کویون
های جدید جهت برای مسود
نفتی توزیع خواهد شد. تصمیم
استثنای برای مستحقین فروش
در یافت مواد نفتی و مسود

از ده سال به این سو زمستان یاد شیرازی و ناملای خاصی
مهمان عزیزین ما می شود. زمستان همیشه فصل تا مهر با تست
امایری مردمی که آتش و نان ندارند نامهربانتر به یاد داریم زمستان
سال ۱۳۲۷ را که کودگان مردم بانویان ها وقت پست استیشن
های تخیل خشک شدند و به خاطر دارم برقیهای سنگین وزن سال
گذشته را البته که بات آن اراده نبردند و بر این سختی صبر
ما برده است البته آنچه که در امکانات است مردم از آن استفسار
میشاید. بکنند از مواد نیز کم است ست چیز های با مشکلات
دست میاید ولی حقیقت اینست که مردم هم شرایط جنگه را میداندند
هم سوزان را درک میکنند هم معنی محاصره اقتصادی را بلد اند
ولی با آنهم خانه ایگه سرد است آتش میخواهد و شکی که گرسنه
است نان میطلبد و تن برهنه را باید پوشانند.

حکومت در رسانهای گذشته با اتخاذ تدابیر توانست باری از
مشکلات را بر دوش گیرد و چاره سازد همچنان تدابیر اضافی فرض
حل یک سلسله از مشکلاتی که در اثر رو آوردن هواشنای از و لایست
به شهر کابل به وجود آمده نیز اتخاذ گردید. واقعت اینست
که کابل شهر چند بار اگر چقدر از نفوس کمبود است. برق بیکه تنویر و
تسخن خانواد و هاتوزیع مواد قفایی مواد مورد نیازشان در زمستان
همیشه بنا بر افزون بودن نفوس و کمبود امکانات باید اقل شبکه
خدمات اجتماعی مشکلات خود را میداشته باشد اما یک سوال مطرح
می شود. آیا تدابیر حکومت به موقع اجرا میشود؟ آیا آنچه در
دسترس است عادلانه توزیع می شود؟

ما برای زمستان طلال روان هم تشویش داریم و هم امید.
زمستان خواهد آمد اما بی دایم و بی تدابیر مردم معیشت
پوشان اند و وضع اقتصادی خیلی مردم بر سر صدمه ساخته است
هنوز جنگه میبارد و هنوز بنگه راه میگردد. هنوز جنگه مسوزان
خانواد و ها را جوانان. نان آور و نیروی کار کاروان مشغول خسود
نگهدارنده آنها اینکه آنها را از صحنه زنده گن دور بوسازد صاعقهها
ستم مسوز این امور به سوالهای میا وین در این مورد پاسخ
بگویند که واقعا چه داریم؟

آیا مردم تشویش داشته باشند یا امید؟

راپورتاژ

احتیاط کنید!

تقلب

در



وقتی به شهر میرویم و میخواهیم
چیزی بخریم در هر مورد در هر
قلم و سواست داریم که می-آدا
تقلیب باشد، می-آدا کم باشد
می-آدا کم بخریم و ازین گونه
تقلب امروز نه تنها در سنگهای
غیر شیشه بلکه در اجناس ولوا نیز
متشکل، خوراک ها و مسکه
اجناس وجود دارد. کفتر
کسی است که قادر باشد یک
تولیدکننده را دیوکت یا
ویدئو تپ جایانی اصل را با
ساخته هوش آن که از اینها
کوبه و تاپوان می-آید فرقی بگذارد
مثلا بسیاری می-آید اینند
که تاریخ سیری شده ادویه
تجاری، کم دندان، لوازم
آرایش، رب پاد نجان رومس
کسروها، شکر خشک، پنیر، مسکه
روض و ازین شمار را چگونگی
در نظر بگیرند و چه عواقب
منفی را این تاریخ سیری شده
در تبال خواهند داشت؟
من گزارش خود را از - آه فر-
چشکا مهرکه افغان اعظم می-آید
یک تقریبی می-آید مرکز



محمد جا در محمد خیر

شهر است . در اطراف دیکانهای مختلفی وجود دارد . وانسو دست فروشان و فروشنده گان دوره گرد . کس بالاتر تصایب و در کنار آن رستورانیت ، در مقابل بازار و فروشگاه بزرگ افغان و افغان نشنل بدر جست غریب شویخ پری ها ، شور - نخود و پنشو بعد از نه سزای لیلان !

میخواهم از ترکیبی و میوه فصلی خریداری کنم چی میبینم :

سنگه وزن که از خشت و آهن های عالی نمعه شده معادل وزن حقیقی نیست ترازوها پاننگ دارند و اگر یک جنس را در دو ترازو بسازد تعویض جا وزن کس می بینی که یک پاوه ، پاونست و چارک حتی سه پاونست !

بالای کراچی سبب فروش تکه سرخ رنگی نصب شده که سبب های سبز و خام را پخته می نما - یاند وقتی در خانه سبب های چیده شده خود را بار دیگر

می بینی متوجه میشوی که تریب خورده ای !

میخواهم بزیج و ماشرو لوبیا را قیمت کم . نرخها خیلی گران است و دکانداری که میخواهد خود را صادق تجلوه دهد میگوید برادر بازی نخورد و تمام بازار بزیج خوب نیست نه سبب میدهند ، فقط من خودم از بخلان بزیج خوب آورده ام به تمام سده بزیج صدمه . آما باور می کسی سر راهم خانمی آمد که خرید طه - می از سودا در دست داشت پرسیدم :

خواهر ! چی خریده ای؟

گفت از منای کوبونی گرفته ام ، علاقه گرفتم وزن آنرا دقیق بسازم زمانیکه ۷ کلو بود و وزن کردیم ۶ - کلو بود و وزن نیز مقدار کمتر از اصل بود .

برای خرید تخم من نمز باید - آنرا در مقابل نور آفتاب بگسری که مبادا بجای زردی و سفیدی ، چوجه می در آنجا باشد - و زمانیکه میخواهم از تکه فروشی چوبی رانین بگم نمیدانم

کدام جنس تکه اصل و کدام بدل است . یک متر قافه را باید به پنجمد افغانی بخرن ایسا این پنجمد افغانی راه آب - انداخته ام با چیزی بدر بخور خریده ام .

وقتی آنرا تکه را می کنند می بینی که حتی یک سانتی آنرا به نفع خود می برند . شهر خشک را نمیتوانی فرق بگذاری انواع و اقسام شهرهای تازه خور شده را می بینی که به قیمت های مختلف از ۱۲۰۰ تا ۲۶۰۰ افغانی به فروش میرسد . جالب است که مثلا در فروشگاه انوب واقع مکرهون سوم یک کلو شهر خوب ۱۰۰۰ - افغانی است اما در شهر همین شهر به ۲۶۰۰ تا ۲۰۰۰ چسرا ؟

یعنی که در جای اولی انصاف است و در جای دومی نیست و آیا کدام مرجعی وجود دارد که شهر تاریخ گذشته را از بازار جمع آوری کند ، چرا که بیشتر این شهرها بصرف ساختن آیسکرم و شیری ویا اطفال

خورد سال میرسد .

در سرای لیلان با بعضی نمونه های از لباس های ساخت وطن برخوردیم که بنام لیلانی فروخته میشود درین باره تبصرو نمیکم . دوستی را دیدم که با تصایب دعوا داشت پرسیدم چرا ؟

گفت دهر روز از او گوشت خریده بودم در خانه متوجه شدم که گوشت بو میدهد معلوم شد که وی از مزاول شرف گوشت گرفتند یا بزرایج شده میخوا - هد و در طول راه این گوشت ها بومی گزند اصلا در باره تصایب های سار با - د گت هیچ تغییری وجود ندارد که این تصایب ها مطیعین باشند مردم به گوشت های سن و خون دار که بمعنای ذبح نشدن حیوان است توجه نمی کنند . درد و آخانه میخواستند ادویه خریداری تمام اما متوجه شدم که اکثر دواها هندی است و این راه را ترجیح میدادم که اکثر دواهای ساخته چینه در صفحه (۸۴)

راځه د ادب بحر کې پېښان

اختره له همدې اوسنځخه
ندارې چې شونکو نه د ناسم
او ترښت درې ورځې او همداسه
رنگه د معلوماتو اختصار هم ولري))
او خپل جاي يې وځننه او چېرې
ته

په اوزده دهلېز کې دهلکانو.
چغنی او بوغاري هره خواصی
محسن چې ورو ورو يې ندم -
اخته داسې احساس راوړ
چې په هغه لاره ندم زدي، کوم
چې په رنځ او شور ختمېږي.
هرکې دواړه رنځ او شور
د ټولگي په وروستي څوکسې
کې يو هلک ناست ورو په لسو
زغ سره وويل:

((استاد، زما پوښکې
کېسه زده ده))
خو بيا ښکې له دې چې
محسن ورسره روانه وکړي، را-
دڅه شو. دده دوستانو و-
ليدل چې هلک داسې بللون
انوشی دې چې په پټان کې
يې لورې دي. دې لور ټوټه يې
هم د پېښو ده او د سرو پښتان
يې بړه چېلې رابره دي.
هغه کيسه داسې پيل کړه:

((زما پلار د ښو کارو ښو
ځواند يو سړی وو او څو رنگي
و پښتان يې لرل. ده په ستر-
گه درلوده او په سترگه يې
رنده ټپي وه. هغه هم داسې
چې ده غوښتل دجا کونم
وگنډې. کومه دوسه کلنه و چې
ده په ټول زور سره ونشوړاي
کړای په هغه ښه ورنښامسې
نور څه شو چې کومه په خپله
سپته باندې کښېږدي. ده په
ټول زور سره پر هغسې
نثار واورو، خو ښه ترې څر-
توه او په سترگه يې ورنښوته.
دناسو سره څه خوږ وو، زما
پلار پوه سړی وو او داسې
زېره يې درلوده چې نه اوږه
ده وه او نه لنډه. ده د پسر-
کار کارو او کاري هم ښه وو
هميشه به له ده سره پوهنو-
ره کوشن وي او هغه به يې
چېرولې اوله سره به يې نوي
کولې.

محسن په هغه دهلېز کې
چې په پای کې يې دده ټولگي
وه وروښو کله اخسته پ-
نډه سره نړۍ کې د اوده لو-
مړنې تسميره په اوبه دې ته
پوهېده چې په ټولگي کې به
دنده څه ورنښ شي. نو
په دې لور يې هغه کولسه
چې هغه وخت تر راونه رسېږي
تېره شي تر گه پدې په خپل
پېښو دېخوا او انوار او وښت
اوبه دې هلک يې نکر کارو چې
د خلکو په مړنې درېدل هم ورو
کړان کار دي. دغه دياره...
ورپس له دې نه چې سړي پوه
شي کوم شي ښه او کوشن يې
دي. ژوند تېرېږي خواصا
سروښن د ژوند وروستې ښاي
دي چې سړي يک زده کړه
کوي؟
ابا تاته بچيله، له شور-
منځي څه درې په باندې؟ او
په دغو پېښو انکار ورسره وده
شو.
گه پدې کله چې له خويته راپات-
خېد بيا يې پټان د مدبر څپو څپو
ته راوړاوه.
هغه پر کوم شي باندې خپلې
ريزې وي، خو محسن ورته
څېر شو او دنورو ښوونکو څېر-
ته يې غوږ ونيو. دوي هم په
هغه هلک خبرې کولې، کښو
چې د محسن فکر يې مشغول
وو. خو ترې يې دا وچېسې
دوي له بله نقطه نظره پسر-
موضوع باندې بحث کاوه.
- که چېرې په ټولگي کې هلکان
کتاب وپلري څه بايد وکړو؟
مدبر له تنگه نظره څخه
سواب وکړه.
((هونجا ښوونکي هغه
دي چې زده کوونکي يې له
کتابه په کارو اچوي))
او بيا يې خپلې خبرې پدې
په مخور سره داسې پاي ته وړ-
سولې:
((که پخپله ښې کولای له
کوم هلک څخه دغه مرسته
وخواړې وکړه))
محسن له خپل پټانه سره
وويل: ((د مدبر له څنگه
چې له زده کوونکي څخه نېستې



ادونه

عسان کفاني د ۱۹۳۶ کال
د اپرېل په مياشت کې د
د افغانستان په شمالې برخه
عکايه سيمه کې زېږېدلی دی.
د هغه کوچنۍ پېښو پدې پانامه
پارټي تېر شو او بيا يې په کال
۱۹۶۸ کې د افغانستان د اشغال
له کبله له خپلې کورنۍ سره
نمورې ته ولاړ او د مشرکسې
مېشته شو. کوم چې عسان
له خپلې کورنۍ سره په فکري
تړوند کارو او همدې خبرې دده
پر روحيه باندې ډېره اغېزه
کړې وه. ده په دې مشرکسې
خپلې زده کړې پای ته ورسولې
او بيا يې حقوق لوستلو ته ادامه
کولې.

پولې يو صندوق و چې هلکې
او يې اوږه پدې کاندو ښو
څخه ورو ورو په صندوق
کې غبرگه پوځو وپېښو او خندا
پدې ښوونکي کې ليدل.
پدې ښوونکي کې يې د ښوونکي
شکل کې يې بريالې شوي وای
جانو دده د لياره هم يکسې
دای نه و، که چېرې ده غو-
نښ چې کښه چېرې کړي، نو
چېرې ورو چې له صندوق څخه
راووتې، زما د پلا صندوق د-
رې ټولې په دې ښوونکي
اسپورل شوي وو چې تر هغه
پورته دېو څخه من سړي مانسې
وه. که چېرې کوم سړی د مانسې
په سر درېدلای وای، هر څو
پوه يې شي، او څو کلي يې
د صندوق په موجوديت په نښاي
وه شوي. هغه څه مړتې چې
په ښکې را پورته شوي وو، د
صندوق څخه يې د پوره ښوونکي
نورې دې توگه زما پلار هېڅ
کله په دې هلک فکر نه کاوه چې
د مانسې څښتن به يې پټا-
جاي پيدا کړي او دې به له
ده سره نښه وي. د مانسې
څښتن هېڅ کله د باندوي نه
راوت، دده خدمتگاران دي
نه چتر ورو چې هر څه دي وړ-
نواړې هماغسې وکړي. د څښتن
خدمتگارانو زما له پلار سره دده
د راز په ساتلو کې لاس وکړي
وو او د دې په بدل کې زما
پلار د هغسې کوشنې وړجاو-
ړولې. زما پلار په يه جدي توگه
خپل کار کاوه. اوله چانه نه

سپده.
ټول خلک به دې پوهېدل
چې دې کولای شي کوشنې نوي
کړي. په دې توگه به ورځ به
ورځ خلکو ده ته ډېرې کوشنې
را وړلې.
زما پلار به د ښې تر ناوختې
پورې کار کاوه او پوره به يې پسې
وېل چې:
((د پلار زړه زامن ښو-
منسې نه ولېږه)) او ورپسې
يې وېل چې:
((پلار زده پلار زده آسوده
او ارامه شي))
خو دلته کوچنې هلک نور
څه ونه وېل او غلې ودرېځه.
محسن په لوړ زغ سره وويل:
((ولې دخپل دوست
لپاره لاسونه نه ټکوي؟ ايا
تا سو له دې کيسې څخه
حيران نشو؟))
هلکانو وويل چې جز غواړو
دکسې پاتې بېرته هم واورو.
محسن کوچنې هلک ته مخ
رواړاوه چې: ((ستا کيسه
پاتې لري؟))
کوچنې خپلو خبرو ته داسې
ادامه ورکړه:
((له دې مياشتې پوهځه
د پېر وخت تېرېده چې د پلار
په مخ کې يې د پر کار انصار
شوي وو. کار دومه د پېر وخت
ده ښو کولای کوره راشي.
پورې وېل چې هغه يې
له دې چې له صندوق څخه
راووتې، شپه او ورځ کار کوي.
څښتن سړي به هغه پېر وږه
کې کښناسه او ډول ډول مړي
به يې خوړلې او پوښکې به يې
له مانسې نه کښه راجولې. چې
سهار به شو، نو غونډې به د ښوونکي
له پرستو څخه ډکه وه. داسې
چې خدمتگارانو به نشوای کول-
لاي چې زما د پلار صندوق د ښوونکي
په صبح پيدا کړي. مور يې
وېل چې دې به دومه په خپل
کار کې بسا ورو چې هر هغه څه چې
په صندوق کې سر لوبدل، دې
په پزېرې خبره وو.
دې هر خلک داسې فکر کوي
چې زما پلار عادت لري دصند-
وق په منځ کې کښې او په خپل

کار بوخت وي، خو کله چې
خپل کار پای ته ورسوي بيا ښو
کوره من، مگر زه داسې
عقیده لرم چې دې هلک هر
نوي دي.
هلکانو، کوچنې به لاسونه
ونکول او کوچنې هم به د پسر
وقار سره پر خپل ښاي کښنا-
ست، په دغه وخت کې پسر ورو
ښوونکي سترگو د محسن وخواښه
روې روې کولې. محسن چې
دکسې تر ناښوونکي راغلې
وو له کوچنې هلک نه وغوښتل
چې له ده سره د مدبر دفتر ته
ولار شي. په لپاره کې يې پو-
ښتنه منې وکړه چې: ((ايا
ته په رښتيا سره پوهېږي چې
پلار دې مړ شوي دي؟))
کوچنې هلک وويل: چېرې
((پلار يې نه دي مړ شوي، ما
د دې لپاره دا خبره وکړه چې
خپله کيسه پاي ته ورسوه، که
داسې مې نه وای وېلې نو زما
کيسه به هېڅ کله پاي ته نه وه
رسېدلې. خو مياشتې وروسته
اورې رامنې او دلبر تو دو غم
په هغه د ښوونکي کې کړي
په پيا کې به د دښوونکي لور
شې او پلار به يې وکولای شي
چې هغه له خپله سره اېښه
کړي او نوي راوړي.
په دې وخت کې محسن او
کوچنې دواړه د مدبر کور ته
ورسېدل، او دواړه ورننوټل
محسن مدبر ته وويل: ((زما
په ټولگي کې يو هونجا هلک
شده د هغه د پلار کيسه واوره؟))
پلار کيسه دې څنگه ده؟
زما پلار پوه کوچنې هغسې
در لوده او په خپل کار کې يې
ماهر وو. پوه وږځ دده او او
د مانسې څښتن غوږ ورسېده.
د مانسې څښتن هر څه چې
ژوي کوشنې او ډول وې، زما
پلار ته راوړي تر څو هغه جو-
ړي کړي. د مانسې څښتن
خدمتگارانو دوه ورځې هغسې
ته ژرې کوشنې راوړلې داسې
چې زما پلار د هغو په منځ کې
لوب شو، ځکه نورې دکان
کې نمانې نه وو. د مدبر لور څخه
له نمانه تکرور او بيا يې وويل:
پاتې په (۸۲) منځ کې

ابراهیم در کمال امواج آتش و دود فرو رفت و شعله های خورشید از هوسا و افرا گرفت و غمرو آتش صدای او را فریادشاند. اکنون بسیمین آتش با ابراهیم چه کرد؟ آتش قهر و خشمند های ابراهیم را بسوخت و بگداخت و او را آزاد ساخت و خدا تعالی سوز وحدت آتش را از او فرودگذاشت و آن را بر او سرد و سلامت ساخت.

پس از چند روز که دود و شعله آتش فرو نشست، قوم منظره ای عجیب دیدند مشاهده کردند که ابراهیم سالم و سرخوش و آزاد بازید عوت مشغول است. ایمن منظره ایشان را متحیر و مبهور کرد همه طوری که از شدت انفعال و شرمندگی سر هار را بزم آفتکند و متواری و متفرق شدند.

ابراهیم و سرود

این سرودت حیرت افزا و معجزه عظمی و نمرود را جز طغیان و دوان نغزود زیرا ابراهیم را دشمن دستکامیاجیل و هادم بنیان جبروت خود میدید و از این رو ابراهیم را بسوی خویش خواند و با او بنای مجادله و احتجاج گذاشت و وقت این چه فتنه است که برانگردد ای و ایمن چه آتش است که افروز خفته ای؟ و آن کدام خداست که بسوی او دعوت میکنی؟ مگر بجز من خدای سراج داری؟ و باغیر از من معبودی را سزاوار عبادت میدانی؟ کستکه در مرتبه ازم افزون باشد؟ مگر نمی بینی که تصرف شد بهر اهورنیش و ابرام قضایادزدت من است؟ فرمان من نافذ و حکم قاطع است و مردم چشم بر حکم و گویش بر فرمان من دارند و همه بمن امیدوار و از من هراسانند آیا با وجود اینها در خدایش من تردید داری؟ سپس گفت: چرا اتفاق و اتحاد مردم را بر سر زده ای؟ و تنهائشان را در هم شکسته ای؟ هرورد کاری که سویی و دعوت میکنی کدام است؟ و خدایش که خلق را بعبادتش میخوانی کست؟

ابراهیم با اعصاب آرام و خاضری - مطمئن و بیانش روان در جواب نمرود گفت: هرورد کار من آنست است که جان من بخشد و جان میستاند و تنها دوست که خلقت ایجاد میکند و نابود میسازد و توالم بشمار میآورد و آن را تا پایان عمر منسیر و اجن معد و زبها میدارد. در اینجا سند احتجاج نمرودند ابراهیم دندان او هام نمرود را در هم شکست، ولی نمرود از سر فرور و جبروت راه منابر و مجادله پیش گرفت و از روی مغالطه با آئین سفسطه گفت:

منم هر که را بخواهم پس از آنکه در زمانم را با تو نمودم در پرتو خویش

زنده میدارم و همچنین هر که را بخواهم فرمان خویش بچنگال مرگ میسارم و جان از کالبدش بدر میآورم.

نمرود بدینگونه جمال حقیقت بیان - ابراهیم را در خصوص انشاء حیات و بخشیدن و باز گرفتن آن در پرده سفسطه و مغالطه بپوشید و دست بدامن حیل و تزویر زد و ولی آن مشرور جاهل کجا میتوانست در برابر قدرت نبوت و مهول حجت ابراهیم پایداری کند؟

قصه قلین
زبانهای بیوزله سواب

پراگند ساخت تا مردم را از بسوی ابراهیم بر خیزد و سازند و از اطرافش بپراگند و - ابراهیم از جهت سخت گیری و آزار نمرود بسوزنوش همه مصلحان ام گرفتار گشت و کم کم عرصه بر او تنگ شد و بخت هجرت افتاد و همی دعوت خود را از آن سرزمین بپرکت که در برابر نهم تو خندگلی بر شاخصا - رش نشکفت و بازگرداند و قوم را در محیط استحفا و عذاب پشت سر نهاد و آهنگ فلسطین کرد و ولی در مسیر خود مدتی در شهر حران توقف نمود.

ابراهیم در حران

قحطی و خشکالی فرارسید و اسعار بطور بی سابقه ای بالا رفت و کارزنده کی در شام دشوار شد. پس ابراهیم ناچار

شکست ابراهیم را که

آهنکه مصر کرد و همسر خود ساره را نیز همراه خود برد و در آن تاریخ حکومت مصری یکی از پادشاهان عرب عملی بود که روز کاری در آن سرزمین سلطنت داشتند. ساره جمالی خیره کننده داشت. پس یکی از بداندیشان و داستان او و زیبایی فوق العاده اش را بشاه خریداد و او را شفته جمال ساره ساخت و بگرفتن وی ترغیب و تشویق کرد.

این بیان با هوای دل شاه موافق افتاد و برای اجرای آن منظور ابراهیم را احصار کرد و از نسبت او با ساره جو باشد. ابراهیم مقصودش را دریافت و ترسید که اگر او را از حقیقت آگاه سازد قصد جاننش کند و تا مانع را از سر راه خود بردارد از اینرو ابراهیم گفت: او خواهر منست و مقصود ابراهیم خواهری دردین و زبان و انسانیت بود. شاه چنان پنداشت که ساره بدون شوهر است پس فرمان داد

تا او را بقصر سلطنتی برند. در این هنگام ابراهیم نزد ساره رفت و داستان را با او در میان نهاد و وی را - فرمان داد که بیان و اظهاراتش را تا میسر کند و سپس او را بدست لطف و نظیر عنایت خدا سپرد.

ساره را بقصر شاه بردند و در زیباترین لباس و جواهر آراستند ولی او آن روز دور اعتنائی نکرد و در دستگاه جلال شاه را به چیزی نگرفت و فکر شوهر و عاطفه و خانواده او را در زاویه اند و متوجه نشین ساخت.

پس چون شاه بسوی او آمد و حال حزن و تپه اش را دید و نوشید تا غم و اندوهش را تخفیف بخشد و خوف او - حشمت راستین دهد و ولی در آن حال اضطراب و آشفتگی شدیدی احساس کرد که ناچار از ساره روی برتافت و با زچون آهنگ سازم کرد دستخوش همان پرهشانی و - اضطراب خاطر گشت و از اینرو بسختی

شکست ابراهیم

از ساره بهر اسید و او از شدت پرهشانی در رستخود بیمار بود و چون بخواب رفت در عالم رویه یابر حقیقت حال واقف شد و دانست که ساره شوهر دارد و باید متعری او نشود و او را بحال بیرون بگذارد و چشم بدو را ننگرد. چون شاه از خواب برخاست دانست که ساره ای جز آزاد ساختن ساره ندارد و پس هاجر را بحتوان خود - متکاری باو بخشید و او را به ابراهیم سپرد.

اسماعیل

ابراهیم با همسرش ساره و هاجر - دهه همسرش را ز بسوی فلسطین رهسپار شد و او با او و مویشی فراوان خود را نیز همراه برداشت و در میان اهل و عشیره خود و جمعیت کوچکی که با او ایمان - آوردند مسکن گزید.

ساره مترون بود و از آن جهت که میدید شوهر با وفا یزد و آرزوی فرزند ی بسر میرد غمگون میشد و روزگار هم ساره

بحدی رسیده بود که دیگر امید فرزند آوردن نداشت. پس به ابراهیم اشاره کرد تا با کهنتر بنا جگر کنی باها و گرامی و هروا بنبردار بود همبستر شود و تا مگر از او فرزند ی بوجود آید که شبستان زنده - گهشان را روشن سازد و سوت غم - افزای خانه ایشان را در هم شکند.

ابراهیم از رای او بسوی کرد و دیدی - نکذشت که پسری پاکیزه از هاجر ولادت یافت که او را اسماعیل نامیدند و قلب ابراهیم لهریز از شدی و خرمی و دیده اش از دیدار فرزند عزیز روشن شد و ولی آتش غیرت در دل ساره زبانه کشید و طوفانی سخت از حزن و تپه اش او را فرا گرفت و او از خواب و آسایش بی بهره اش ساخت و کارش بجایی کشید که قدرت دیدن اسل عمل و تحمل مجاورت هاجر را نداشت.

در این طوفان روحی و انقلاب نفسانی سهمگین که زنده گانی ساره را از هر سو فرا گرفته بود و جز در ساختن اسماعیل و هاجر چاره ای نمیدید از اینرو از ابراهیم خواهش کرد که هاجر و فرزندش را بدو برترین نقطه ای از آن سرزمین ببرد که دیگر صدا و خبری از ایشان نشنود و از شکسته دیدار در امان بماند.

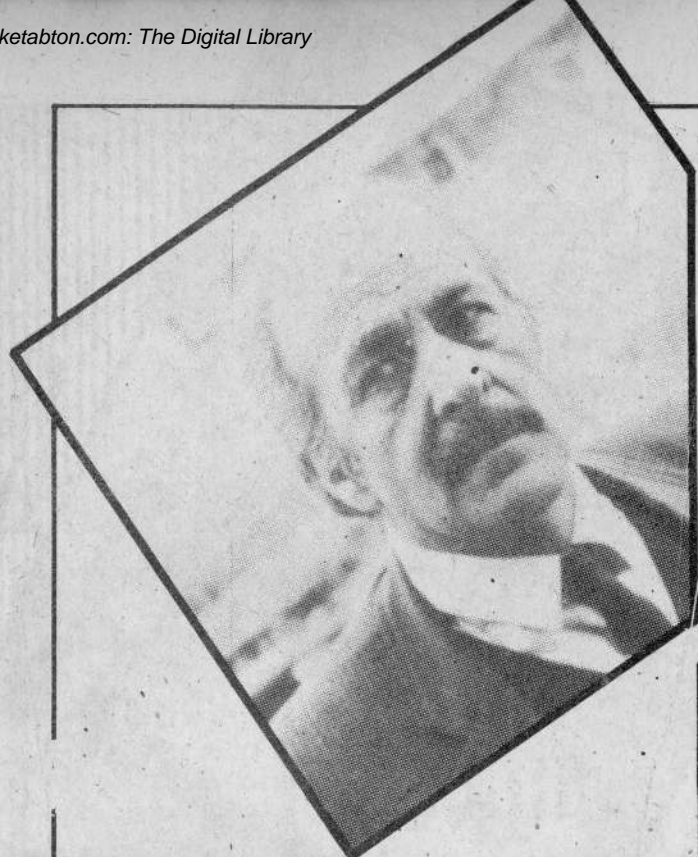
ابراهیم بفرمان الهی خواهش او را - پذیرفت و هاجر و اسماعیل را همراه خود برداشت سواره از شهر نهریون شد و براهنشانی خدا تعالی و در پرتو عنایت او همچنان راه میپیمود تا بجای کمبسه رسید. در آنجا بفرمان الهی هاجر و - اسماعیل را فرود آورد و در آن سرزمین سی آب و علف و بحال ضعف و مسکت و با سرمایه مختصری از طعام و ظرف کوچکی از آب و ولی با قلبی لهریز از ایمان و امید واری بخدا فرود آورد و بازگشت ابراهیم آن مادر و فرزند را در دامان پهن و گسترده آن بیابان جای داد و با آهنک بازگشتن و بدانشتر آویخت و نشان مرکبش را بگرفت و گفت: ای ابراهیم و بچکا بسوی؟ و سارا درین بیابان سهمگین بنه میسپاری؟ هل جبر باینومله میخواست عواطف ابراهیم را تهییج کند و دلش را برقت آورد و شاید در این میان اشاره بقداقه فرزند عزیز هم کرده و او را واسطه قرار داده باشد و از بوس بر سنگی و تشنگی کشفده هزاری باشد: اکنون که مرا باین طفل بگناه در این بیابان خطرناک میگذاری چه کسی ما را از جنگال گرگها و شرسایع حفظ میکند؟ و ما با کدام نیرو میتوانیم در تاثیر آفتاب سوزان و گرمای طاقت فرسای

این بیابان مقاومت کنیم؟ آنگاه سمل اشک را در روی ناله و تضرع خود پیش پای ابراهیم روان کرد و تا مگر بحال او - طفل عزیزتر رحمت آورد و ولی ابراهیم آنهمه تضرع و زاری را بچشم نشنود و سا کمال قدرت و صراحت گفت: این فرمان خدای است (هاجر چون این بشنید بجای خود بازگشت و در برابر اراده و حکم الهی تسلیم شد و بر خم و لطف او تکیه زد و وقت اگر اینکار بفرمان اوست پس تردید ندارم که او هرگز ما را خوار و زار نخواهد گذاشت. ابراهیم از آن تپه سر از پیرشد در حالی که از بسو تری و دلواپسی گامهایش را - سنت میساخت و از دیگر سوی ایمان و طمئنان بخشد او را به پیش میراند. جای تردید نیست که ابراهیم در این لحظه و از فرای پاره جگر و فرزند یگانه اثر که بهنگام پیری مایه دلگرمی و چشم روشنتر شده بود و در آتش حسرت میسوخت و ناله های موزناک از دل بر میآورد و سلاب سرشکش روان بود. ابراهیم با چنین تاسف و تپه اش در دل خود را در آن بیابان پهلوی فرزند عزیز تر گذاشت و در حالیکه خدا را بر جایست و نهایت در پاره او میخواند بوطن بازگشت

چشمه لطم

هاجر در برابر قضای الهی تسلیم شد و صبر جمیل پیشه ساخت و از طعام و آبی که همراه داشت صرف میکرد و تا توشه اش پایان یافت و گرسنه و تشنه ماند و او شهر درستانش بخشید و دیگر نه غذایی برای طفل خود داشت که گرسنگش را تسکین دهد و نه شربت آبی که سوز تشنگش را فرو نشاند و طفل از شدت گرسنگی و سوز تشنگی سخت بگریست و فریاد و ناله - سرداد و مادر بیخود بر برابر آن منظره همچون سوند بر آتش بفرار و پرهشان میدود و سهل اشش بدامن مهر پخت و آرزو میکرد که کافر میتوانست از شیر جان و خون دل و اشک چشم خود برای جگر کوفتی اثر آب و غذایی فراهم سازد و ولی هیبت

هاجر جد و جهد و کوشش بسوا کرد تا مگر از آن گرفتاری و پرهشانی راه فرار و نجاتی بیابد و چیزی که از همه بیشتر او را مضطرب میداشت منظره فرزند عزیزتر بود تصدق بخود می پیچید و پیش چشم مادر نزدیک جان دادن بود. از اینرو ناچار کودت را بجای خود گذاشت و سرگشته و سراسیمه و دیوانه وار بهر سو میدوید و اگر چه گریه طفل و شومین فریادش را مانند مقلاتوس او را بسوی خود میکشید و مجال در روشن باو نمیداد.

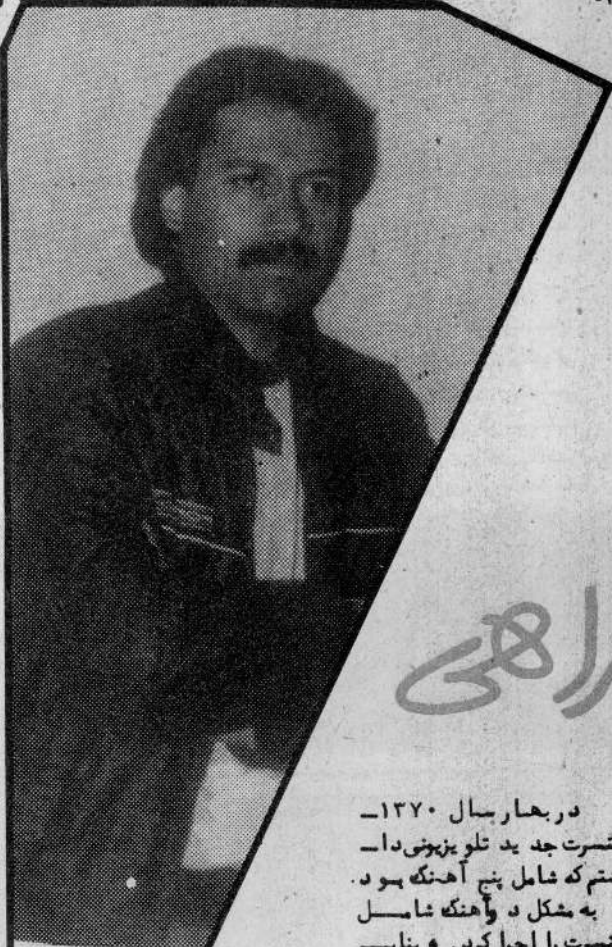


جسور: «تاریخ مادرونی»

سواى کارکرد هایم در بخش
درام های رادیویی و اجرای -
پارچه های تئلی رادیویی و
تلویزیونی - رویت برجسته ام
در اوایل بهار امسال نوشتن
سناریوی فیلم تلویزیونی «تاریخ
مادرونی» بود که تمام کردم
و عنقریب به کارگردانی عزیزالله
هدف روی سن خواهد آمد .

چرا دستگیر شدی؟

تهیه کنندگان که هاجر



راهی

در بهار سال ۱۳۲۰ -
کسرت جدید تلویزیونی را -
شتم که شامل پنج آهنگه بود
به شکل د و آهنگه شامل
کسرت را اجرا کردم و بنا بر
نمود و کمبود نوازنده گان نتوا -
نستم سه آهنگه دیگر را نسبت
نمایم . امیدوارم ریاست رادیو
تلویزیون کشور یک کمیسیون
اصلاحیت ثبت آهنگه ها بنا
وسایل موسیقی را ایجاد نماید
تا آواز خوانان مابدون سخته کی
کارهای هنرمندان راد نیال
نمایند .



هدف

«سخن بی عمل نمیتواند»

داشته باشم که نظر به محدودیت
دیت های سفرم به تعویق
انداخته شد . کارهای کوچک
و رادیویی ام را آن قدر قابل
یاد آوری نمیدانم .

نمیخواهم برای علاقه مندان
هنرم و خواننده گان مجلسه
«سخن بی عمل» داشته باشم
شم من در اوایل سال تصمیم
گرفتم سفری به مزارشرف



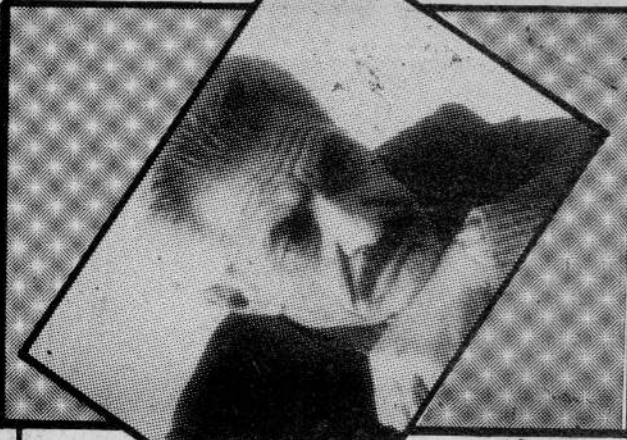
یاسمین یارول: نقشی برای «عبرت»

در طی چهارماه اول سال در
تئاتر آن دنک هانقش مرکزی رادا -
شتم که خوشبختانه در تئلیوآل
تئاتری در سطح کشور جایزه -
اول را گرفت ه افزون بر آن در
همین گذشته هانفلم کوتا مسیما -
بی سایه به کارگردانی نصیر -
القاس به پایان رسید و به نما -
پیش گذاشته شد ه فعلا مشغول
اجرای نقشی در تئاتر تلویزی -
ونی عبرت استم .

همایستمدی:

در جریان چهارماه گذشته
مصرف بازی در فیلم سینمایی
خاکستر بودم که کار آن به این
گذشته های نزدیک به پایان
رسید و من در آن نقش مرکزی
را داشته ه همینان درین روز
ها در فیلم تلویزیونی شکوت و
تئاتر خواستگاری مشغول شوم
تنگه و تهرین استم که به
این زودی ها به نمایش خواهد
آمد .

بازی در خاکستر



ف. فضلی؛ که دالبردی...

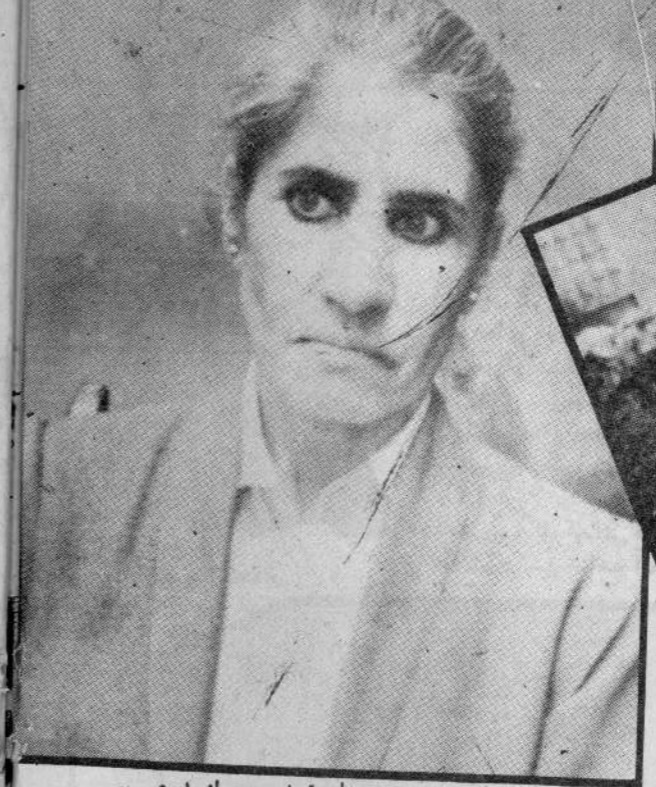
توکی بی خپله هم ډول او بوم
د نوي کال او اخترونو په مناسب
مي دراديو له پاره اوس تشلی
پارچي جوړي کړي اودغه راز په
همدغو مناسبو نومونو د تلویزی
په پاره هم پنځه پارچي
جوړي کړي چې په دوو کې سې
پرتله هم درلورې دغه راز
د پانوکړه په تیاتر کې هم
ډول اجرا کړ او د کونکورې او
کجره په فلمونو کې هم ښکاره
که دالبردی نو وروپایست؟

زما کار ته په ختم ډول
ډول دي د راديو د رامونه
او داستانونه زړي کې اوپه...



مشغل شریار؛ په محي تداشته لم؟

پېرسید چقدر فعالیت -
نکرده ام د راديو درامها
وداستانهاي دنيا له دار هم
نقش داشته ام وهم زده کړه ام
در سهال دکونکورې زوي نقشتر
داشته ودر فلم خاکسپرنه سز
په ډول را دې کړم د بزنامه
ترانه جاز انشايس را په صورت
شما چي پيدکې چي نکرده ام؟



په خیر...

د خاخي د پښتو تشلی
د نرتکه لو بغاري چي اوس په
سفر کې ده دراديو په درامونو
او داستانونو کې يې غورا بیا
پسته برخه اخيستې ده
د پانوکړه په نمایشنامې کې نښه
وخلپېده او د نوي کال او اخترونو
په راديو او تلويزون کې اجرا کړي
اوددغه شان مود شاه محمدا و
موند سره د خوشحال د فرمې
ټولنی هنري ډله جوړه کړه او
لو مړنی پروگرام مودگل او غزل
په ناه د پښتو سندرو سینه -
والوته وړاندي کړ



د گل او غزل پلانا مه صها

سوز کال ماته زه کولو نو د سر
فعالیت وکړه د کال په لومړي

د حاجي محمد کامران الوتنه

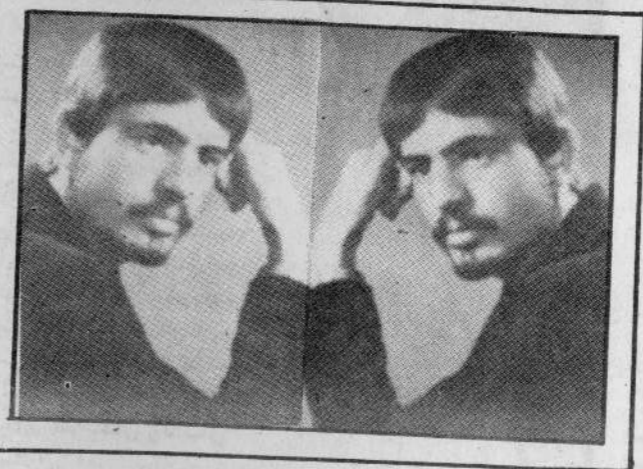


د سر او پون کار په دي
موه کې زما د (ادمکها) په تیاتر
کې وو دغه نمایشنامه چي په
تلویزیون کې هم نشر شو د
افغانستان د هنر مندانونو اتحاد
په لخوا په جوړشوي فستیوال
کې يې لومړي مقام او جایزه وکړله
د دغه نمایشنامې لیکنه د قدير
چراغين وو اوداستاد لیکنه
خوا د ابرکت شوي وو نور خو
په نوي کال او اخترونو کې
لنډې تشلی پارچي اجرا کړي
او وروستۍ کار يې په انتقا دي
پارچه وو چي له هغې سره
هم الوتنه وکړه

آيا چي داشتيد؟

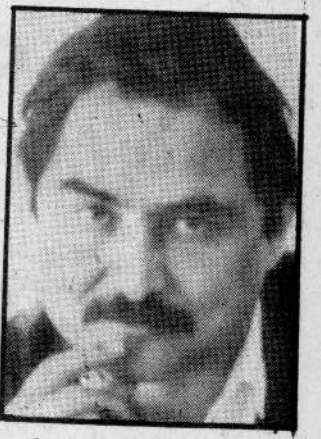
دین محمد هیل من دی

د په ډېره مینه او شوق کار
کړ د سترې خدمت په پای ته
رسولو د موسی ریاست ته را -
فلم تراوسه مې په هنري برخه کې
ډیر کار دی کړي و خوتنه
په هره مېاشت کې مې یوه نوي
سندره ویلی ده هیل من مې
د نوي ماموریت سره زمانوي
سندري هم زیات شې



جوان شير عیاری و کنار

د رطل چارماه اول سال
سفری داشته به کشور تاجکستان
ناظم مشترک افغانی و تاجکی
را زهر نام گلزاره کارگردانی نمایش
این فلم با پرسونل فنی سونایی
هر دو جانب رنگسینما سکوب
تهیه خواهد شد و هنرپیشه
گان هر دو کشور د ران نقش
های خواهند داشت کار فلم
پرداری و شونتکه آن به زودی
آغاز خواهد شد





ترجمه آماسی

مصلحت

سونیا گاندی با ارسال نامه احساسات را در پیش ریاست حزب ابراز کرد.

بعد از آنکه خاکستر راجیوگاندی صدر اعظم سابق هند در ظرفهای مخصوصی جایز گردید، در نیمه ریل مخصوصی در حالیکه اعضای کمیته کار حزب کانگریس آن را بدرقه میکردند به الله آباد فرستاده شد. ریل در هر ستیشن توقف میکرد تا سوگواران آن را از نزدیک ببینند. در حقیقت سفر مذکور آغاز گردید و در همین مراسم گویا این انتخابات بود.

مگر حرف عیده برای حزب کانگریس "اندرا" همانا انتخاب ریاست بود که بعد از ترور راجیوگاندی برای چندین روز حزب مذکور نتوانست کسی را در باید که جای راجیو را بگیرد و یا اینکه جبهه واحدی برای انتخاب سونیا گاندی به وجود آید. رهبران حزب کانگریس در عقب درها نشستند مصروف رزم و پیکار زمین جانشین کردن شخصی به جای راجیو گاندی بودند. چنین جوارو جنگال بعد از انشعاب سال ۱۹۹۹ در حزب مذکور به وجود نیامده بود.

یک بار دیگر یک آدم که لباس آستین کوتاه پوشیده بود و آری کی. داوان نام داشت به روی صحنه ظاهر شد و خانم سونیا را به پیش کشید تا رهس حزب کانگریس شود. آقای داوان را گروهی از رفقای راجیو کمک نیز کرد. لحظه ای که آقای داوان از مرکز راجیو اطلاع یافت همه بی نمایش رابست دست خود گرفت. با ماموران حکومتی

و رهبران سیاسی کهها را هماهنگ ساختند و رول خود را خوب بازی میکرد. وقتی که خانم اندرا گاندی کشته شد همین آقای داوان بود که رهس جمهور زایل سنگ را به یک اشاره فهماند که راجیو گاندی باید به جای مادرش به حیث صدر اعظم انتخاب شود. به هر حال پیشین همان روز که راجیو به قتل رسید آقای داوان اشخاص چون میاتیش شرماء و جگدیش تاپتره غلام نبی آزاد و فوتیدا رو مکن لال شرماء را باهم جمع کرد. آنها فقط نیم ساعت باهم نشستند و تصمیم اتخاذ کردند که سونیا باید به عوض راجیو به مقام ریاست انتخاب شود. باید گفت که افراد فوق الذکر همه همکاران شخصی راجیوگاندی در امور سیاسی بودند. مگر وقتی که کمیته کار چهارده نفری حزب کانگریس در همان روز باهم جلسه کردند و نتوانست کسی خلی ایجاد شده یا مرکز راجیو را بپرند. مگر در این میان رهس حزب کانگریس در ایالت مدیا پرادیش آقای ارجون سنگ پیشنهاد عجیبی کرد. او به همکارانش گفت:

"حزب کانگریس سقوط خواهد کرد و کشور پارچه خواهد شد. برای آنکه هر دو آن را نجات دهیم باید سونیا در راس قرار گیرد. پس بیاید که همه از سونیا تقاضا به عمل آوریم تا مسولیت را بپذیرد." مگر یک تعداد کمی از آنها جرئت کردند

که در برابر پیشنهاد فرار کردند و از آن جمله آقای کرشناکریم از هواداران سونیا پرسید:

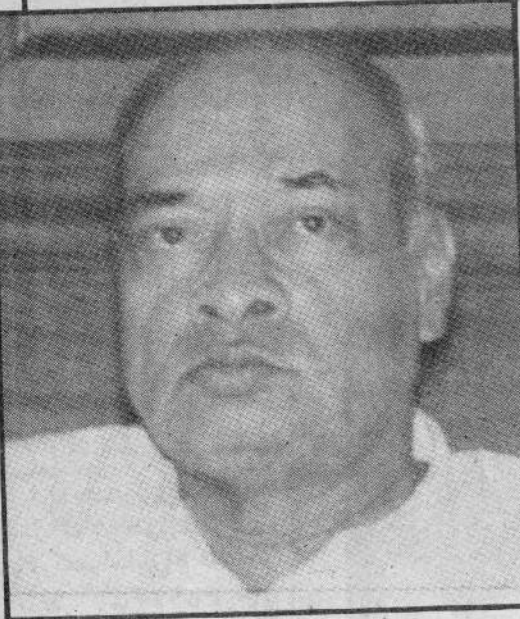
"چرا در انتخاب رهس حزب عجله داشتید؟ باید که بالا ای آن مشوره کنیم و یا حتی تا به آتش سپردن آن را به تصویب بیاوریم."

درین جریان آقای پاور اضافه کردند: "مادر مرحله دوم انتخابات قرار داریم. اگر ما رهس جدید انتخاب کنیم و گاندی مابرای مقام صدارت کی خواهد بود؟ بیچاره نم در این مورد همین اکنون تصمیم بگیریم. در همین وقت آقای داوان و هندستا نشن کوشش کردند تا مباحثه را پایان دهند؛ مگر موضوع به ناراسیماراو گذاشته شد تا خاطر نشان سازد که آقای پاور حرف خوبی زده است."

آقای پاور یگانه کسی بود که به طرف انتخابات بات میدید. او آقای راو را به عوض خانم سونیا مورد پشتیبانی قرار داد. کپا و به جایی رسید که اعضای جوان پارلمان و طرفداران راجیو گاندی در مخالفت با مفکوره انتخاب سونیا به حیث رهس و رابطه بر قرار کردند. در همه بی تلاشها حرف عیده این بود که بازنگران در جلسه کمیته کار حزب کانگریس خودشان اشتراک داشتند. مگر سر جنرال حزب کانگریس آقای بکیت بعضیها را موقع داد تا آقای تهوری صدر اعظم ایالتی او تر پرادیش را نادیده بگیرند. موصوف در ساعتی که راجیو کشته شد

گفتگو

بعد از جوارو جنگال با آقای ناراسیماء را به مشابه گاندی سازش سر بلند کرد.



خود را به دهن رسانیده بود. به هر حال از جلسه کمیته کار کانگریس يك چهارم واضحاً هویدا بود که آنها بی که از خود کدام بنای سیاسی ندا شتند. از سبب وفاداری به خانواده گاندی میخواستند که سلسله کماکان ادامه یابد. به همین ترتیب آنها از عملیات داوان پشتیبانی کردند.

مگر پانزده ساعت تمام بر سونیا فشار آوردند تا ریاست حزب را بپذیرد و بولسی او از پذیرش آن ایا و وزید. همچنان دوستان نزدیک به رهبری آمیتا به چین او را مشوریدند تا به خاطر زنده کی خود و اطفالش از درگیری در سیاست خودداری کند. از مباحثه آنها عالمی از کپها به وجود آمد.

باید تشنه گان قدرت از سونیا به خاطر به دست آوردن رهروزی استفاده کنند و بعد از انتخابات راه سقوطش را هموار سازند.

سونیا مجبور خواهد شد تا علیه ترور رهس موقت جدی اختیار کند. از آنرو حیوات خود و اطفالش با خطر مواجه خواهد کرد.

با وصف نقش او اگر حزب در انتخابات پیروز نگردد متخیر خواهد شد.

سونیا با ارسال نامه احساساتی به رهبری حزب از پذیرش ریاست حزب ایا و وزید که بعد از آن بخش پارلمانی حزب کانگریس به فعالیت آغاز کرد. بخش مذکور

به گونه بی عادی توسط رهبران و یا در غیابت او توسط معاون آن تشکیل جلسه میکند. در حقیقت جلسه مذکور توسط وفاداران "داوان" دعوت گردید.

در اجندا جلسه طرح تصمیم گنجانیده شده بود. در طرح مذکور تقاضا از سونیا حذف گردید. مگر از بخش پارلمانی حزب تقاضا به عمل آمد تا تصمیمش را اتخاذ نماید که در اثر آن از انتخاب سونیا به حیث رهس حزب کانگریس استقبال کرد. اما برای انجمن حزبی سونیا درد سر شده بود که چرا ریاست را نمی پذیرد. هنوز عملیات داوان به سردی نگراید. بود که کمیته کار کانگریس جلسه دیگری را تشکیل کرد. جلسه رانا-راسیماراو سرپرستی میکرد و همه بی مکرر تر جنرالهای حزب در آن اشتراک کرده بودند. جلسه به خاطر تنظیم مقرراتی آینده انتخابات دعوت شده بود. مگر آقای کارونا کاران پیشنهاد کرد که تا مساله رهبری حل نگردد هیچ کاری به پیش نخواهد رفت؛ مگر جلسه صدای او را در گلو خفه کرد. بالاخره بدون آنکه کدام تصمیم اتخاذ گردد، جلسه پایان یافت.

اما رهبران بر جسته حزب کانگریس بیابن تعویق مساله خشمگین بودند. وقتی که سونیا واضحاً از پذیرش ریاست شانه خالی کرد آنها بر مساله انتخاب رهبر جدید فشار آوردند. در این

میان آقای وسنت سوپا به پشتیبانی آقای ناراسیماراو سخن زد و از آقای د نیش سنگ تقاضا به عمل آورد که کمیته کار حزب کانگریس باید هر چه زودتر نام سرپرست ریاست را نشانی کند. بالاخره آقای شراد پاور تا پایان انتخابات از ناراسیماراو پشتیبانی کرد. درین جریان انکشاف تهورانگیزی به وجود آمد. به این معنی که آقای ارجون چون سنگ نیز از ناراسیماراو پشتیبانی کرد و آقای تهوری هم به پشتیبانی ناراسیماراو شانه داد. به این ترتیب آقای ناراسیماراو به مثابه گاندی سازش سر بلند کرد. موصوف کرکتر طبیعی داوان و کسی از اوید گویی نکرد. است. این مساله نشاندهنده آن است که چرا او مورد پذیرش قرار گرفته است. به هر حال او هم بی این جوارو جنگالها یک مساله واضح گردید که رسیدن به ریاست حزب معنی در دست گرفتن همه بی قدرت را ندا رد. بسیاری از هواداران آقای تهوری فکر میکردند که بعد از انتخابات موصوف به یکی از رقبای سر سخت در پارلمان تبدیل خواهد شد.

آقای پاور اظهار داشت که رهس کمیته سراسری کانگریس هند ضرورت نیست صدر اعظم باشد که این مساله یک قدم عالی به پیش است؛ مگر به نوبه خود یک تلاش میخواهد. مخصوصاً برای یک حزبی که از چهار دهه به این سو وابسته به پست

بقیه در صفحه (۸۵)

بیاورد • به گفته دانشمندان
این رشته • مریض پس از
کمال یک دوره مکمل تداوی
دو باره صاحب قوه دید
دوره جوانی میگردد و در صورت
اینکه مریض مومنی بوده و بعد از
پیش سفید شده باشد ۸۵ درصد
موهای او دو باره سبک میگردد
و قوه جنسی او هم با حالت
جوانی بر میگردد •

• مریض شما تا حال چقدر
روزه گرفته ؟

• مریض من ۵ ازمده (۲۰) -
روز یکدینسو جز آب هیچ چیزی
نخورده است و حالام کاملا
سرحال است •

• هینو تیزم چطور بالای
افراد تا نهر میکند ؟

• هینو تیزم بالای ۸۵ درصد
اشخاص تا ۵ نهر داره مخصوص
ها زود تر و برخی ها دیرتر
به خواب مقاطیسی میروند •

• بالایی اطفال پنج الی پانزده -
ساله زودتر از پانزده الی سی
بسی ساله بعضی زودتر برخی
دیرتر و اشخاص بالاتر از سی
سی به بالا دیرتر به خواب
میروند •

• شما میدانید که انسانها به گفته
روانشناس مشهور آریستو
تکلیف فریبند دارای دو ضمیر
اند ضمیر خود آگاه و ضمیر
ناخود آگاه

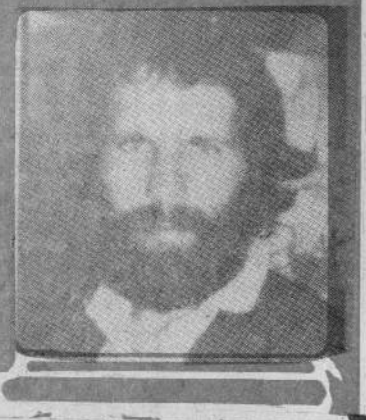
• در حالت عادی ضمیر آگاه
بقیه در صحنه (۶۵)

توصیه کردن چهل روز گرسنگی
کمال به مریض یکی از شیوه صحای
تداوی سید الرسیم یوسفی میباشد •

توصیه کردن چهل روز گرسنگی
کمال به مریض یکی از شیوه صحای
تداوی سید الرسیم یوسفی میباشد •



با استفاده از سنو تیزم
مریضان صعب العلاج را
تداوی میکنند •



دین سگرت نزد چند تن و تداوی
یک خانم ۳۵ ساله که از مدت
سه سال بدینسو از نفس تنگی
شدید شکایت داشته و تداوی
طبی برایش موثر واقع نشده بود
و همین طور نزد چند نفر
دیگر که بیمار بودند نتایج مثبت
تداوی کننده را بدست آورده ام •
- جالب است ه لطفاً در -
مورد این مریضتان معلومات
بیشتر را بفرمایید •

- این مریض که هنوز هم -
تحت تداوی قرار دارد و فقط
یک ماه از معالجه اش میگذرد
نتایج بسیار قناعت بخش را به
دست آورده است •

من این خانم را هفته یک
بار تحت تداوی نهر خواب مقاطیسی
طبی قرار داده و در هر دو
حالت برایش هدایت میدهم •
این خانم که هر روز با خود
دوا داشت و بدون آن یک -
ساعت هم زنده گی کرده نی -
توانست و حتی در هفته چند -
بار به شفاخانه های زفت
وا کمپین میگرفت فقط بعد از
دوین تجربه ه تمام دواهای
خود را قطع کرد و فعلاً هیچ
نهایی به اکسپن هم ندارد •

من کاملاً اطمینان دارم که
این خانم بعد از چند تجربه دیگر
صد درصد شفا یاب میگردد و به
زنده گی عادی خود دوام -
میدهد •

- شوره تداوی و چگونگی چگونگی
است ؟
- من از شوره (چار) یعنی
(چهل روز آب ه روزه) -
استفاده می کنم •
در این شوره مریض در مدت -
چهل شبانه روزه روزه میگیرد
و به جز از آب چیزی نمی خورد
نه شب و نه روز •

- آیا مریض در این مدت -
احساس گرسنگی می کند و
انرژی خود را از دست میدهد ؟
- احساس گرسنگی را توسط
هینو تیزم در وجود مریض از -
بین میبریم و انرژی را که مریض
از زخمه گاه های ضعیف صرف
نمیکند بعد از اتمام این دوره
چند برابر آنرا دوباره بدست

میرسان استفاده می نمایم •
در مورد تداوی مریضان
تان لطف نموده معلومات دهید •
- در تداوی مریضان مع از -
روش "هینو تیزم و چسار"
استفاده میکنند • قابل یادآور -
است که در ابتدا این شوره
توسط یکی از دانشمندان روای -
نی شوروی بنام پوری سوزورسکی
اساس گذاشته شد و بعداً یکی
از استادان روانی ایرانی بنام
استاد کاپوک انرا عملی نمود •
فعلاً کتابان بدسترس
من قرار گرفته که با آزمایش
نمودن تجربیات آن نتایج مثبت
و قناعت بخش بدست آورده ام ؟
که توسط هینو تیزم در ترک نموده

توانسته ام به چنین حالتی
دست یابم • پس بجایست
که کاتب خورش را به چنین نام
سین سازم و در پهلوی آن اختصار
راعات را بنام کشور خود ثبت
نمایم •

- آیا تنها ورزشکارانگه
میتواند به این نهر و مخصوصاً نهر
دیگر روانی دست یابد و پس ؟
- نه خیر ه نهری هینو تیزم
انسان که فعلاً متذکره میسم
در تمام افراد وجود دارد که
استثنا در بعضی انسانها
فعال میباشد ولی بقیه انسانها
میتوانند آن را بصورت کمسی
با قبول ریاضت ها در وجود
خود هینو فعال سازند • که ورزش
کاتنگو بنا بر ریاضت زیادگی که
به کار دارد این نهرها را هم -
بیا با تقویت فیزیکی فعال مسا -
زد •

- آیا شما نهری هینو تیزم را
بسیار استفاده از این ورزش در -
یافته اید ؟
- کاملاً •
- چه وقت متوجه موجودیت
این نهر و در وجود خود شدید ؟
- دو سال قبل به تهریات
آن شروع نمودم •
- از آن وقت تا حال از این
نهر در چه موارد استفاده کرده
اید ؟

- فعلاً از قوه مقاطیسی در -
تقویت ورزش خورش و اجسرای
عملیه های هینو تیزم و تداوی
مریضان استفاده می نمایم •

- در مورد تداوی مریضان
تان لطف نموده معلومات دهید •
- در تداوی مریضان مع از -
روش "هینو تیزم و چسار"
استفاده میکنند • قابل یادآور -
است که در ابتدا این شوره
توسط یکی از دانشمندان روای -
نی شوروی بنام پوری سوزورسکی
اساس گذاشته شد و بعداً یکی
از استادان روانی ایرانی بنام
استاد کاپوک انرا عملی نمود •
فعلاً کتابان بدسترس
من قرار گرفته که با آزمایش
نمودن تجربیات آن نتایج مثبت
و قناعت بخش بدست آورده ام ؟
که توسط هینو تیزم در ترک نموده

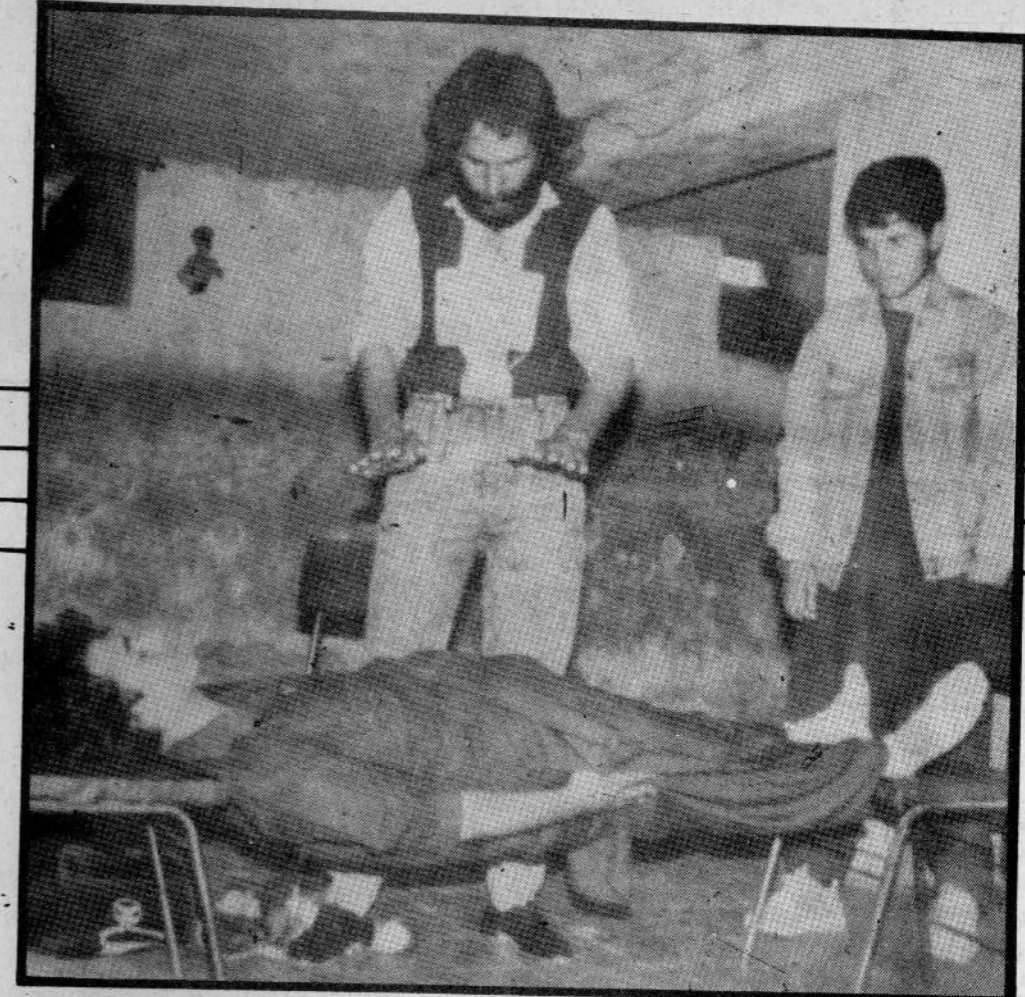
- آیا شما نهری هینو تیزم را
بسیار استفاده از این ورزش در -
یافته اید ؟
- کاملاً •
- چه وقت متوجه موجودیت
این نهر و در وجود خود شدید ؟
- دو سال قبل به تهریات
آن شروع نمودم •
- از آن وقت تا حال از این
نهر در چه موارد استفاده کرده
اید ؟

- فعلاً از قوه مقاطیسی در -
تقویت ورزش خورش و اجسرای
عملیه های هینو تیزم و تداوی
مریضان استفاده می نمایم •

- در مورد تداوی مریضان
تان لطف نموده معلومات دهید •
- در تداوی مریضان مع از -
روش "هینو تیزم و چسار"
استفاده میکنند • قابل یادآور -
است که در ابتدا این شوره
توسط یکی از دانشمندان روای -
نی شوروی بنام پوری سوزورسکی
اساس گذاشته شد و بعداً یکی
از استادان روانی ایرانی بنام
استاد کاپوک انرا عملی نمود •
فعلاً کتابان بدسترس
من قرار گرفته که با آزمایش
نمودن تجربیات آن نتایج مثبت
و قناعت بخش بدست آورده ام ؟
که توسط هینو تیزم در ترک نموده

- آیا شما نهری هینو تیزم را
بسیار استفاده از این ورزش در -
یافته اید ؟
- کاملاً •
- چه وقت متوجه موجودیت
این نهر و در وجود خود شدید ؟
- دو سال قبل به تهریات
آن شروع نمودم •
- از آن وقت تا حال از این
نهر در چه موارد استفاده کرده
اید ؟

- فعلاً از قوه مقاطیسی در -
تقویت ورزش خورش و اجسرای
عملیه های هینو تیزم و تداوی
مریضان استفاده می نمایم •



مصاحبه کننده : دکتور ظاهری

سنو تیزم در طبایف افغانی

عبدالرحیم یوسفی جوان ۲۹
ساله ه محصل صنف چارم بود -
هنظ طب معالجوی انستیتوت
طب کابل و بنیانگذار ورزش -
کاتنگو در افغانستان اخیراً
متوجه موجودیت نهری پنچانی
در وجود خود گردیده و فعلاً
بنا بر گفته مومنی و فاعله
انسان داری پنج قوه در -
نی میباشد که عبارت از :
نهری ایمن ه نهری فکس
نهری اراده ه نهری خیال
و قوه مقاطیسی است • که
هینو تیزم جز از قوه مقاطیسی
میباید •
او با داشتن چار خط در -
سال ۱۳۶۲ کلب کاتنگو تروا
را در کشور اسان گذاشت و از
آن روز تا حال هزاران جوان
را با تکمیل هلا و تکمیل های
این ورزش ثقیل آشنا ساخته
اکون بصرف تهرین دادن -
دو هزار تن در پنج کلب
میباید •
او که ورزش کاتنگو را اختراع

ورزش انسان ساز میداند در
تلاش است تا به مراحل عالیتر
این ورزش دست یابد که در
راه موفقیت های هم داشته
است •

آنروز که با او مصاحبه داشتیم
هکیت رهبری کلب های او از
تمام گوشه های کابل دور هم
جمع شده بودند تا برامون چند
موضوع باهم مشوره نمایند ه که
یکی از مسائل مورد بحث تقویت
نام کلب کاتنگوه " فرهنگستان"
تن و روان افغانستان بود
که با تأیید همه مورد قبول
قرار گرفت و مع سوالت هم را
با این سوال الهام کردم که :

- چرا نام کلب تانرا "فر -
هنگستان تن و روان گذاشتند ؟
- یک کاتنگو کار و حتی به مراحل
پهرفته تر وارد میشود نهری
جنسی روانی او او قوی می
گردد و قوا روانی پنج گانه
که فوفا متذکره میم اگر در
وجود کسی فعال شود کار
های غارقی المعاده انجام داده
میتواند که خود پختانه من

آنروز که با او مصاحبه داشتیم
هکیت رهبری کلب های او از
تمام گوشه های کابل دور هم
جمع شده بودند تا برامون چند
موضوع باهم مشوره نمایند ه که
یکی از مسائل مورد بحث تقویت
نام کلب کاتنگوه " فرهنگستان"
تن و روان افغانستان بود
که با تأیید همه مورد قبول
قرار گرفت و مع سوالت هم را
با این سوال الهام کردم که :

- چرا نام کلب تانرا "فر -
هنگستان تن و روان گذاشتند ؟
- یک کاتنگو کار و حتی به مراحل
پهرفته تر وارد میشود نهری
جنسی روانی او او قوی می
گردد و قوا روانی پنج گانه
که فوفا متذکره میم اگر در
وجود کسی فعال شود کار
های غارقی المعاده انجام داده
میتواند که خود پختانه من

در ماه اسد سال روان ، مسکوشاه—
حادثه بزرگی در تاریخ بشر بود . روان
ایالات متحده و اتحاد شوروی با هم نشستند
و بعد از گفتگو های پیمان (ستارت) با
پیمان کاهش سلاح استراتژیک را امضا
کردند .

در گذشته ، هنگامیکه رئیس جمهور
ایالات متحده امریکا وارد مسکو گردید
در منطقه البروج دیپلماتیک تسمیری
در محل ستاره ها به وجود آمد . آقای
رونالد ریگان سرور که او را از کلکتهای کر—
ملین بیرون کشید و اعلام داشت که دیگر
اتحاد شوروی را به نام (امپراتوری شیطان)
پادشاهی و به این ترتیب جنگ سرد
پایان یافت . مگر اکنون با رفتن جورج بو—
ش به مسکو ، تسمیراتی در موقعیت
ستاره ها به وجود نیامد . اگرچه این
نخستین سفر آقای بوشر به مسکو بود
در عوض هر دو رضایت شان را به متقابل
سهاستمداران فعال که در عمل بر مساهل
میوم با هم کار میکنند ، نشان دادند . به
هر حال ، قبل از آنکه آقای بوشر آخرین
گام سفرش را به طرف شهر کیف بردارد
آقای گریچف پیمان کاهش سلاح سترا—
تژیک را امضا کرد . بر اساس پیمان
مذکور می نمود از سلاح هسته ای تولید
شده در زرادخانه های هر دو کشور کاهش
داده میشود . آقای گریچف در مراسم
امضای پیمان مذکور اظهار داشت
که : امضای پیمان برای همه جهان
با ارزش بوده قدم بزرگی در راه خلع
سلاح خواهد بود . خداوند را شکر
گذران که ما آنرا متوقف ساختیم و به عقب
زدیم . ()

چنان می نماید که برای نخستین بار
ایر قدرتهای نظامی در صد دینتقیمر و کاهش
سلاح دور بود هسته ای ، که توانایی
تخریب هر دو جانب را داشت ، برآمدند ،
به هر صورت با استفاده از فرصت آقای
بوشر نیز حرفه های را اظهار داشت .
() پیمان مذکور بی انداز پیچیده
است ، مگر در مورد هدف عمده آن باید
خاطر نشان ساخت که کاهش در نیروی سترا—
تژیک هسته ای خطر جنگ را کاهش میدهد .
()
بعد در کنفرانس مطبوعاتی که تدویر گردید
ملتن از ژورنال لیستان پرسش به عمل آورد که
چرا هر دو جانب همه بی راکتهای هسته ای
رانابود نمیکنند در تاریخ به این پرسش
چنان معلوم میشد که هر دو متفقا به یک
موضوع اشاره میکنند . هر دو تاکید کردند
که موضوع عملی نیست و نمیتوانند که زرادخانه
های شان را یکسره ببندند ؛ زیرا به نظر



نوشته ذیح الله آماسی



آنها هنوز هم ملت های وجود دارند که
دارای اسلحه هسته ای اند . آقای بوشر
تکرانی بخصوصش را در مورد اسلحه
هسته ای که در دست مرتدان قرار دارد
اظهار داشت ، مگر چنان معلوم میشد
که خطر شوروی را برود شود .
به این ترتیب پیمان کاهش سلاح
ستراتژیک برای نخستین بار بعد از قضا
مسابقه تسلیحاتی بین ایر قدرتهای نظامی
به امضا رسید . عهد نامه موخوف چهار
جوبی را بدست میدهد که بر مبنای آن امگا
نا کاهش مجدد (اسلحه) بدون ضرورت
به جستجوی راه دراز و پر مشقت ، همسر
میکرد . با اینست یادآوری کرد که کاهش
مجدد اسلحه نازلان و ضروریست ، زیرا
بر مبنای (ستارت) اگر سر و تیغ در صد
کاهش در اسلحه صورت گیرد باز هم اتحاد
شوروی ۷۰۰۰ واحد اسلحه هسته ای دور
برد و هزارها واحد اسلحه برد کوتاه در ذخا
بر خود موجود دارد و زمانی آن رانابود
خواهد کرد که ایالات متحده به ناپسودی
ذخایر خود موافقت کند .

بر علاوه کاهش اسلحه ستراتژیک
دو جانب در جهان نقشه ها شان بر مساهل
سده منطقه ای و بین المللی با هم به گفتگو
شستند .
توافق آنها بر کنفرانس صلح شرق میانه
که در روابط ایر قدرتها خیلی مهم است
امیدواریم که بیشتر را به وجود آورد . هر
دوره بر بر تلاشها به خاطر استقرار آتش بس
در یوگوسلاویا تاکید کردند ، مگر در مورد
افغانستان ، کمیو چها و دیگر پرا بله های
حل نشده منطقه ای ، که باری در مرکز
رقابت های آنها قرار داشت
کدام اعلامیه پیش بخش کردند و خاموش
ماندند . در جلسه سران اظهار عقیده
گردید که واشنگتن و مسکو اکنون مساهل
مذکور را نوعی تلقی کرده ، در
حالی که مساهل مع همانا تعمیق همکاری های
دوجانبه آنهاست .

آقای بوشر در جهان سفر خود ، آخرین
گامش را به شهر کیف ، مرکز جمهوری
اوکراین اتحاد شوروی گذاشت . موخوف
در جمهوری اوکراین ملاقات های ر انجام داد
د . او بهانه بی دربارمان آن جمهوری
ایراد کرد و گفت که از پشتیبانان دموکراسی
استقلال و آزادی اقتصادی چی در مرکز
و چی در دیگر جمهوریها پشتیبانی میکند
البته پشتیبانی او بر اساس شخصیت های
بلکه بر مبنای اصول استوار است .
به هر حال دستاوردها و مشکلات آقای
بوشر در قیاسه با آقای گریچف ناچیز بود ؛
بقیه در صفحه (۸۹)

سلاح استراتژیک



د سھيلا حضرت نخلی ليک

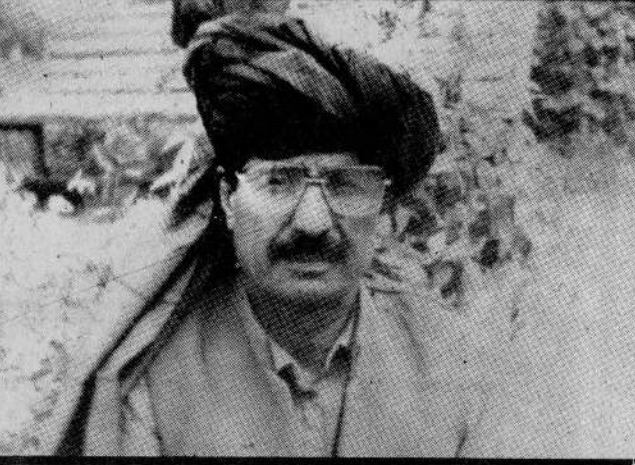
پښتون سندرې اوډلي همه هنر دي چي د کليود خوښو اوښاديو...

نوبه يي يو کوچنی هلک هم له نمانه شو بيوه دغه هلک چي د نجونو په کار کي راتنه...

واو د گلزيان کليوالو او اولس غوښتل چي دي نور هم د شهرت پورې ونه رسوي اوښه...

به چي گلزيان سندرې ويلي نو پخپلي به له هرې کرکسي اوډروي څخه را پښتانه...

استعداد يوازي دمان له پاره و نه ساته بلکه نور يي هم تر ي بهر من کړل او سوانو هنرمندانو...



گلزيان د سازونو او آوازونو

غوږ پيژنکلی

جوړي کړي ، ده دا هيله به ډيري خوښي ونه استا د اولمره يي !

ته حيران شول ، ښکته دي په دايرو کي په پښي لاس (پښ) آواز او په کين لاس (نهر) آواز پاس ، دوي سران پيو حيرا...

کي د (پښ يي شعر يي نهر يي گلي) سندر د راديو په خپو کي بهر د خوښت د چيني کلي...



نام

شهاب
 از زلفی تنهایی خویش می آیم
 سپلند
 گردن افراخته
 رحمتراز تمامی نای ها ه از تمامی فریاد های زمین
 چه صلح ه چه دشغوار
 شهاب به تماشانشستم
 عاشقان محتاج
 در گشاده تپهن روزها و شبان
 حقیر و چه بسهار هعلق شاد هی از کا و چرهای پائیز
 به گدایی میروند

در تارکترین درد ها و در ریخ من

خوشید را بر هیچ آستانه ای دستی به در بیزه دراز نکرد ه ام
 آموخته ام دل به دریا ها را کتم
 تخران دلی از من به وام گرفته است
 تا بر ماسه های گریما گریه غلتان رفتن را قامت خم نکند

آنک ه کوسه پیرو دند انبایش لحظه ها
 و امید سپیدش که بر روی و موی من شگرفان شده است
 و اینک ه تو ه که میخوای با مرکه خونگی
 دگرا کنون به فریاد ترسیده
 دلی از ذروه به زرفا افتاده است
 در تعلق جان برگد عشق
 با مضری ه که گاه گاه بنواز دش

کهنک زده ه گنج ه منک
 به عشقی نه ه که میخوام به دست نی آید
 به جانی ه که می بوسم و از دست می گریزد

لطیف پدram



دوبو موهار

راخوڙي دي جي به خ زلفي تار تار شي
 به کي چو کي و کورنه د بهار شي
 د خودي بياله به و نه عکسي به ژوند کسي
 جي دجا ترخاري ستا دوزو موهار شي
 که به لاردي دونا گامو نه کي دي
 نا اس لاري توه زما به هم به لار شي
 دو حال به تورو و شل شي رگي نيه دي
 نه جي هسي خوک د ستا د بنو پکار شي
 که تورو نه ده ((سمع)) بيا به خير رافل شي
 ستا که مخي به گلزار تول ((چپرهار)) شي

سمع الله سمع

د شيدو جام

باوڙل چي ستا
 د اوڙل و شنبوله اوڙل دو لارو به
 د سپور من کلي ته
 د مڙن اوڙده لاره وهم
 اوڙه دي خيال من
 ستا پلو لڙتو کي ته و
 چي من د هيلو مخته
 د لمر له سترگو زير پدلي ماهان
 د شهد و جام کي
 له مارا نوسره و لڙتو دل
 اوڙ ما د مڙن لاره
 لڙتو ته شوه
 لا پسي اوڙ ده پڙتو

۱۳۲۰ - ۲۲

کابل

کمال الدين مستان

غزل

مڙن د اثناله چي اسري وينم
 خبر دي جي خوري او که ترخي وينم
 تو د تورو زلفو مار چچليس ميم
 بلي به وجود من سري لمبي وينم
 که جي به تاز سره موسکي شي مار
 نو کله کي نگو نه تاتسري وينم
 و پڙتو لاله کي د صبا پڙتو
 ماويل جي ديار د مڙن عولس وينم
 که به پڙتو به از غوض شي
 نکه من پڙتو به وينو سڙي وينم
 پڙتو جي به درکي شي مڙن ته
 آخر خوبه سره مڙن د لڙتو وينم
 د او حال زيري دي واحده نسي
 تله کي چي شي رنگي وڙسي وينم

عبدالواحد پٽان

کیتان سینما:

دنیای سینما را تغییر داد



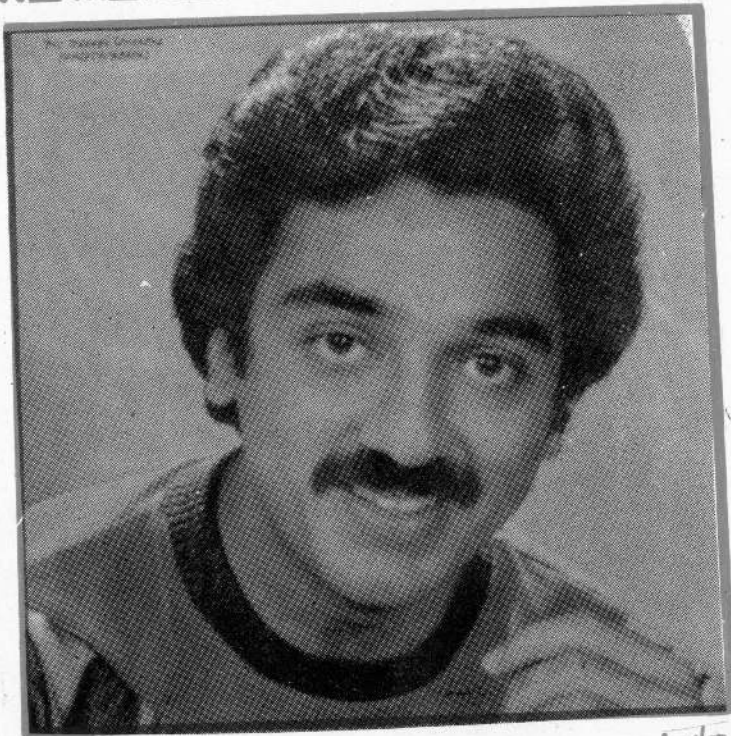
فلسفای رانشانی کرد که ژورنالستان آن را سینمای موزی تعریف کردند • در فرجیام فقط اختلافهای همین سینما با سینمای دیگر اوراکشت و نابودتر کرد • شاید کار برداژه کشتن برای اونا درست باشد ، مگر میتوان گفت که مرگی به سواغش آمد • ممکن از دیها لکتیک آن آگاهی داشت که نخواست ت به دفاع در برابر آن بپردازد • بانا سف که امروز سینمای مارا بیشتر ضد و نقیضها فرا گرفته است ، آنچه سینما میخواست بر آن غلبه حاصل کند •

انسان در زنده گی خود چند دوست محدود میداشته باشد که در فراز و نشیب روزگار میتوانند در کنارش باقی بمانند • وقتی که سینما از دنیا رفت چنان مینمود که کسی را از دست داده بی که با تو بزرگ شده است • به مرحال مرگ او هم ما هم دنیای سینما را تغییر داد که در هر صورت ت

امیدوارم آنچه من میخواهم بگویم حرفهای محض در مورد یک انسانی که از جهان چشم پوشیده و یک یاد بود شتاب زده نباشد • بیشتر از چهار سال میشود که او از دنیا رفته و ما هنوز هم عشق او را در دل داریم • توانایی را که خداوند به سینما داده بود ، باعث میشود که یادش بیشتر در خاطر ما باقی بماند • من برای نخستین بار در سال ۱۹۷۴ در انستیتوت فلم پونسه او را دیدم • او به انستیتوت مذکور آمده بود تا دیپلومش را تمام کند • با دیدن او با خود گفتم که چهره سینمایی دارد ، باید هر چه زود تصویرش را گرفت • کترین کماتی موجود اندک چهره بی چون سینما داشته باشند •

سینما آدم را آگاهی میدهد که در زنده گی چی چیز ممکن است و احساس را داده آن چقدر فریبنده است • او هم بی دوران





کمل هاشم

سینمای ناکام هند

آنچه مراب خیرت بیشتر و امید دارد اینست که اینجاست کس سینمای ساخت بیسی را به یاد انتقاد بیست و نه میگرداند از هنریشه ها گرفته تا کارگردانها اما موزیسین ها و تئاترگران ، اما کارگردانان کهنه که است ، جهان دارد . مثل اینکه آب از آب تکان نخورد به خاطر دارم چندی قبل یکی از کارگردانهای نام آور سینمای هند به من گفت : کمل توبه غرور چاق شدن مهوری و این خطر بزرگ هر لحظه ممکن است ترا از سبزه بلند هیروی شماره اول به زمین باندازد . "وقتی به حرفهای او فکر میکنم ناراحتی ام بیشتر میشود . آهاتام تیلل شریک هنرمندی به خاطر این هیروی لاغر بودن است ؟ آیا این خودتیک کمیدی نیست ؟ مگر تاریخ هنر به جای ارزشمندها از وزن و سنگینی فیزیکی حکایه خواهد کرد ! من بانا سف میگویم که سینمای هند بهترین هنرمندان خود را به زمین شو . از دست داد : چاق شدن ! اصل شخص نباید معیارها و دیدگاه های هنری تماشاچیان ما را تشکیل بدهد . اگر ما به سوی چنین آینده ای مهوریم ، باید از همین حالا پیشبینی کرد که از دست و آوازی به نام هنر فرستگها فاصله خواهیم گرفت .

(نوشته حاضر بخشی از کتاب "مباحثه" جولانی کمل هاشم با گزارشگر مجله ستار اندستایل و نقطه نظرهای این هنرمند درباره سینمای تجارتن هند است.)

نقدانم ، این جنون از کجا به سرم زد که سینمای جنوب را وداع کنم ، جانب فلستان بیسی اندم .

در سینمای جنوب یک اصل پذیرفته شده وجود دارد ، تقدم هنر بر جرمشده . در حالیکه در سینمای بیسی مساله برعکس است اینجا به چهره حق اولیت و ارجحیت داده میشود .

به عقیده من شاید یکی از دلایل شهرت موقتی داشتن همین باشد ، به خاطر اینکه نهایی چهره و ملامت است و امانت عمر کوتاه دارد . آرایش صورت با گذشت هر روز در معرض تعدید خطر بیری قرار میگیرد ، اما هنر با گذشت روزگار به سویی جاودانه کی میبرد امروز وقتی به تازم نهن فلم تجارتن (که خود در آن نقش دارم) می اندیشم و آنرا با فلماهای جنوب خودم مقایسه میکنم ، سخت احساس ناراضی می کنم . چقدر فاصله است از کیمت و آرا تا یک دو جن کی لئی .

آن مانند گذشته نیست . سمیتا از نیمه سالهای هفتاد و تانیمه سالهای هشتاد ، زمانیکه با شهام بنگال ، گووند نهالانی ، سنجیجیت رای خودم و دیگران کار میکرد ، آراء بخشن عمده سینمای هند را به عهده داشت . با آنکه کوتاه زنده گی کرد ، مگر هم او در سینمای ما خیلی نهاد بود . گمره او را دوست میداشت و برای او گمره زنده گییش بود .

نخستین فلم من به نام بهوانی بهوانی در فضای دوستانه ساخته شد . سمیتا نصرالدین شاه ، ام پوری ، موهن گوپال و نیما من جیلانی بدون خواستن کدام پولی کار کردند . علی الرغم آن در لامله باهم یکجا بودیم ، غذا میخوردیم و چون اعضای یک خانواده باهم زنده گی میکردیم سمیتا زنی بود که طبیعت آزاد داشت و نسبت به رولهای که او در آن کار میکرد روحیه آزادتر داشت . مردم در فلسم بهوانی بهوانی رقص او را به خاطر دارند . باری مائلاش کردیم تا آن را دور کنیم . به این منظور شو تنگ را از سریلان ساختیم . سه روز تمام سمیتا و موهن باهم کار کردند تا آنکه آنها در قالب آزادی محلی درآمدند . وقتی که اولم بهوانی بهوانی را به تماشا نشست ، گفتم که واقعا از فلماهای بزرگ است . امروز فلم مذکور از فلماهای خوب و دست آورد بزرگی برای سمیتا محسوب میشود .

بعد از آن فلم هولی را ساختیم که نصر و ام پوری رولهای کوچکی را به عهده داشتند . او نیز باید رول کوچکی را به عهده میداشت ، اما بنا بر وظایف دیگر نتوانست . در همان وقت پندار فلسم هیچ وصاله به وجود آمد . او واقعا مهوریمین فلم مذکور بود . او در فلسم رول زن آزادی را داشت که میتوانست کلمه "نی" را بر زبان آورد .

من نمیتوانم در مورد تمام قضایای زنده گی او تماس بگیرم ؛ زیرا که نهاد است و درین مختصر نمیتوانم مگر اجرا کارش خیلی عمده مینماید . فکر میکنم هومیکا رول ترسناکی را برایش سپرده که سمیتا خود را وقت آن ساخته است . به همین گونه از اجبارتا نام میگویم و در هنگامیکه به بازیگری خود فضا میبخشید ، خیلی دقیق معلوم میشد . و این بود سمیتا ، سمیتا که تنها در خود فروخته زنده گی نمیکرد . او همیشه میخواست که دیگران را دست دهد ، دوستی باشد و به آنها بیونند و این یکی از دلایلی که چرا او هنوز هم در دل ما جا دارد .



خبر ما شیرین هفت رنگ مصیبت
ماجک تان در کنار مقبره
احمد ظاهر هفت رنگ افتخانی

گلناره و ستاره دو هنرمند
ماجک تان که در کابل ستاره
هنری داشتند .



خود را محتاج سایه ، همبخت مجنون و -
آشفته مضمون معزنی کرده بود ، اما سبیدی
حقیقت زنده کی پردرخشش و فرزاننش شفا -
فتر از آن بود که بتوان پنهانش کرد . زیرا
او بیوسه و خسته کی نشناس (به امید سبیده)
گام بر میداشت و قلم میزد .

درین دیرینه دیردیر بنیاد
زمانه داستانها میدهد باد
بیانات در یکدیگر بدانیم
که تنها ایست مرگه آن میزد

عبدالحسین توفیق شاعر و راسته ، پرک - ار
و متواضع که از لحظه لحظه زنده گمش در هنگا -
ه برداشت و بر خورد با اشیا پدیده ها -
و روئندهای جاری محیط پیرامون رخشنده -
کی و تلالوی توفیق و دستگاری صمیمیت ،
سرانجام به گفته خودش ، ((بار امانت -
پنهاده بردوش)) حیات را به منزلگاه رسا -
نهد و نقطه پایان تلاشهای سازنده و پسر

بارش را نقطه تمام گذاشت .
او با کمبودها و پاک سرشتی بود از سلا -
له قلم و سخن که هفتاد و سه بار شاهد ورق
برگردانی بهار و پاییز بود .
سه سال داشت که توسط خانواده اش
به هرات باستان آورده شد ، تا در این مهد
هنر پرور و تاریخی به معرفت های شعرا و
وسفرهایی به جانب سواحل رموز و کشف
دقایق برتر دست یابد .
وی نیز که به گفته نزدیکانش روان نسا -
آرام و ذهن پویشگرمی داشت ، پیهام
در دستجو بود و به پیش میرفت .
در سفرهای به سوی سرزمین معنویت
فقط از خداوند توفیق میخواست و کلا -
الحی را یگانه و اولین چراغ رغبتهای پرس -
شاهراه زنده گمش میدانست .

توفیق در برتوئیات و با انکس به ترحم
بی همانندش در سالهای ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ -
تحریر کشف المطالب (آیات مبارکات -
قرآن کریم) را از روی قرآن مجید چاپ
سلطانی همت نمود .
توفیق در طول عمر پرباری پر افتخار و ش
دامان این خط روشن اندیشه و باور را برای
لحظه بی رها نکرد . شور پر سر و عشق برد ل
باتمام قوا جلو و جلو تر رفت و چندین
اثر دیگر بر مبنای اندیشه های عقیدتی
خوبش به رشته تحریر درآورد . در این
راستا میتوان از اعلی نامه ، در خط قرآن ،
الهدیر (مجموعه بی در حال جذبات
قرآن کریم که نظم گردیده) ، برگردشع قرآن
(چیده های منظوم از تفسیر مشهور
ملاحسین و امثال کاشفی هروی) کلمه اللهم -
العلیا و شماری از رساله های منظوم و مشور
دیگر از جمله کتاب النور (چیده گلعلی
از گلستان قرآن کریم) را نام برد .



جام و گنجینه

برجسته‌ترین کار استاد توفیق نگارش تفسیر قرآن مجید است

به گفته * دانشمند فرزانه امروزگار
مخترم نیک سیر بزرگترین و برجسته‌ترین
کار عمل استاد توفیق نگارش تفسیر قرآن
مجید است که وی آنرا آئین دفتر زنده گان
نمایش آرزو میکرد که چنین شد *

میردالحسن توفیق از محضر استاد
حاجی شیخ محمد طاهر قندهاری گند
به قول اکثرت، علامه * زمان خود به شمار
میرفته همواره میستفید بوده و از هموزبان عربی
بیادای علم عقلی و نقلی فلسفه و حکمت را
آموخت * سپس با چنین پشتوانه، به روش علمی
و اندیشه‌ی شعری راه پیشه گرفت * و در جوانی
به انجمن ادبی هرات راه یافت * و به کار
های قلمی اش شوق بیشتر بخشید.
اشعار آزاده این شاعر آزاداندیش
که به گفته منتقدی نبض زمان در آنجا میتپید
در بریده (وطن) چاپ شده و به همه
گان قوت قلب و ایمان داد *
استاد توفیق اکثرت نبضه هایش را
در ولایت هرات به اسم مستعار * جام و گنجینه

دروازه * اتفاق اسلام چاپ میگرد. انگار
جام، آینه حقایق و صیقلیت های جامعه -
بی بود که شاعر در آن صیقلیت جام
در سروده هایش که به شصت و چهار
هزار میرسد (۱۰ بیشتر آینه دار در میان بوده
است هر چند تعدادی از مضامین فلسفی
اجتماعی، عشقی و تاریخی را نیز شامل است *
شعری پوشانیده است عشق و جوانی
نوازی دل، گلهای توفیق، قطرات اشک
فریادها، سایه روشن، جام، طنین های -
دل انگیز، آهنگ صرا، جهان ما
پندار، نقش تاریخ، جرعه ها، توانایی
ها، سوخته گان، به فرزندان من، روشنگران
شگفتی ها، هرات، اندوخته ها، جویبار
جای پا، آسمانی، فانوس خیالی

نجات بیشتر، سایه دیواره اسپند
به امید سپیده ها، بهر زار رفته گان
رغبات، جامی و دیار جامی و چندین
تای دیگر که تعداد مجموعی آنها
به دویست و بیست و یک میرسد * بخشی از
آهنگ های قلمی او در رشته های دیگر
است.
با اندوه بی پایان باید گفت که این
جام هنر و ادب از دست اجل بروی سنگر -
شده ای تقدیر افتاد. روح ایمن انسان
بزرگوار را شاد میخوایم *
سپهرین

جلدی و خمر با هم آورد -
 ۲- نباید موهار را برخلاف
 سمت و میلان رویشان تراشید،
 (مثلا از پایین به سوی شقیقه)
 جهت تراش باید مطابق موازین
 میلان رویشان موی باشد .
 ۳- ده دقیقه قبل از تراش
 نشین موهار را با گرمی های مرطوب
 طوب سازنده و ملایم ساخته
 و پس از پنج دقیقه نخست
 ساحه را با شامپوی خفیه اطفال
 شسته و موهار را ترنگهدارند .
 ۴- خاصیت چسبندگی
 در مقابل تیغ فیزی همواره سد
 نسر باشد و جلد حساس
 نه باید از آن استفاده کنند
 همراستفاده از روغن ترانس
 شی های پر می بدون هدایت
 دانشر قطعاً مجاز نیست .
 ج : برتندن :
 کشیدن موهه . جمله مویها
 سر در تراش کوچکی موی
 استعمال دارد که موهانسیب
 قوی بوده و با بریدن از سیاه
 خودکنده شوند . موثریت این
 سوه از بین رفتن دایس موهای
 انسانی و نه آن در دستا
 بودن میاید . به خاطر
 بسیاری نه :
 (استفاده از برتندن
 مودر ساحات بزور و ریح نسر
 بدن و زیانبار است و امراض
 جلد را ایجاد میکند .
 ۲- بین خمر با برتندن
 موی باید حد اقل پنج الی نسر
 ساعت وقف زمانی و بود داشته
 باشد .
 ۳- اگر از برتندن موی
 آن برکنده شده است ، بهترین
 از دو بار با زخم موی تازه موی
 در برابر زخم موی این سوه صرفی
 نسر نماید . زیرا در قدم اول
 خطرات آنات معمولی و در مراحل
 پیشرفته تر سرطان های
 جلد وجود دارد .
 ۴- در میان ترنگهداشتن
 ساحه ای که موی آن برکنده
 شده است به خاطر مگرین
 نشدن حد اعلا احتیاط به
 کار است .
 ۵- برای اینکه برکنده
 موی به سهولت و بدون درد
 بکشد در دقیقه (۸۸)

من آورد ، لذا درست تر آنست
 که پیش از استعمال اول در
 ساحه به اندازه یت حکمیکار
 آز موده شود .
 دمای تهیه شده را با لای
 یک ناحیه کوچک بدن تطبیق
 نموده و برای پوست دقیقه
 انتظار بکنید . در صورت
 نداشتن عکس العمل پیشگفته
 میتوان از آن وسیعاً استفاده
 نمود ، اما یاد داشت های
 زیرین باید به خاطر سپرده
 شوند :
 ۱- استعمال مداوم ادویه
 سپید سازی برای جلد ناحیه
 آسیب مبرساند .
 ۲- بهتر است ، دواها
 به فواصل حد اقل شتر روز
 استعمال شوند .
 ۳- مایعات سپید سازی
 مضر تراز پودرها و پاکریم های
 آنست و آنرا میتوان در خانه
 نیز تهیه نمود . به هر حال
 در حدود شش تا هشت گرم
 صابون ورقه ورقه تراش شده را در
 پوست سی سی خایه روغن پر
 اوکساید حل نموده بالای آن
 نخست سه قطره امونیا و پس از
 دو دقیقه دو قطره کلیرین
 علاوه نماید . مواد قوی را تا
 به سه آمونیا و برای (۲۰) دقیقه
 انتظار رسید . تردیدناصله
 برای استفاده مناسب است .
 ۴- تب از استعمال دوا
 حرارت ناموسای مود نسر
 پاکریم ریز (مردانه) ناموسو
 ۵- امیداف ، مخلولات
 معتدل سستو و ملایم سازنده
 نرم ساخته شوند .
 ب : تراشیدن :
 تراشیدن سریعتر و
 آمانترین سیه دفع تر تراشیدن
 است ، اما نتیجه آن مؤقت
 است . زیرا پیاز آن سالم میاید
 اند ، اما اینکه مویها
 تازه نه پس از تراشیدن مویها
 قوی تر و خشن تر میباشند ،
 حقیقت ندارد . البته تراشیدن
 لطافت جلد را از بین مبرد .
 مراعات نکات آن در این سوه
 لازم است :
 ۱- هرگز نباید مویها خشن
 تراشیده شوند . زیرا آفات
 تسبب عکس آن میاید . بنا
 از بین رفتن سبب اسن پوستیان
 پیشرفت آن جلوگیری نمود ، اما
 در سایر موهای انسانی مویها
 میشود سبب مختلف زمین نشا
 کتون نشا خوب داده اند .
 الف : سپید سازی :
 سپید سازی اصطلاح پذیر
 شده شده برای مرمت ساختن
 مویهاست . جلد است که بهتر
 بود آنرا زرد نارنجی ساختن
 مویها مودند ، زیرا با استفاده
 از رنگها بدون تلفات و
 سهولت میتوان تنها تر سبب
 سوتیم را از بین برد ، نه خود
 موهار . از آنجاییکه ادویه
 مخصوص سپید سازی در
 بسیاری از رنگها و دختران
 درجات بلند حساسیت
 (خارش ، پندیده ، نرسوز
 شدن و گه شدن) را بار



مساعذ کنند . و برای رو پیدن
 آن فواعم تر میسازد ، بلکه
 هر سوتیم را به وجود آورد و آنرا
 تسدید م می تواند .
 ۸- عوارض جانبی یک
 عده دواهایی که طی سوسهای
 منظم صورتی تداوره استعمال
 میشوند . دواهایی که عوارض
 جانبی آنها انشرا سبب رو پیدن
 مویهاست عبارتند از :
 - مشتقات نروکورتیزون
 قرصها بد خامله کی ،
 دنیاژون ، دیلاندامون و دیلان
 نتین .
 ۹- استعمال زیاد لوازم
 آرایه تیز در زخمهای لونا سون
 عسریات رنگها و آرایش بدون
 هدایت و مشورت دانشر ناگهانی
 سبب هر سوتیم شده می تواند .
 سیره سار از بین برکن
 هر سوتیم در قدم اول مرسوز

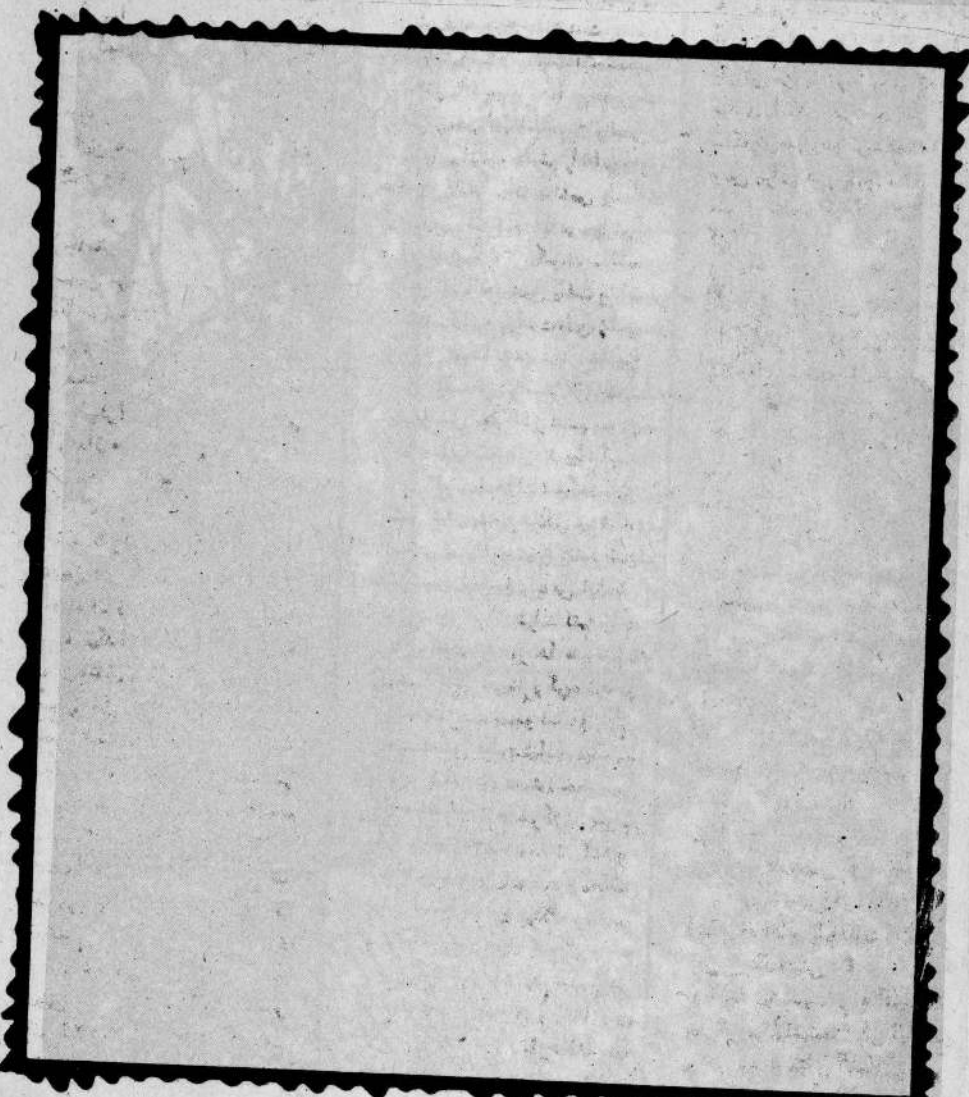
قدوات خارش در دوران بلوغ
 به طور ناگهانی همراه با تشو
 شات و ناپهنجا رهای عادت
 ماهوار یک رنگ خطر برای
 پیدایش هر سوتیم بوده می
 تواند .
 ۳- شماری از آفات و
 امراض جلدی (به ویژه در
 ماتیت ها) سبب
 هر سوتیم میشوند . باید گفت
 که یت تعداد دیگر باعث ریز:
 آن می مویها شده می تواند .
 ۴- تقریباً تمام امراض
 اندوکراین (آفات قدوات)
 دارای افزایش داخلی و تشوشات
 و تغییرات وظیفوی هورمونها
 مخصوصاً در زمان انقطاع
 طبت (پائینگی) یاد و ران
 پایان یافتن خصلت جنسی
 زنانه در سنین پیشرفته بسا
 عت هر سوتیم مکرر د .
 ۵- امراض نظیر پلاستیک
 توموری و آفات همیشه نیز مستقیم
 و یا غیر مستقیم (از سرتیر بر
 سبب زدن تعداد هورمونها
 سوتیم را بار می آورد .
 ۶- امراض کمستیک ما
 نند پوست عاری تخمدان ،
 امراض غد فون الکویه و سایر
 غدوات مترشحه مانند نخامیه
 و در قیه نیز سبب رو پیدن مو
 های اضافی مرسوزند .
 ۷- فشارهای عصبی ،
 منیجانات و تالوف پیشرفته
 روانی ، اندوه طولانی (مخصو
 عاً رنج بردن از پیدایش
 موی انسانی) نه تنها زمونه

بدون شک بارزترین و شاید هم
 یگانه نشانه تمهین کننده زبانی
 لطافت جلدی باشد . زبانی
 چهره از نگاه ساختار اناتومیکی
 با نداشتن جلد لطیف صرف
 میتوان برای یک لحظه دیدن
 (آنهم از دور) خوشایند باشد
 نه برای خیره شدن و تماشا کردن
 طرح و ادا . این بحث از در
 نقطه نظر متفاوت و درنگ
 بیشتر میخواهد :
 تابستان موسمیست که
 به خاطر پوشیدن لباس نازک
 زک و کثرت میتوان قسمت
 زیادی از جلد بدن را
 بدون پوشش نگه داشت
 به عبارتی دیگر تابستان
 وقت مناسب برای نمایش
 جلوه های زیباییست
 اما این امر در شرق
 و غرب از هم
 چه قدر تفاوت
 دارد ؟
 در کشور
 های شرقی
 هیچ آفت
 جلدی به
 جز سرطان
 نبالدیت
 کننده
 س
 از

برای پرورش آوردن مویها
 جهت خوشایند ولد تیغشتر
 نیز تمهین شده است .
 پیش از اینکه در باره شیوه
 ها و روشهای گوناگون از بین
 بردن مویها سخن بفرماید
 بی گفته شود ، بهتر است بدانیم
 مویها چیست و چرگونه پدید
 می آید .
 موی (پایه اصطلاح
 علمی هر سوتیم) عبارتست از
 موجودیت موهای غیر طبیعی و
 انسانی در قسمت های غیر شرمه
 بدن به ویژه در روی (اشتداد
 پایینی شقیقه ها ، زنج ، پشت
 لب) و قسمت فوقانی ابتدا
 دو جانبه گردن در زن ها و
 دختران .
 اسباب :
 ۱- اساسی ترین سبب
 پیدایش هر سوتیم مایل
 ارثیت (از جانب مادر) که
 بیشتر به یک نسل و یا نژاد
 خاص ارتباط میگوید ، دختران
 گندمگون و یا سبزه که دارای
 موهای تیره سیاه و یا خرمایی
 باشند ، بیشتر از دیگران
 این آفت مبتلا میشوند .
 ۲- قرط فعالیت و پرکاری
 به از حد یت تعداد از
 ۳- اسباب

از موهایی که جلای که

نوشته دکتر کورس آینه در با با کارگی
 توجه : س س س س س س س



میگوید: من به خاطر اعتراضی
نزد شما آمده ام. از سبب بهترین
و تلخترین لحظات زنده گیم
به شما جنایت میکنم و رازی را
برایتان فاش میسازم.
بعد انگشتان خود را در جیب
های پیراهنش نیرو میبرد. شرم
زده سویم میبندد. نگاهم در
نگاهش من نشیند. چشمها -
پیش فرزند میبندد. مانند آه
است که همه زنده گی او در
چشمهایش جمع گردیده است.
در چشمهایش درد است
خزان زنده گیت هیرسادی
آرزو هاست. در چشمهایش
قصه نوره زار هاست. رازش
مردن است و راز سوختن و -
ساختن است.
و حقیقت آنست که نمیداند از
کجا آغاز کند. شاید هم دارد که
بیادنا نام او را بر زمین مجله
بنویسد و یا شاید هم ندارد.
وقت میگذرد و من قلم به دست
چشم به دهانش دوخته ام.
اندکی در جایش جا به جا
میشود. و بعد میگوید: بگذشته
من هر لحظه مانند فلم سینما
از مقابل چشمهایم میگذرد و سرا
به سختی می آزارد. درین فلم
دختری را می بینم که همه سر -
ماهی هفت و شرافت خود را به
پاد نفا داده است.
دختری که فقط فاصله بین
خانه و مکتب را میدانست. به
خانواده اش انس داشت.

هستنی هایش را دوست
داشت و استادش را احترام
میکرد. بگذرد از این فلسف
لمنتی که هر لحظه از مقابل
چشمهایم میگذرد و زجرم مید -
هد. برایتان بگویم. آن را بنویس -
بمسجد تادرس باشد برای -
دختران جوانی که چشم و گوش
بسته به منجلا بیدنامی سرو
موروند. لطفه به خط درشت
به همه مادرها بنویسد که
مراقب جگر گوشه هایشان باشند
و نگذارند دختران معصوم
شان به سر نوشت من مبتلا
شوند.
ببینید حال من چه استم یک
درس عبرت. یک لکه تنگه یک
زهر تلخ. من یک زخم همک
زخم ناسور. من هر لحظه رنج
مهرم دردم میکشم. رنجی
که نمیتوان آن را انداز گرفت.
درد من تقسیم کردنی نیست
اما گفتمی است.
من در اگر دستف ۱۱ یکی از
لیسه ها بودم. در اگر خوب
و لایق صنف خود بودم. با و ر
کمند خیلی خوشبخت بودم.
خانواده ما یک خانواده نمونه
بود. آینده ام را از در چینه
خوشبختی نظاره میکردم. همین
داشتم که گل سعادت و خود
شبختی در زنده گیم میشکند.
آن وقت همه وجودم بهار میشد.
براز شکوفه میشد مانند هر

دختر جوان از روی رفتن به
خانه بخت را داشت و لب
اقنوس که دستهای گل خوش
شبختی ام را بر پر کرد. خانه
بختم ویران شد. دستهایم
ببهار و خزان کرد. امسک
در رگهایم مرد و من امروز یک
کشتزار سوخته ام. یک زمین
نور زده.
این همه یک سال قبل اتفاق
افتاد. استادان حاله را پیش
رو داشتیم و - ال تعلیمی به
فرجامش نزدیک میشد. ماری
صمیم ترین دوست من بود.
ما گاهی به خانه همدیگر میر -
فتیم و در درسها همدیگر
را کمک میکردیم. آن روز که
فرمایشاتحان الجبر داشتیم
ماری از من خواست تا به خانه
اش بروم پذیرفتم. خوب به
یاد دارم. ما یکی دو ساعت
الجبر کار کردیم. در خلال
همین دو ساعت ماری هر
لحظه اتاق را ترک میکرد و سرا
تنها میگذاشت. بار آخر که
ماری اتاق را ترک کرد و من
سرگرم حل معادله می بودم.
کسی هسته ادهسته از عقب
به من نزدیک شد تا خواستم
روم را به آن سو دور بدهم
دفعته. دستان قوی و نیرو -
مندی که بدون شک دستهای
یک مرد بود. یاد مستایم و
دهنم را محکم گرفت. بیوی
تندی شبیه بوی درای خشک
ببینی و دهنم را پر کرد. هر
قدر تلاش کردم نتوانستم خودم
را نجات بدهم. بعد از یک
کشکش خسته کننده تصور
کردم تم سبک میشود و من در
بحری فرق می شوم. معلوم
نیست چه مدتی بین نیمه بس
هوش قرار داشت اما در تمام
این مدت حس میکردم جسم
سنگینی مرا در خود میفشارد و
بوم تم در قالب دستهای -
کسی شکل میگیرد. کسی بی
درنده خوبی تن صحت مرا
در بازویان خود میفشرد. وقتی
به هوش آمدم در یافتم که کسی
و یا کسانی به من تجاوز کرده
اند. ماری را ندیدم. بی
آبروی بر باد رفته و چشمهای

اشکیبارا و تن لرزان راه خانه
را در پیش گرفتم. همین که
وارد اتاق خود گردیدم و درس
را بهانه قرار داده دروازه را
ببرم بستم. همه وجودم میسو -
خت مشقیقه هالم از شدت درد
شهر میکشید. نمیدانستم
چه کنم؟ به یاد ندا رم که چه
کردم چقدر گریه کردم. و لسی
گریه نمیتوانست آشتی را خاموش
کند. ولکه سیاه بدنایم را از
دامن من بپوشید. دقیقه هفت
از بی دقیقه ها میگذاشتند
اما زمان پایان نمی یافت و شب
به صبح نمی پیوست. آن شب
نا قوس بدنایم در گوش هایم
صدای برداشت. از آن شب
شکجه روح من آغاز شد و من
زندانی زندان بی دیوار گرد -
دیدم. از آن روز زنده گی من
ملو از رنگها و بی رنگی هافند
و من ساهی و زشتی زنده گی
را لمس کردم. در باقی اضا -
عات نتوانستم اشتراک کنم. به
بهانه مریضی روزها دروازه
اتاق را بروم بستم و گریه کردم
از یک سال بدینوشب و روزم
در یک کابوس وحشتناک میگذا -
رد ماری آن مار خوش خط و
خال را دیگر هم هرگز ندیدم.
نمیدانم چه تعداد دختر کاش
معصوم را به بهانه حل معا -
دلات الجبری به پرتگاه بد -
نامی افکنده باشد؟
چندین بار خواستم بخواب
کف می گم ولی یک فکر و یک اند -
یشه مرا ازین عمل باز داشت.
تکر انتقام از دوستی که دوست
خوشبختی و سعادت من بود
دوستی که راه نشاط را بر من
بست و خنده را بر لبهایم -
خشکاند. انتقام از مردی که
هرگز چهره اش را به خاطر
ندا رم. تم ملو از نفرت است.
همینکه به بستر مهرم تصور میکنم
قبری پیش چشمهایم در من باز
کرده است. خواستگارها همه
وقت به خانه ما می آیند و لسی
جواب من همیشه منفی است.
ببچاره مادرم چه زن خس -
بوست زیاد میکوشد از من
جواب مثبت بشنود ولی چه گونه
میتوانم بگویم: ماد را دخترت

نمیتواند به خانه بخت برود.
به عوض پیراهن سپید عروس
اورا کفن بیوشان زهرا که بخت
دخترت را از تو دیده اند حالا از
هر چه مرد است بهزارم. از همه
آن ها نفرت دارم. دستهای کتشف
جوانی من یا دستهای کتشف
مردی مانند ظرف چینی بروی
سنگش هوا و هوای شکسته است
و من برای هر پارچه آن تسا
سرحد خسته گی گریه ام.
گریه دخترت را مجال صحبت
کردن نمیدهد. کلوش پسر
میشود. از چشمهای زیبایت
که در نظر من از آسمان خدا
پاکتر اند قطرات اشک چون -
دانه های مروارید من هم بر
رخساره های رنگینیده اثر فرو
مهریزند. یک لحظه تصور میکنم
بزرگترین بحره ناپیش روی هم
سریزه کرده است.
دخترت اشکهایش را با
بخت دست پاک میکند و میگوید
"بین حال من یک آدم تنها
استم. به آدم تنها بازنده کسی
تیمی و برج. به با آینده نا
معلوم. برای مادرها بنویس
بسیار که شمارا به خدا متوجه
دختران تان باشد. به آنها
زیاد اجازه رفت و آمد به خانه
دوست و همسفری راند همد.
من پرسم وقتی آن حادثه
اتفاق افتاد چه را والدینت را در
جریان نگذاشتی؟
از آنها میترسیدم. آنها
حقا. مرا میکشیدند. ولی ایگاش
میگفتم با دستان آنها از رنج
مرگ تدریجی رهایی می یافتم.
بعد میخواهد برود با اجبار
قدم بر میدارد. من از عقب او
را مینگرم که لرزان پس تما دل
آهسته آهسته چون سایه
بی از روی زمین برچیده میشود
و لحظی بعد چون ستاره ای
که افق زنده گیش را کمر کرده بی
شد ناپدید میگردد.
حالا که این سطور را می نویسم
چهره معصوم و چشمهای گریه
آورد او پیش نظر من می آید و شاید
تا در هر هاتاشنیدن من راز دیگر
و تا نوشتن یک کشتزار سوخته.
دیگر نفس خاطر می باشد.

اخبار نوشته اولی سعادت

مشال خوشنویس

مردی به اتهام قتل محامد موشد ه قاصی رویه مرد کرده گت: شما چرا آن زن را ازباماند- اختیاد ؟ مردگت: به خدا سوگند است ه که از پشت سرمشل خوشنویس معلوم میشد .

عذر بلتر

از گناه

آواز خوان بد آوازی که در یک پروگرام تلویزیونی کسرت داد ه بعد از آنکه برنامه اش را اجرا کرد و از تلویزیون بیرون آمد عده ای از مردم را دید که با چوب و چنای در جلو دروازه خر- وچی ایستاده اند و حالت تهدید آمیز دارند .

آواز خوان با ناراحتی گت: انشاءالله از بابت اینکه صدای من خوشتان نیامده باین کاری خونخواهمد داشت ! یکی از آن ها گت: نه ما با آن کنی کار داریم که ترا به تلویزیون آورده !

تصرف با اسب

بایسکل یک قاطر آهنگس است که د و پادارد چون جو نمیخورد از آنرو خیلی لاسر است بوسله گوشه اش هدایت میشود فچین لازم نیست باید در شکش لگزد ها تیز تیز برود و برای ایستادن گوشش را محکم باید گرفت .

د فتر تبلیغاتی ریاست بنظری خبر میدهد که ترافیک یکی از جاده هاد رفته کنترل به خواب عمیقی فرو رفته که در اثر این خواب ه چادری خله نیس راتند باد موثرهای تیز- رفتار که آخرین درجه سرعت را گرفته بودند به فضای لختا- هی پراند ه به نقطه نا - معلوس برده است . خبرر اعافه میکند . ترافیک هم- چنان مصروف دهن خوابهای شهرین بود . قصبه تحت تحقیق و بررسی خاص کچا- دری اثر را از دست داده قرار دارد .

امروز شاگردان و دانش آموزان مکاتب ولیسه هسا نخستین دور امتحانات شان را در فضای کاملاً دموکراسی با نقل های طوماری و تاپیزی آغازندند .

خبرنگار ریاست بنظری گزارش میدهد که در جهان امتحانات معلمین و مفتشین حاضر بوده با این که حضورشان لریزه بر اقدام امتحان دهنده گان انداخته بود ه با آن هم بسا ملاحظه نقل های نقل و ریزان صمیمانه تیرخود را میآوردند ه خبرر میافزاید ه یکی از اعضای مفتشین ه اعتماد شاگردان را در زمین تهیه و تدارک تاپیزها به سایر های مختلف ه عالی دانسته ه آینده ه بسیاری حتی در سطح تحصیلات عالی برایشان پیش بینی نمود . گزارش علاوه میکند ه سهم واطله داران نیز چون سال های گذشته ه درین دور- امتحانات قناعت بخش بوده است .

پروترکول دوستی و همکاری دو جانبه بعد از نصف دشب میان ترافیک و تکسیران یکی از محلات مزد حم شهرد رضای آرامی که گاهگاه با صفا ای لیل آبی خندق وسط سرك مختل بقعه در صفحه (۸۱)

خواب پریشان

گت: شما خجالت نمیکنید که بالای مرکب دو نفره سوار شده اید . گت: من شنیده بودم که روی با- بسکل دو پشته سوار شدن را ترافیک شغ کرده ولی در مورد مرکب چیزی نشنیده ام . گت: در حالی که از غم سرخ شده بود د گت: حیرانک معلوم را از دست میکنید . تازه متوجه شدم که روی موس تری که آنان از آن پیاده شده اند نوشته شده: "انجمن حایه حیوانات" فهمیدم که کارم زار است مرا هه سید افغانی جرعه کردند . جرعه را برداختم . یکی از آن سه نفر پرسید: اسم این حیوانک چیست؟ خیال کردم بسم را میگویند گت: "فصلو" گت: این مرکب قشنگ را میگویند نه بسمت را . وار خطا هدم و گت: نام ندا رد . من او را حیوان - بقعه در صفحه (۷۲)



دختر ترشندی با یک مرد فقیر و نادار ازدواج نموده روزی سه شومرگت: مودانی عزیزم از جمله چمیزی که من در خانه داشتم یکی هم شادی بود که خیلی خوشم- میآید ه مردگت: حالا هم اگر دلت میخواهد - برای شادی میخرم ! زن گت: نه عزیزم ه حالا که ترادارم همه چیز را دارم توکه بامنی فکر میکنم شادی ام در بهلولی من است .

خواب پریشان

آدم که بیچاره ماند چه - افکاری نیست که به گله اثر - خطور نمیدند . من فقیرجان و مدبر عهدال و سرمعلم فقیر همان طوری که یکجا بکتب رانه پایان رسانیدیم ه همزمان وارد مشاغل دولتی شدیم به فاصله کسی ه از حد بگر تقاعد کردیم معمولاً با هم جمع میشیم و یک می زیم رصه میشم خاطرات و ماجرا های زنده گی را به یاد می آوریم و از دوستان بفقور و مرحوم خود یاد آوری میمانیم فقیرجان که زبانی مأمور دولت بوده و در پست های مختلف کار کرده و چند بار به خارج هم سفر کرده است همیشه یک کپ را سرزبان داشت مرتب شایه است میگرد ه که: - چرا تا انجمن های - حایه حیوانات نداریم . شایه چرا - انجمن متقاعدین نداریم انجمن حایه حشرات نداریم انجمن چمن و چمن نداریم . فقیرجان که به قول خود در دربار ه حیوانات حایه و متالعه کرده است بیشتر در باره حیوانات فکر کردیم در نظر داشتیم که به مقامات مسئول پیشنهادی هم تحریری آرایسه کنیم . در باره طرح خود بسیار فکر کردیم و دیشب هم با همین

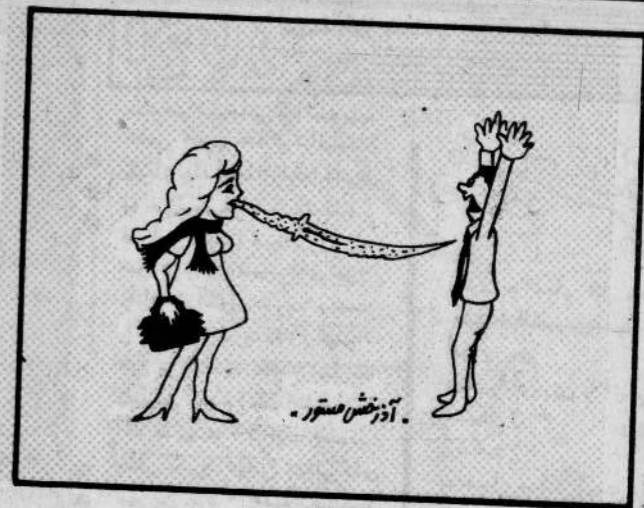


کرده پرسید: ملا چی میوشی ه چرا - رسامان را به کسرت بستای؟ ملا گت: میخواهم خود کشی انجام بدم ! شخص پرسنده گت: اگر مهل خود کشی داری باید رسامان را به گردنت آویزان کنی نه در کمر ! ملا گت ه خو ه چقدر رهوشمار استی ه بیشتر در گردن خود بسته کرد ه بودم قریب بود که بجوم .

ارسالی دیانا ارشاد خند- ان متعلم لیسسه خدیجه جوزجانی . روزی ملا نصرالدین خوا- بست تا خود کشی نماید ه - رسامان را به کمرش بست - در همین لحظه یشتقران بهش رویش میگذشت رو به ملا نصرالدین



فرید شاکرد یکی از مکاتب واقع در یکی از قصبات دور افتاده یکروز آمد پیش معلمش و به او گت: پدرم گفته است تا از شما بپرسم آیا خروس را دوست دارید؟ معلم پاسخ داد: البته پسرجان ه خیلی زیاد خوب شم میآید ه مگر چه باید کرد؟ شاکرد جواب داد: پدرم میخواست برایتان یک خروس بیاورد ! چند روزی گذشت اما از خروس خبری نبود ه بالاخره حوصله معلم سرآمد و گت: فرید جان مگر خروس را که وعده کرده بودی چه شد؟ شاکرد گت: الحمد لله که وضع خروس فعلاً خوب شده است .



کالیزه

زور په کلي کی چاکلېزه
 باساکره نه پخوانده هخچس
 کله مور بارته کده راوکره ه نو
 دغه لو به موم په کور را ننوته
 ورم کال مې نیکه چس عمر چس
 په نوی کلو نوښه اړولې او د
 آزادی په جگړه کې یې لاس پورته
 په چه تاوول ه دگواندی په
 کور کې دده دو پروکې زوی کا
 لیزی ته تللی و . کله چس کورته
 راغی نووا رمی زما پلارته سخ
 وړ وای او ه
 بچو! په رشتیا چس مور
 خوشی عمر تره کره نه موخپله کا
 لیزه زموه اونه هم د ژوند په
 خوند پوه شو .
 پلار مې له واره لخوا ب ورکره
 بابا جان ه ته زره
 خوره ه په نیت کې مې ده چس
 ستاد کور مې کالیزه ونس .
 نیکه مې د پلار زخیره په
 خوله کې ورزیده کړه :
 ته دکور سو غم نه کوه .
 اوس زمانه دکور سو ده ه کا
 و تر شونډ لاندی موسکې شواو
 زما مور ته یې لسانانه په دک نظر
 ورکستل ه لیکه چس مور مې دوه
 درې ورځی دسخه تانه ورکړی
 وه او ورته یې یو چس [سپین
 زهر په ه بودا .
 دنیکه لمدی خبری سره
 مې پلار مجبور شو چس بله ورځ
 دکور په چت پوری رنگه کاغذ و نه

مې اناد کالیزې په کله کی پنځا
 شمسی و تو مېلی اوتیرتال مې له
 پلار سره دکالیزې شوو پید ا
 شو . پلار مې دکله له پاسه
 پنځه دیرتر شمسی ولگولی اوبغا
 مې مړی کړی ه مور مې دکالیزې
 په ورځ له یوی حیوانی پنځلس
 کلنی پینلی خنجه هم زیاته سره
 او سپینه پوقیده ه خنجه چس
 پنځه ویشت کلنی یې ثابت شو ه
 او هغه په دی چس خان زمانه
 پلار خنجه لس کاله کشر بولی .
 خو تر توله په زړه پوری دا د ه
 چس همدا سز کال خووړ خس
 د مخه مور راته وویل :
 " زویه ! ستا په کالیزه کسې
 به کله و خاند و "
 له دی خبری سره یومشبهه
 په چرت کی شوم ه خنجه چس
 د مور کشر زوی وم ه که خه هم
 دتذ لری له مخی خلور دسر تر
 کلن مې ه خود عمر پتو لو پمیر
 خه کی مې دخپلی کور سید
 د رواغو پتو لو په خاطر مور ته
 وویل :

مور جانې ! زه تراوسه
 پوری لا زېږېدلې نه مې هکله چس
 وزېږېدم بېاد کالیزې خبره کوه .
 مور مې له خنجه راته وویل :
 " وې بچمه ! داته خس وایې ه
 نن سجاد لسوخاوند کسېری
 او بېاد خبره کوی ؟ "
 زه لېر موسکې شوم او خواب مې
 ورکړه .
 ښه وایم ه که ته رشتیا هم
 پنځه ویشت کلن مې ه نوداس
 یې پوه له چس زه لاتراوسه نه
 مې زېږېدلې .
 مور مې چس خپلی اشتهاه
 ته متوجه شوی وه له خا په
 پاخېده او یوازی دو مړه یې وویل
 " رشتیا مې زمانه خرابه شوی
 دده ه که نو زوی خنجه مور ته
 دا خبره کوی . "

مرښت

براتی وروسته دد وه درې
 مياشتوپه یونور خبرات پېښ شو
 د واره ئې خان کوچ ته کسې
 ترخو درې نفری غوری په یوازی
 سره ووهی ه همغی چس وایې
 پېس پېسو راخی د طالع
 پسر طالع راخی ه لیکه دبراتر
 دلس دم دخیرات آشیز راخوت
 نود ستر کویه ستر گرکید و سره
 د فورس دغوښو دت قاب پسر
 غوری اسانه شو ه براتی هم
 خوراک تمداسی دوام ورکړ چس
 ته به وایې دخوړو لو په کوهسه
 مسا بقه کی یې گدون کړی و ی
 او د پلو همنخ دیوست مې
 رډنه کړ همپشه و چس په دستر
 خوان بانده ی او رداورد ووز پد
 اوبه لسوتوبی په زینل کې وا
 چا وه اود شفاخانې به لوری یې



نوی ستوری

وایې چس " بېره زما وای
 یې د ملا " خوزما په زېره کړ
 د واک خبره له دی هم پسر
 ورتیره ده . په کور کې د ماش
 مانو له مورخه نیولی بېاد د
 تر تا پېستی پوری تېښول زساد
 پوری واکداران دی .
 کوه ورځ چس بېره ونه خړه
 اود فتر ته لار هم ونه پید
 دستر همکاران راخس مخ اړ و
 او پاهم ننخ په نیمه راته وایې
 چس ولی دی بېره رسيد لس

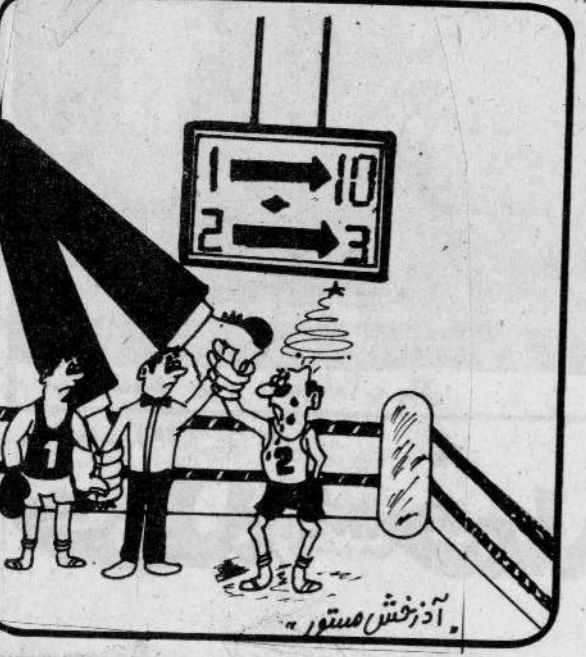
د یا توگی

بوت هغه چس وایې مور په
 درې ډوله دی : یو هغه مور
 پسی که په نوس یې پریاس لکه
 لایو خنخ خوری ه بل هغه چس
 تر یوی مياشتی پوری یې اړ مې
 بد ولی اود نیم هغه مور چس د
 خولی نه یې مرض دانه و خوړلاش
 خودا مورنخ په نیمه کومانه
 لار ه په شفاخانه کی داکتر نورس
 ته وویل :
 " یودانه تابلېت ئې په خولسه
 کی او به کړه . "
 براتی لکه مې ډیره نشه
 یې کړی وی ستر کی ووه برانستلی
 او پوری پوری ئې وویل :
 " که مې په ستر کی د پوتابلېت
 خای وای نو ولی مې نور یو پچی
 او د پسه غوښه نه خوړله "

غوره شوی معلومه

تېت قد په کتارونه لسوړ
 پوری .
 په شرو مهوکه چاغېدای ه
 غوړکه به چاغ شوی وه .
 د ایمان زوال دروغ دی
 دتو تو زوال دروغ دی .
 گناه په خپله کړی ه لعنت
 په شیطان وایې .
 غله ته هر بوتی مسر ی
 دی .
 په خپله خرنه لری د پل
 په آرمپوری خاندی .
 خره ښکر کپل غوړونه
 یې بایدل .
 پتوی اوبیان اوخی تېت
 تېت .
 اوزه له لیه تختیده ه
 د قصاب کره یې شپه شوه .
 پېشو چس خوب ونسی ه
 چوموزک په خوب بکی ونسی .
 اول مېزه به نوسه هاو
 چس نوس یې نوتېنگه یې نوسه
 پکړی .

د فیل په غورکی وید ه پشی
 تن سپاسی واسطه ه فیلسف
 او خپلوی ولری ه نووړ کسری
 یې خوره .
 مگر تمخود ایو هم نه لری ه نو
 بېاداله کومه شول .
 ساده خانه ! یو باجه مې
 په میخا براتوکی غت سړی دی ا
 بل په ښاروالی کی وښه لری
 کاکا خسر مې د پېښنا په
 ریاست کی باشی دی اود او پو
 رسو لو په ریاست کی مې دوخته
 همصنغیان کار کوی .
 اود کور د پاره دی خه
 سرشته نیولی ده ؟
 سرشتی مې خوشکی درته
 وویل چس تولی خلاصی دی .
 د دغا سناد و په در لو دلسو
 سره ښاروالی مجبوره ده چس پوه
 نومره لیکه راته را کړی ه خک
 چس تلهفون ه پېښنا ه تل او د
 صفایې کتابچه مې کوره نه وی
 " د دیالوگ په پای کی دی
 دلوستنو نکو له خواد قهرگی دغه
 سند ره وویل مې چس وایې :
 " رايخه چس پوه جوړه کړچو
 نکره په خنکل کی ه خود یاد
 ولو وړده چس په خنکل کی دی
 په کابل کی وویل مې . "



تازه های دانش

چاقی اطفال و بیماری قلبی

دوکتوران بر این باورند که بیش از نیمی از کودکان چاق در بزرگسالی نیز بیش از اندازه چاق خواهند ماند و در نتیجه در معرض خطر بیماری های قلبی و دیابت قرار می گیرند در این رابطه روزنامه واشنگتن پست در بخش بهداشت خود نوشته دوکتوران متخصص اطفال معتقدند چاقی بیش از اندازه باعث درد سر در بزرگسالی است. این دوکتوران معتقدند عدم خذیه صحیح مصرف بیش از اندازه مواد چسبناک مانند شیرینی ها و شکلات و چاقی بیش از اندازه در دوران طفولیت و بزرگسالی می شود دیگر تلویزیون از نظر فروش کت های تبلیغاتی هیچ مزه یعنی بر سایر رسانه ها ندارد.



اجرای تکنیک تیمو و سانهاال آه آپ چاکی

حمله و فتل حمله

تلویزیون بدون اعلانات

برای خلاصی بینندگان تلویزیون از اعلانات فراوان تجارتی اخیراً جاپایی ها دستگاهی ساخته اند که به کمک آن تماشاچیان تلویزیون در فواصل برنامه های خوشی خود نگاه نکنند. این دستگاه (۱۰۰۰۰۰۰) نام دارد و تا به حال ۱۰ هزار عدد از آن در کوریا جنوبی به فروش رفته است. در این رابطه تبلیغات جی ها ساخت تکران شده اند زیرا اگر رفتار باشد بیننده تلویزیون به راحتی از مزاحمت اعلانات ناات تجارتی تلویزیون خلاصی شود دیگر تلویزیون از نظر فروش کت های تبلیغاتی هیچ مزه یعنی بر سایر رسانه ها ندارد.

حای مثل آپیرین

گروهی از دانشمندان در ایالات این ادعا می کنند که نوشیدن چای در سلاطین انسان اثر مثبت دارد. چای معده دار و مازان چای آن به دنبال آزمایشاتی اعلام کرده اند انواع چای تخم تره هیزیت در خون را تحت فشار قرار می دهد. تجمع تره هیزیت یکی از مراحل اولیه انسداد رگ انتقال خون از قلب است. تاثیر چای به دلیل وجود مواد مختلف رنگی در آن است. این مواد مانند اسپرین برای جلوگیری از لخته شدن خون مؤثر است.

اصول کوریایست که سابقه چندین هزار ساله دارد و در کشور جهانیه آن در کشور کوریا جنوبی در شهری به نام "کوکی وین" است و این - یک کاملاً مبارزه می محض است که حرکات نمایشی در آن کستر به چشم می خورد مگر سبک تکواندوی هیانگ که در کشور چین المپلی آن در کشور کانا دا می باشد سابقه هژده ساله دارد و سبک کلاسیک تکواندو می باشد. حرکات نمایشی آن به شتر از کاراته الهام گرفته است درجه موج تکواندو درجهان به عنوان کاملترین و خوشترین سبک رزمی در میان سایر هنرهای رزمی شناخته شده است. عبدالناصر هرتکی صرفاً از کمیته ملی المپیک تقاضای است تا بخاطر منجم ساختن کامل -

گلور در وی رانسارد و گنگیریک

بادرمان صحیح کلودرد (تیز - رقی یک پنی - لاین) منابع بروز عارضه قلبی است. این استن تو کوکی یکی از بیماری های نسبتاً شایع اطفال در سنین ۱۰ الی ۱۵ سالگی است که شروع این بیماری در رصول پاییز و زمستان حدود ۱۰ برابر بیشتر از فصل دیگر است. عامل این بیماری "استرپتوکوک بتاهمولیتیک" گروه A می باشد که به راحتی بر اثر تماس نزدیک و توسط ذرات معلق در هوا، از راه دستگاه تنفسی به فرد مستعد منتقل می شود. یک تا پنج روز پس از ورود میکروب به بدن، علامت بیماری به صورت تب ناگهانی، گلودرد دل درد، استفراغ و گاهی لکه های جلدی شبهه مضمک ظاهر می شود که پس از مراجعه به طبیب در معاینه حلق و

به پنی سلین، از تزریق آن خود داری کنند، زیرا بر اثر عدم تزریق پنی سلین تجویز شده توسط دکتر فرزندان آنها ممکن است مبتلا به تب روماتیسمی شده و دچار عارضه قلبی - روماتیسمی گردند که تا آخر عمر طفل را گرفتار و احتمالاً زمینگیر می کند که در آن صورت دیگر پشیمانی سودی نخواهد داشت. در همین جالزم به تذکر - است. چنانچه اگر کودک مبتلا به تب روماتیسمی باشد، باید به تب روماتیسمی ناشی از آن توجه کرد. برای پیشگیری از تب روماتیسمی، از تزریق ماهانه پنی سلین طبق تجویز دکتر به هیچ وجه نباید خود داری شود، زیرا با هر بار خود تب روماتیسمی، اگر عارضه قلبی وجود نداشته باشد ظاهر خواهد شد و اگر همین بیماری وجود داشته باشد تشدید می گردد. از آنجاییکه در اطفال کمتر از پانزده ساله حساسیت نسبت به پنی سلین بسیار کم است، لذا میتوان به مشوره، دکتر آنرا تزریق نمود در این صورت نیاز به تب روماتیسمی نیست. جلدی نمیشد.

هر روان این رشته که حد و - عقناد کلس همین اکنون - ترین این ورزش را میگردند - راسون را ایجاد نماید، زیرا - زمانیکه یک ورزشکار به صورت کلی از آمون ورزش تکواندو موفق بد می آید مجبور است تا از کشور دیگری کمر بند این ورزش را به دست بیاورد که این مسئله در روانیت امر اگر خطا نکته باشم احساس می شود - لیتی محض در برابر ورزشکاران است. ماه قضا به کمیته ملی المپیک پیشنهاد می نمود تا بار دیگر خوشرا به اصطلاح "به کوچیه" حسن چپ نژده "پیشنهادات ورزشکاران را به مثابه جزه از فعالیت های مربوط به خوش بداند در غیر آن کمیته ملی المپیک یعنی چی؟

بچه از صفحه (۲۳) - **هینوتیزم** - انسان بر صورتنا خود آگاه - شخص حاکمیت دارد و آنرا تحت کنترل قرار میدهد در حالی که خواب مغناطیسی ضمیر ناخود آگاه را بیدار ساخته - کمیته میدهد و از آن طریق هر چه خواسته باشد به شخص تلقین میشود به شرط اینکه با کتر "معمول" این تلقین موافق باشد. "معمول" در حاله خواب مغناطیسی میتواند برای خود و دیگران پیشگویی کند. در حاله بیداری در باره آن موضوع چیزی نمیداند و حتی چیزی را بخاطر آورده نمیتواند.

آرزوی تان چیست؟ - آرزو دایم عده برای اینکه یک ورزشکار یک تاز و متواضع در رشته کانگوا باشم اولیس - دکتر روانی باشم که از طریق تلویزیون بتوانم روزی هیولنا غمخیز را تدا وی نام - لگه همچنان عمدتاً از ریاست - محترم صحبت روانی تمنا دارم از کسانی که به هیئتیزم دست یافته اند در تدا وی میباشان شان طلب همکاری نمایند. - آيا شما حاضر استید در - صورت تقاضای ریاست صحبت روانی با آنها همکاری کنید؟ - بسی - آخرین گفتی تان چیست؟ - آخرین گفتی من اینست که: زنده کی خون من میخورد - فخر اقبال رایگانی نیست.

سفر به آمریکا و شوروی

دانشمندان امیکانی و شوروی در نظر دارند تا یک گروه بین المللی زبانی بر - رسی کو مین ارسال دارند این برنامه قبلاً قرار بود توسط امیکانی ها صورت گیرد اما شوروی ها نیز حاضر شدند در این پروژه و همپوشانی هر دو شوند. هزینه این برنامه بر - هشی بالغ بر ۱۰۰ هزار دلار است و مطالعه ای است که توسط چهار پرفیسور ۲۰۰ دانش جو صورت خواهد گرفت. طبق این بررسی اقرار - است یک دستگاه مداري جد - بد ساخته شود که خرج آن معادل ۳۰ میلارد دلار است. از زمان کشف لنوز در سال ۱۹۶۰ توسط (امپان) دان - نشمند امیکانی این پدیده مراحل پیشرفت و تکامل را به سرعت پیوسته و طی می سالی اخیر لنوز از اتاقهای ایزا - یشگاه ها وارد زندگی روزمره مردم شده است.

یکی از زمینه های جدید لنوز طراحی دقیق قطعات - صنعتی با روشی شبهه بسنه نوی فتوکپی به بعدی است. این روش که بایوند - رشه انفورماتیک (۰۰) پلیمرهاوت لنوز در صنعت جوشکاری و برش قطعات ضخیم فلزی نیز استفاده می شود. درصن حال هم اکنون لنوز هائی با قدره بیشتر بسن ده تا پانزده کیلووات در از - مایشگاه های مورد استفاده و تراریس گرد و آخرین تحول در این زمینه برنامه نصب یک لنوز ۲۰ کیلوواتی در مرکز فنود تملیحاتی در آرکی فرا - نه است که قسمه ان بالغ بر ۲۰ میلیون دلار است.

تخصصی ورزشکار

فرجام عالی و پیشگام عالی

حالا پدرم یک دایم الحسب است و مادرم دیوانه و بیستیمان

امروز کسی در من فریاد -
 میزند . یک نیروی جدا از من
 مرا به نوشتن وامیدارد .
 میخواهم در مورد سوزن
 و حشرات بی جایی سوید
 مادرم بنویسم . زیرا این مساله
 خانواده ما را به باد فتنه داد .
 آرامش زنده گی ما را بر حمانه
 به هم زد . حالا شب و روز من
 در گریه يك كابوس است . از همه
 زنان و شوهران از همه
 مادران و پدران میخواهم تاقصه
 خانه ما را به دقت بخوانند زیرا
 در آن درس بزرگی نهفته است .
 مادر بزرگ حسودی نبود .
 همیشه بالای کپه کتین چپزی
 بهمانه میگرفت . همه وقت مرا -
 قب حرکات و رفتار پدرم بود
 اندک ترین تخمیری که در حرکات
 پدرم میدید بالای ایش ایستاد
 میگرفت همین که در مهمانی
 ها و موسی ها پدرم را میدید
 که باد و مستش ربا خانم دوستش
 صحبت میکند فوراً عنکبوت -
 حشرات و سوزن در دلش
 تار می تنید . وقتی به خانه می
 آمدند سهل بر مشها و پر خاش
 هانتار پدرم میشد . بیچاره -
 پدرم در چنین حالات خاموش
 میماند . زیرا مادر را زهاد
 دوست میداشت . اما مادر -

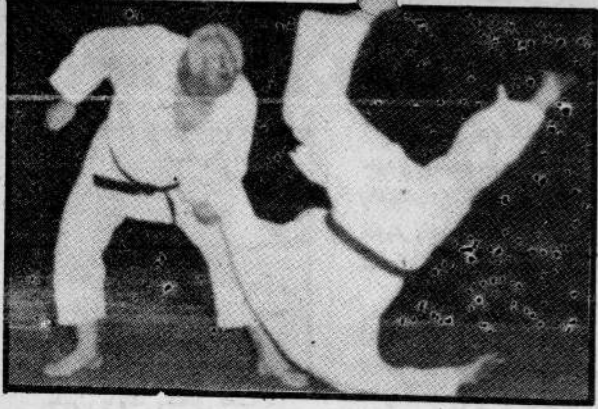
ندانسته توشه به ریشه سعادت
 خود و همه مامزد . در فرجام
 بهمانه صبر و حوصله پدرم تپس
 شد . روش غیر انسانی مادرم با -
 عت گردید که پدرم به مشروب -
 پناه ببرد . بیاد دارم آن شب
 هرد و از عروس برگشته بودند .
 پدرم نشاء بود . به مشکل
 تعادلش را حفظ میکرد . به -
 مجردی که داخل اتاق شدند
 باز مادرم شروع کرد : " بگو آن
 دختر کی بود که چند بار در چوکی
 مقابلش شستی و کتیش کتیب
 زدی و خنده کدی . پدرم که
 سرش را به پشتی چوکی تکیه
 داد بود چند لحظه سوی -
 مادرم دید و بعد از جایش
 برخاسته از الماری يك بوتل -
 مشروب برداشت . آنگاه مرا
 صدا زد او گلاس میخواست .
 من از ترس ماندم بود مهربانم
 گلاس را با قهر از دستم گرفت .
 آن را پر کرد . دوس و سوسو
 راهم بایک نفس سر کشید . من
 دوباره به اتاق آمدم در دستم
 افتاد خواب به چشمهایم نمی
 آمد رفتم چسبیده به کلکین
 ایستادم . باز صدای مادر بلند
 شد که میگفت : " او شرابی خود
 مهربانی و عشق دخترک ده -
 سرت زده ؟ " پدرم نتوانست

تحمل کند آن وقت بوتل را با -
 شدت تمام سوی مادرم پرتاب
 کرد . بوتل به دیوار اصابت کرد
 پارچه پارچه شد . چهره پدرم
 از قهر و غضب زیاد کبود شده بود
 بی حال روی چوکی افتاد .
 چشمهایش مانند دو کاسه خون
 بود . نمیدانم مادرم آهسته
 آهسته چه میگفت که يك بسا ر
 پدرم غضبناک روی چوکی نهم
 خیزید . و با شدت تمام بر مادرم
 فریاد زد : " اوزن روی خدا ره
 ببین . زنده گی ره سر خود و مه
 د وزخ نگیردان . " من عقیب
 شیشه کلکین گریه میکردم . آبی
 آنها من برادر مرا اصلاً به -
 حساب هم نمی آوردم . بمسد
 مادرم خیلی بی اعتنا از جایش
 برخاسته زهوراتش را بالای . موز
 آرایش گذاشت و با بی اعتنایی
 روی تخت خوابید . من به امید
 آن که دیگر مشاجره آنها به پایان
 رسیده . به بستر رفتم . تانیه
 های شب خواب به چشمهایم
 نمی آمد . اشکها با لاشتم را -
 نرم میکردند .
 صبح به امید این که مشله
 چه آن ها خاتمه یافته از بستر
 خاستم . اما بعد از نوشتن
 چای بگو مگوی آنها دو بساره
 آغاز شد . مادرم میگفت
 وقت با آ خر چهره او را از
 لای کفن دیدم . يك چشم او
 نیمه باز بود . زنها میگفتند :

و در میان عشقش گریه
 می گفت : " اکه بوتل به سرم -
 می خورد ؟ " بعد مشاجره
 تند تر شد تا آن جا که یکبار پدرم
 فریاد زد : " بس اس دکه زن -
 هر چه حد و اندازه داره . " -
 مادرم بی اعتنا به فریادهای
 پدرم و چهره های رنگ پریده
 و تن لرزان من و برادرم گفت :
 " دکه نمیتوانم کت تو زنده گی
 کنم ، طلاق می بینی . "
 این دفعه مشاجره آنها
 دو سه روز ادامه داشت ، گریه ما
 و مدخله قوم و خویش همیش
 نرفتاد . بعد آن دوباره محکم
 رفتند و خیلی آسان از هم جدا
 شدند . من برادرم با هم
 ماندیم . مادرم نزد پدرم مادر
 خود رفت . برادرم ۸ سال
 داشت . از وقتی که مادر ما را
 ترک کرد ، در بدین درمانی بنه
 جان برادرم افتاد . همیشه در
 آنتر تب مسموخت مریض او
 ۴ ماه ادامه داشت و يك روز
 هیچ که لحاف را از رویش
 برداشتم دیدم که چشمهایش
 به سقف اتاق مانده اند . شاید
 او تاب جدایی مادرم را ندا -
 شت .

او دیده به راه مادران . -
 بیچاره طفلک دل انداخت
 وقتی جنازه را میبردند مادرم
 آمد . مانند دیوانه ها بود .
 خواست خود را بالای جنازه
 برادرم بیندازد مگر پدرم -
 برایش اجازه نداد . با خشونت
 او را از خانه کشید و نگذاشت
 که روی پسرش را ببیند . از آن
 حادثه یسسال میگذرد . من -
 تک و تنها بدون هیچ خوشی
 ماندم يك سایه لرزان . -
 بدون امید زنده گی میتم . در
 حالیکه دختری به سن و سال -
 من به محبت والدین چنان -
 ضرورت دارد ، مانند گل به -
 آب آمان از محبت هرد و
 محروم . همیشه با خود میگویم
 چنین است فرجام سعادت و -
 سوزن که کانون خانواده کی
 ما را بر باد ساخت ، ما آواره
 شدیم خندیدن و خوش بودن
 را فراموش کردیم .
 حالا پدرم يك دایم الحسب
 است و مادرم پشیمان و من بسا
 چنین پدری زنده گی میتم
 و با چنین زنده گی میازم و -
 مسوزم .

مغلوب ساختنی بدون ...



جودو کاهلی را ازین برد .
 و ذوق جودو بهدار کنند .
 ای نیروی کار در نهاد
 ادبی است .
 باید متذکر شوم که در جودو
 اشخاص قوی و کم قوت شانس
 مساوی دارند . و برای
 خانها يك وسیله تدافعی
 بسیار خوبی است . این
 ورزش نخستین مرتبه از کشور
 چین نشأت نموده و در -
 جاپان انکشاف یافته است .
 مفهوم جودو اصلاً از کلمه
 "جو جو سو" مشتق گردیده .
 و در پهلوی جودو شعبات
 دیگری نیز از آن جدا شده
 است .
 قابل یادآوری میدانم
 اینکه :
 موفقیت در جو جو سو بهایه
 کار بردن زور ، قوت و خشونت
 ممکن نبوده ، بل با مهارت
 زهره گی هنرمی و ملاحظه
 میباشد که جودو بعد هابسه
 صفت يك ورزش بی خطر
 از جو جو و سو مجزا گردید .
 س : چه نانی که تعمیم شد ،
 جودو از جمله ورزشهای رزمی
 به حساب میروند تکنیک و
 تخنیک آن با سایر ورزشهای
 رزمی چه تفاوتی به هم
 میسراند ؟
 ج : انگاهیکه جودو از
 جو جو سو جدا گردید به شکل
 يك سهورت مستقل سهورتگامیل
 خود را پیود از شعبات
 دیگری چون کاراته اکیدو و
 تکواندو و کیودو و کتدو و کسا
 نودو و هایوسامی هاگیناتا
 و کوزاری نانا که همه با تخنیک

های رزمی انکشاف یافتند
 و شامل بازهای المپایی
 گردیدند . مشکل میباشد .
 زیرا جودو و عاری از هرگونه
 ضربات و جراحتات
 صدمه ها و خطرات بوده
 مانند کشتی چنگکی سمست
 شمال کشور يك بازی بی خطر
 و خوشایند میباشد .
 از انبیه گفته آمدیم احتیاط
 می گردید که جودو يك سهورت
 رزمی نبوده و تخنیک های آن
 شامل پرتاب ها و محکم گرفتن
 خفه و تاب دادن مفاصل است
 که هیچکدام برای ورزشکاران
 در اجرای مسابقه خطری را
 ندارند . تخنیک های این
 سهورت به طور کلی دو مسابقه
 عملی می شود اما از سایر
 شاخه های این ورزش که
 احتمال خطر در آن محسوس
 است بطور کامل عملی نمیشود .
 ویژه گهای عالی این
 سهورت در این است که زن و
 مرد در اجرا و بهیچر دانه
 سهیم شده میتوانند تفاوتی
 به هم ندارند .
 س : چند نوع تخنیک در
 این سهورت وجود دارد تحت
 کدام نامها ؟
 ج : جودو در یک
 کودوگان که اولین استنوت
 تحصیلی جودو در جهان
 است و در توکو مرکز جاپان
 فعالیت دارد متشکل میباشد
 از :
 تخنیک پرتاب ها ، به زمین
 زدن و تخنیک محکم گرفتن
 و ...



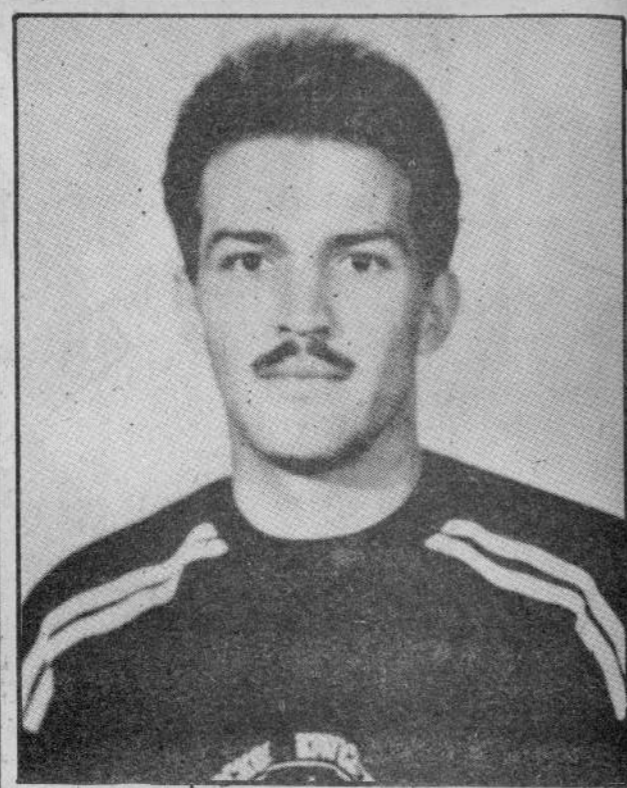
آرزو دارم همیشه قهرمان بمانم

چندین سال است که بود انهای ورزشی کشور میزبان ختران ورزشکار نبودند است با وسد آینه سالها قبل تصهای دختران ورزشکار در سطح کشور غوغای رابریا نموده بودند اما به یکباره گسی دامنه آن چنان پیده شد که نشانی از آن باقی نماند و خود شبخفته در راین روزها در کالبد بی روح ورزشی دختران روح دمدمه زنده گشته است به هموسن منسو ر پای صحبت یی از قهرمانان بد منتون محترم میا میرو ورزشی در انستیتوت پولی تخنیت کابل غنوتیمهای ملی بد منتون وپوسنت پانک منشیهم میخوانمهم که در مورد خورد ورزشی چیسی گفتنی دارد

مناجان اگر موافق باشوید پرسشهایم را طرح میثم

باکامان مول خیر آن پیزی را که در دستم دارم برای شما باز دو مینایم بعدا با شوخی عریغی میگویم نشود که سوال غنای منش را از من صرح نمایید

بغیه در صفحه (۸۲)



است اما در کشور خودمان نیز در مورد دستاورد های ورزشی تان به عزیز خواننده این صفحه معلومات بد هید

اگر د فین گفته باشم تقریبا هشت مرتبه به خارج از کشور سفرهای ورزشی داشته ام که نتایج همه یی آن ها بر ایسم قناعت بختر بوده است

سطح ورزش کشور را با ورزش سایر کشورها چگونه یاقتمید

طبعا سطح ورزش سایر کشورها نسبت به کشور خودمان بلند تر است زیرا تجهیزات ورزشی امکانات و زمینه های مساعد جهت تمرینات در اختیار آنها قرار دارد که فالت عملا به موقعیت و پیشگامی همین مو سوغات



فوتبال را دوست دارید یا نه؟

مجله با اعلام رسول رحیمی عضو تیم ملی فوتبال کشور

فوتبال ورزشیست بتکی بر تخنیکها و تکنیکهای زیبای هجویم و حمله یی که این ویژه گیهایش موجب گردیده تا عدد فوتبال از جوانان خوش بوشماری از ورزشکاران را در دامن خود بچرواند از جمع جوانان ورزشکار و با فبالیست ممتاز صمیمی و علاقه مند سر سخت فوتبال غلام رسول رحیمی مواجه شدم که مصاحبت را با من پذیرفته به سوالاتم چنین پاسخ ارایه کرد:

چرا از میان سایر ورزشها فوتبال را برگزیده اید؟

آزادی که فقط يك تماشاچی بودم در وقت زده یی این ورزش شدم به مرور زمان در وجودم علاقه یی نهایت نسبت به این ورزش به وجود آمد به همین سبب بعد از تمرین متواتر و پشت کار خودم از هفت سال به اینطرف به عضویت تیم ملی فوتبال کشور پذیرفته شدم همین اکنون در خط مهاجم تیم ملی مسروف بازی میباشم

مشخصات يك فوتبالیست خوب در جرمسان سابقه چیست؟

در گام نخست يك فوتبالیست باید آراسته باد حیلین عالی

مغلوب نمودن بدون اسلحه

این نجیب زاده ها صنعت جودو را بعد ها به طرز بهتر و اصلا حتر به هموسنسان خویش و جهانپان پیشکش نمود

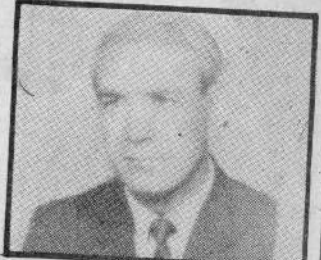
جهت آشنایی بیشتر ارجمند خواننده یی این صفحه مصاحبه یی را با محترم نظرمحمد نیکزاد ترینر تیم ملی جودو انجام داده ایم که دران میخوانم:

س: جودو به نوع ورزشی بوده و در جهان چه سابقه یی دارد؟

ج: جودو یکی از بهترین ورزشهای بدنی و یک واسطه انکشاف فکر و سرعت در عکس العمل و تمرین وجود واخذ قدرت عالی جسمی بوده که سابقه در صفحه (۶۷)

بنابر روایت بعضی کتب در اوایل سال ۱۶۵۰ یکتفسر تاجر چینیایی موسوم به "نصرت گمین" در یکی از نواحی توکیو بنام اکوزای صنعتی را به سه نفر از نجیب زاده های جاپان آموخت که با استفاده از آن می توانستند دیگران را بدون استفاده از اسلحه مغلوب سازند

یوگورو کانویکی از شاگردان



دان دو" و ترینر تیم ملی توانندی پو سه کلب هدایت مییابد بهتر خواهد بود تا در مورد گفته منای خود تر را با هم بخوانم:

از سال ۱۳۶۲ که مدت دو سال از تمریناتم در ورزش بوکس سپری شده بود نظریه محاسبه همه جانبه از استعداد و توانایی فیزیکی وجودم به نگو اند و رو آوردم و بعد از سپری شدن یکتیم سال موفق بعدر یافت کمربند سرخ شدم

باید بگویم که این رشته را بطور مکن و منظم در کشور ایران فرا گرفته ام ابتدا به کاراته شو توکان که یک سبک جاپانی است و متعابا به کانفو تو و در آخرین مرحله به تکواندو پیوسته علاقمند شدم که همین اکنون این رشته را با علاقمندی دنبال میباشم در جرمسان آموزش در کشور ایران مسابقات را با ورزشکاران ایرانی اجرا نموده ام نتایج همه یی آنها برایم قابل محاسبه میباشند زیرا در اثر موقعیت من در مسابقات کمربند سیاه وان دو

بغیه در صفحه (۶۵)



حمله ضد حمله

کلام شهبویی دارد و بهان فصیح و او را از نزدیک دیدم فنون تکواندو و آیین ورزش معاصر را به قدر توان واستعداد خویش در ذهن متمرکز ساخته است

این جوان آراسته پاتوری و پراتیت ورزشی عبدالناصر هوشنگ دارند که کمربند سیاه

تواریخ بر سر زبان

صدای موزنم • آنان خروشیدند و گفتند :
 عالم ... حتی يك نام خوب برای او انتخاب نکرده ای زود باش به خاطر این اهانت بصری کب " صد افغانی " دیگری جرم بدی •
 صد افغانی دیگر هم از سن گرفتند • نفر سوس که معلوم میشد وتر نداشت پرسید :
 - غذای این حیوان را چطور به او میدهند ؟
 گفت :
 خودش میخورد •
 آه چی آدم بی بند و باری •••
 بهادارشه را نداشت به اویدی با تواریخ گفت •
 - نخبر ••• چی خیال کردی •
 اید ••• رشقه را هر روز با پتاس پرفکتات می شوم •
 انهن ••• جای او خراب نیست؟
 نزدیک بود بگویم که در طول میخوابد اما از ترس جرمه گفتم :
 اتاقش پاک و عفاست • در رز -
 مستان بخاری برقی و در تاسا -
 بستان برایش کولر میگذارم •
 - آبی که به او میدهند چگونه است ؟
 - همین آب معمولی است پس که خود ما هم می نوشیم • اویدید بطرفم دیده گفتم :
 - ظالم ••• حتی آب را جوهر هم نمیدهی ؟ •••
 وارخطا شد چو گفتم :
 - بسیار معذرت میخواهم نمی فهمیدم که این حیوان چای هم میخورد •
 - جای لازم نیست •
 - طرف هایش چگونه است ؟
 نزدیک بود بگویم گویا است اما

مورا گفت :
 - شمشه بی •••
 اما فکر باغچه که حتماً نا -
 شکن باشد •
 - اتاق او چیزی کم ندارد ؟
 از ترس جرمه شدن گفتم :
 - يك راديو گيت برایش گذاشته ام که موسیقی بشنود ولی اگر شما امر میکنید برایش يك تلو -
 یز یون هم میخرم •
 او سوش را تکان داد و گفت :
 - خوبست ••• برای انبساط روحی او بد نیست ••• منتها فکر باشد که بعضی برنامه های تلو یز یونی بسیار خسته کن و -
 تکراری است • گفتم : اگر تکرار میگوید فرض بفرم کرده ویدیو میخرم • گفتند :
 - لازم نیست ••• دیدن زها د به طرف تلو یز یون چشمانش را ضعیف میکند • آنها با مهر -
 بانی به سرو روی مرکب دست میکشیدند •
 وترتر باز توصیه کرد :
 - وقتی که برایش رشقه میدهی باید دست هایت را با صابون بشویی گفتم :
 - اگر فکر میکنی دستهای من کثیف است رشقه را بعد از این با قاشق و پنجه به دهنش میدهم •
 فقیر جان اهی کشید و گفت :
 - دوستان عزیز در همین وقت من از خواب پریدم از عرق پهرانم ترشده بود بعد از آن عهد کردم دیگر در فکر چنین چیزها نباشم •

با درن خانه زن را رسانیدند • نوریه ظهرا از آنکه محمد نسیر به بلای راسر سر آورد نراسه • در یک کج دکان آرام میگرد • محمد کریم مالک دکان محمد نسیر را از -
 گوتکی موسی و اف میسازد •
 به اتفاق هم این زن گره را از دستش کشیدند •
 بالاخره زن را صبح رها میسازند • نوریه بعد از پرسیدن و جویان • به رهنمایی پت زن راه خانه اش را در پیش میگرد اما به خانه شوهرش میروند پس به -
 منزل کانا شوهرش پناه میبرد •
 بعد از جستجوی شوهر زن - دستگیر میگرد اعتراض می کند • ونشک دیناریکه شوهرش را برآورد به سرفه هشتاد هزار افغانی نموده است که نوریه آن را در بریان تحویل خود کرد •
 مرد راست • اما اینکه اصل قضیه چه خواهد بود • به خواهد شد ؟
 به مسوولین میازره با جرایم جنایی ولایت کابل ارتباط میگرد •

سر راه در آن پای پیوند مقدس از دواغ و پاشوازان طفلان کند شمره بی این پیوند مقدس میسازد در میان است • زنی بنام -
 نوریه که یکسان عمل با نسیری به نام نسیر در صفره مقدسی نشیند و سوخته پایداری را بر سر دکان میاورد نسیره دایمل بر اساس و ویرا خوسیر دو بار مورد لطف و توبی قرار داده -
 است راه فرار از منزل شوهر را راغب در قریه کلخانه ناعیه • نسیر در پی میگرد و به عرف شهر میباید • نوریه که حسنی عاصفه مادری این را زیر پانهاد و طفل بار ماهه را راگ و منزل رسان کرده مدت چار شبانه روز را در منزل اشغال مختلف و -
 ناشناس سپری میسازد بالاخره در یکی از روزها باید سرساز به نام محمد کریم رو برو میشود محمد کریم زمیتره -
 زن را به بهانه آنکه به منزل شوهرش در دوباره میسازد راه -
 تایمن را در پی میگرد و در -
 یکی از دکانهای رنگرزی -

اوراخواهر خواهد داشت بدفشارکند

هوس را بر خودکش ترجیح داد

کوه بارشانا کید براسین نقطه شده است تا شوهران نسبت به خانهایشان راه -
 انعطاف را در پیش گیرند تا از این طریق بتوانند به رازها و اموال درونی زنان پی ببرند • اما میبایست تمهادهای از مردان را که

بهبانه آنکه زهمه خوب زندگی برای شقیقه موسر نیست ویرا به منزل خود • در مکرور بیان میبرد در دختر سر روز به بهانه آنکه به دیدن مادرش میروند از خانه کاکایر بیرون می شود به -
 رهنمایی خواهر خوانده از این سرویس به آن سرویس یا در دوران ونگرانان این های مختلف شهری معرفی می شوند به حدی که شب بخارا با دیوان ونگرانان سرویس های کلون

اقترا • متوجه شده و دیدی اینه در دوران پس های شهری با نصب دستکارت های رنگارنگ و پوشه ستاره های طلوع و شبنم کت های موسیقی از باج • تا شام عده بی را میزد و -
 عده بی را ناراضی میسازند • مجد وین آنها همان جوانست های کوتاه اندیز میباشند •
 بهایید این قبیله را که دختر یازده ساله بی بنام شقیقه با شنیده ناعیه یازدهم شهر -
 کابل مرتکب گردیده است باهم کاکایر به موسوع پی برده به

درد هلیزهای معالجه می خور

معالجه می خور

چی خیر است

بیوهی که بیوه نبود

زن طرف به این میوزید را زن بیوه وانمود میسازد بالاخره از هر کج تقاضا میکند تا با هم یکجا زندگی کند زیرا هیچ کس را ندارد • آنها یک حیوانی را به کواچه میگردند و مدت شش ماه را در آنجا مشورت سپری میکنند بالاخره بالای موسیقی بنامیات شان برهم خورده و -
 کتبه کی های میان شان به وجود می آید • در یکی از روزها سگینه یا استفاده از نجات پس یکل دخترش آینه را که دوازده سال دارد از خانه فراموش میبرد و مدت یکسال سگینه از هلسان بنظره لا درت میشود به اشرف -
 جستجوی مسوولین کشف جرایم جنایی سگینه دستگیر می شود اما از اختطاف دخترت -
 در رازده ساله خویش را پس می خیر وانمود میسازد و موضوع خالب اینکه سگینه زن بیوه نسیره زن شوهر دار است که شوهرش در کوال متقاعد قوای -
 مسلح میباشند سگینه تا آنوقت -
 به جرمش اعتراف نکرده است اما خواهد گواهی میدهد که جواز اختطاف کننده آینه دخترش هر کج سگینه کسی دیگری نیست

چنانچه بر همه هود است عد من از زنان جوان مانعیت به شهادت رسیدن شوهران شان بی سرپرست شده اند و آنها مجبور اند تا برای فرار هم آوری همیشه فرزندانی بتم شان در پی جستجوی کار بیاورند • اما دیدم شده است که یک عده از زنان با وصف آنکه شوهران شان حیات اند بخاطریه یک ترحم مردم رانیت میسبیه خویش برانگیخته باشند خویش را بیوه بی کن معرفی میاورند با هم این چال و فریبک پت زن را میخوانم •
 دو سال قبل از امروز -
 هر کج زن بیوه بی که با خود چند طفل قدرتمند داشت پلخمری را به قصد دریافت کار به طرف کابل ترک میکند و در -
 دستگاه ساختن هلسندینه صفت کارگرا اشغال وظیفه میسازد و زنان بخورنر چینه طفل بتم خود را از راه حلال به دست میاورد • در یکی از روزها با زنی به نام سگینه رو برو می شود بعد از مباحثت و -
 گفتگو با هم معرفی می شوند

مصاحبه از نگین

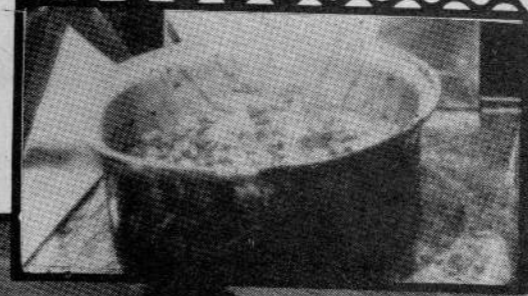


صدیق مخترع و اختر اعانت جدیدتی کتاب در چند ثانیه

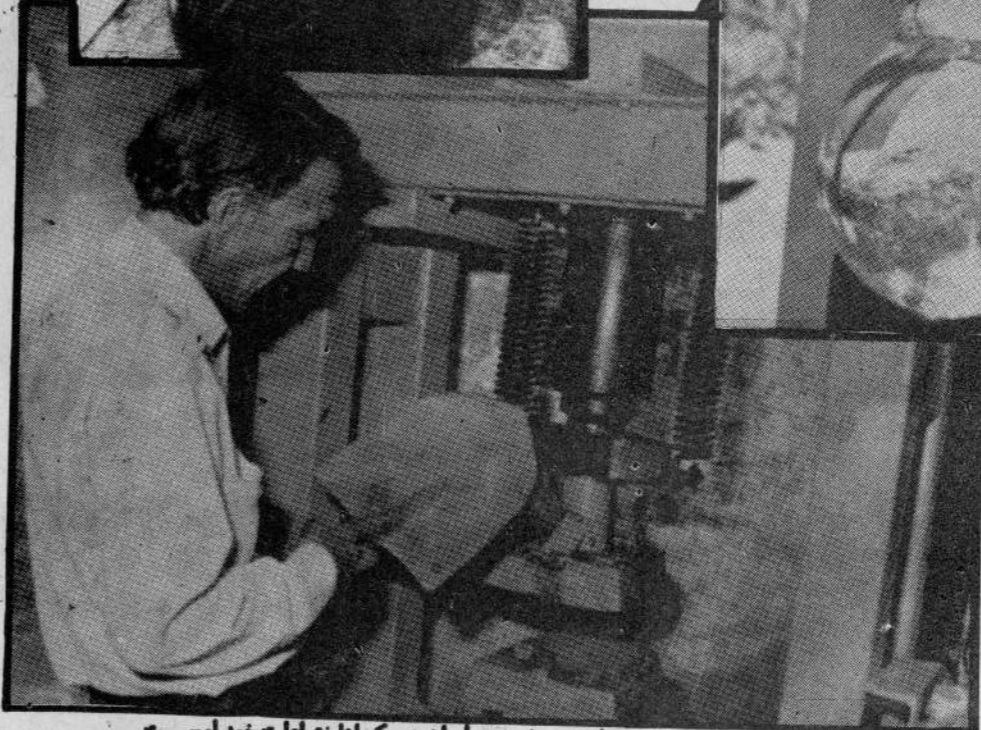


صدیق مخترع در چند ثانیه گوشه را با زاویه مخصوص اتمه کتاب

تنگ مخصوص که صدیق با زاویه مخصوص کتاب در طرف نیم ساعت در آن قرار میگیرد



گوشه را با زاویه که صدیق از آن به جای کوکورد با سکره استفاده می نماید



صدیق صرف بی ساختن میل توسط ماشینی که از اختراعات خود اوست

چندی پیش صدیق مخترع به اداره مجله سیاهین امداد و خواست تا در مورد اختراعاتش چیزهایی را به نشر رسانم. اداره مجله سیاهین این که توانسته باشد با بی کفایتی رانجام دهد روزنامه آه جرد به واد بود و تلویزیون را در جهان گذاشت که اینت مصاحبه آنرا با خبرنگار مجله سیاهین می خوانید:

باز هم غمگین است باز هم دلزانیات آن غرض است باز هم میخواهد نهاد کند - صدیق مخترع که ساکن در ای را با نهیدستی گذرانیده است اما هنوز به اختراعاتش ادامه میدهد.

مرد عصبیست، چنان مادانه صحبت میکند که گوی سالیهاست با او می شناسم، مرد بیست متوسط قامت با چهره استخوانی و لاغر اندام این بار خودش به دفتر ما آمد بیست از سلام و علیک مختصر چو کفایت اختیار نمود و با همان تپ مخصوصش یا را بالای پا قرار داد و نشست خیلی مظلومانه حرف میزد. بعد از لختی درنگ پرسیدم حتماً اختراعات جدیدی را انجام داده اید؟ در حالیکه دستهایش را با هم میمالید گفت همیشه آرزو دارم که برای وطن و مردم خدمت را انجام دهم که حلال بعضی معضله ها

باشد و هموطنان ما بتوانند برای سهولت کارشان از آن ها مستفید گردند. بعد با هم به طرف چاپخانه لوازمش را گذاشته بود راهی شدم.

صدیق قبلاً همه وسایل را مقابل آفتاب گذاشته بود تا آماده تجربه باشند نور تابستان همه درواش حلقه زدند.

بعد صدیق مخترع شروع نمود به کار.

ابتدا یک مقدار گوشه را که برای کیاب و یخچن شورا آورده بود توتی نموده بعد در بین دیگ، گوشت را با یاد لانه انداخته و سر صندوق شیشه می راکه از هر چار طرف با آهن احاطه بود بست و برای یک ساعت به زاویه معین مقابل آفتاب گذاشت.

بعد ۹ خمیری را که خود آورده بود در دیگ نان پزی قرار داد که برای پختن نان و دیگ خمیر را نیز در یک صندوق که بالای از شیشه و چهار اطرافش از آهن بود گذاشت. تا گشته نمائید که بالای هر دو صندوق یک یک آینه بگذارید تا نور آفتاب در مقابل آفتاب صدیق سیخ پوز گوشت را بالای تشت آهنی که روی آن از زردیق پو شانیده شده بود به زاویه مخصوص در مقابل آفتاب قرار داد. پس از لحظه کوتاهی

همه متوجه شدم که از گوشه دود بلند میشود، تا ناگهان همه در حیرت فرورفته و لبخند میزدند زیرا در مدت پنج ساعت هفت دقیقه کیاب پخت شد. اما این اختراعات را برای دیگران هم می آموزد؟

در حالیکه سروروش را از عرق پاک میکرد گفت: بلی کورسی را برای علاقه مندان اختراعات و ابتکارانم که اگر علاقه به یاد گیری آن داشتند ایجاد نمودم ام که هشتاد نفر به آن مراجعه نموده اند.

دین کورس چه چیزهایی را شاکردان می آموزند؟

دین کورس اختراعاتی همچو گرم نمودن آب در حمامها پخت و پز غذا، گرم نمودن اتاقها با در نظر گرفتن زاویه آفتاب تولید آب از آفتاب، ذوب نمودن هر نوع فلز به درجات مختلف با لونی که میتواند توسط آفتاب چند کیلو متر فاصله را طی کند.

آیا حکومت برای ایجاد این کورس با شما مساعدت ها می نماید؟ در حالیکه زهر خندگونی از چهره او نمایان بود گفت: بالاخره به خاطر پیشبرد این کورس همه مردم عالم و ده جلد کتابچه برای تدریس این کورس در تمام نقاط گریه در حالیکه من همیشه خواسته ام تا زمته خوبتر کار برآیم

ساعت کرد زیرا هر دم خدمت برای اجتماعت نه برای خودم. چنانچه چندی قبل به منظور ایجاد یک ورکشاپ به یکی از مراجع ذمه صلاح رو بردم در آن جا نه تنها حرفهایم شنیده نشد بلکه توهین هم کردیم. پرسیدم آیا این گوشه پر خورده ها شمارا دلسرد از کار نمی نماید؟

در حالیکه چشمانش از حده برآمده بود گفت: باور کنید در مقابل چنین برخورد ها ان قدر دلسرد نشدم که دلم میخواهد نهاد بترسم و ان چه راکه اختراع نموده ام ازین بهر و ذوب تمام باری صدیق اتقان گفته بود: (آنچه راکه تاکنون اوست که ام از برکت نام صدیق است اختراع است یعنی زمانیکه تا او جوانی به شرف بودم و نام صدیق مخترع را شنیدم همیشه ذهنم مشغول اختراعات او میشد. آرزو میکردم روزی من هم بتوانم از همین طریق خدمات شایسته ای برای هموطنانم انجام دهم که همانطور شد.

آز ۳۰ سالگی شما کارهای او ارتباط داره؟

خود را اختراع ساخته ام که در صفحه (۸۵)



داوینکو سمندر

داوینکو به خیو کی من دردونه بسادوم
 داخیل خمیری گهوان ته سیلابونه مادوم
 برحال من هیس خاندی زمانه او کسه تقدیر
 چی وئی بره مان نیاسی مینونه بسا دوم
 بیلنو ته ستاله لاسه دا جهان واره تورم شو
 به تورو نیوکی هیس شه الو نه بسا دوم
 داوینکو سمندره ای و داستاستو خپو کسه
 دم د یاسه خم کی طوفانو لسه بسا دوم
 و هیس مستو نیکی خیار ساتی بسا زاری
 ((ژوی)) ستادنی گونی پر هرونه بسا دوم

دعمونو نو پوه چیو کی

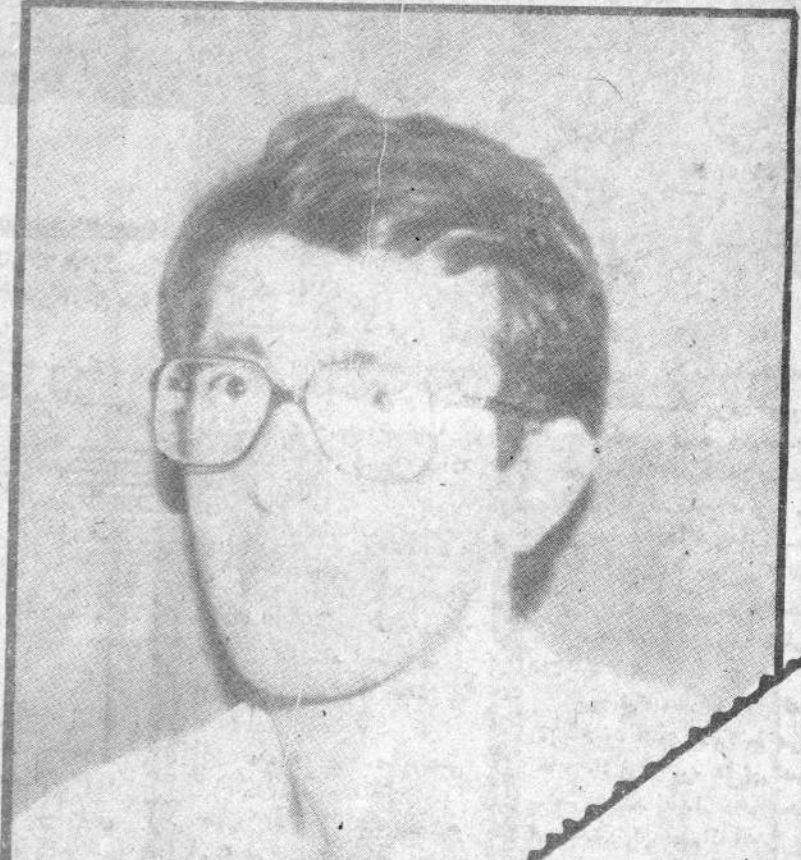
زبه سپاه دنجونیه په لسه
 کی هغه بیخله ده چی لسه
 خلو و کلو نورایه دیکخوا
 کس لکی اوله دورو کلو
 راهیسی شمروای
 زبه وایس چی پوره دولس
 کاله دناروی په بستو کس
 پوره و او خلو واری دمرگ
 شربولی تللی ده - هسی
 دپوی پو بستن په خواب کی
 داسی وویل:
 ((لکه دنورو نچو نویسه
 شان تری پره وخته پوری لسه
 کوره نی سمانتو نو سوه مخا
 من زه زه زه کوره نی لپاره
 شمرویل نه کار نه ووه خو
 ماد لیکو او شمرویلو لمن
 پری نه بوده او دای او د
 غه کاره هخول کنه
 دینتو شمرا نو په لسه
 کی د حافظ او ددی شعره
 نوخه دتعارفاسی له اشعارو
 سوه خامه بینه لره
 زبه سیا غواری چی هپوته
 ورته و نه دشعریه زه لسه
 نیل کوکل غصه زاوایس

د عبدالاکبر

عبدالاکبر از سیمها و تانیاک
 شعر امروز جوانان است که
 تقریبا در راه و رسم ویژه هسی
 شعر میسراید و دارای نقطه
 نظرهای بسیار تازه نسبت به
 هنر میباشد - او سه سال
 بیشتر به شاعری پرداخته
 و اینک چهار مجلد «اماده
 ولی چاپ نشده دارد»
 آگاهی یافتیم که عبدالاکبر
 از مدت یک سال به انتظار
 به خاطر شعر دست به قلم
 نبرد است و وقتی درین مورد
 او او پرسیدم در پاسخ گفت:
 هنوز هم در ایستاد ایمن
 سکوت خایوشم
 در شعرهای وی که ظاهرا
 به وزن شاملی می باشد دیدیم
 وافق تازه و شگفتی نسبت به
 اشیا و پدیده ها و روش های
 جاری هستی به مشاهده میر
 شد
 او میگوید در باره شعرهای
 چیزی گفته نمیتواند اما به
 الهام ناگهانی باور دارد - بدون
 الهام یک مصراع نیز سروده
 نمیتواند
 شعری از عبدالاکبر به نام ماور
 کج را با هم میخوانیم:

من در خانه بی چشم کشودم
 که کلید در انتراد در دهان مار زهر ناکسی
 گذارد و بودند
 وان مار
 در دست وسط خانه به دور خود پیچید و بود
 و من از کنار خانه
 فریاد میزدیم

 با هم جنگیدیم
 مار



دعوتبران - دعوتبران

با آنکه مسجد جامع بزرگ شهر هرات جایگاه مقدس مذ هب است، مگر از چندین نگاه طرف توجه علاقه مندان علم و هنر قرار میگیرد. زیرا در این جایگاه مذ هب هنر و صنعت و مهندسی و سنگتراشی و میناتورنری و کاشیکاری خوشنویسی و گچبازی و ... در بخشهای بهمانند یافته اند.

آنچه بر عظمت و شکوه بیشتر آن مینافذ اینست که علاقه مندان علم و هنر هر کدام شیکار بهوا و طرافت های آنرا به رفته و بهر خود وابسته میدانند و حق بجانب هم استند.

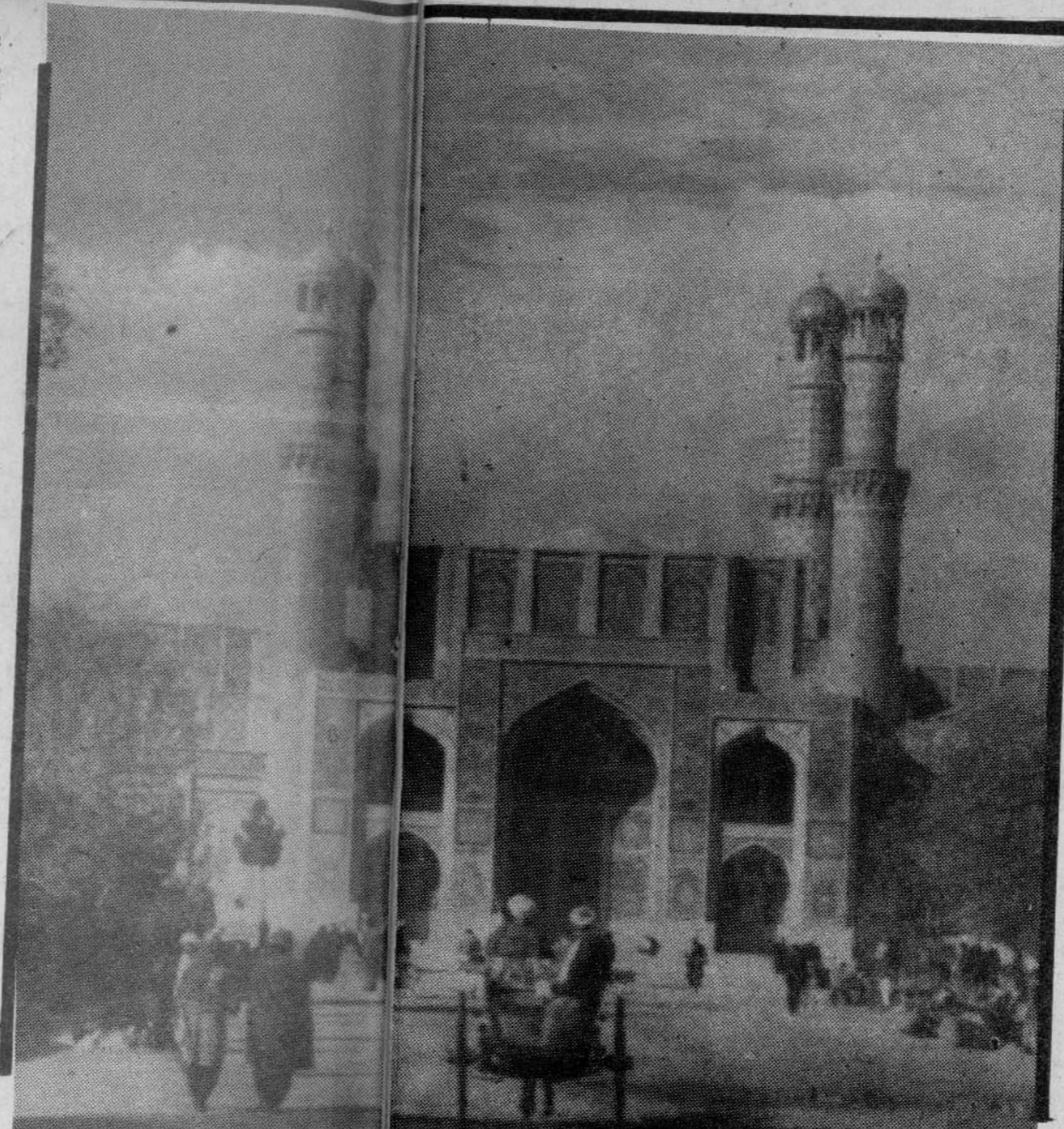
با اینکه نخست جدا از مذ هب بودن این جایگاه - مسجد جامع یک طرح و اثر بزرگ مهندسی و معماری است. با بهره کبهای سبک مهندسی اسلامی (Islamic Architecture) این طرح به نظریه ساخته شده است که در آن Fundation کافی و لازم داشته و در آن و در آینه نیز خواهد داشت. دور نیاها و نیاهای دوری و بهر وی نیاها بهر چه کسی و بهر وی دارد. چنانکه دور نیاهای شهر هرات با مسجد جامع آراسته و دلپذیر گفته است و سهای شمسی مخصوص به آن داده است.

از سلمات بهره کبهای دیگر منحصرا به گردان اینست که هنرها و صنایع مهندسی و معماری کاری و سنگتراشی و نقاشی گچبازی و آلا خوره جلوه های هنر و ادب پنجم خوب و خوش با طرح مهندسی آموزش یافته اند. با اینکه همه اینها در مینو با یکدیگر طرح مهندسی را اینها بهر ساخته اند. بکار مهندسی از تناسب خوب و هماهنگی کافی و تکرار معین کانتراست (تفرق نمایان) لازم و تضاد مؤثره که لازمه هر اثر خوب هنری میباشد. بهر چه در آن قرار میدهند.

یکی دیگر از برجسته گی های آن موفقیت صنعت سا - ختمانی بهیچ یک شیکار دیگر است که ظالبا با در نظر داشت مواد ساختمانی کار شده (سنگ خست پخته و سارو) آن زمان واز نگاه محاسبات ستاتیکسی و ایکنات موجود اعمار چنین واحه های بزرگ با ارتفاع بسیار (۲۰ متر = ۱۵۸ م = ۵۱ م) عرض (برای عملا) بسیار دشوار بنظر میرسد. با آنکه گمان نمیرود که محاسبات ستاتیکسی بهر چه معادل به امروز صورت گرفته باشد. در حالیکه مهارت و عظمت ساختمانی آن با این شیوه و مواد سنگی انگیز هم است.

آنچه درین نوشته مطرح میشود اینست که آیا انکشاف و انکشافات تاریخی و مهندسی این مسجد او صاف و خصوصیات اصول وابسته به خود در راندها میکند. یا بهر هرا هکی میگذرد؟ پیدا است که سهای کوشی آن در گذشته های دور و نزدیک - چنین نبوده است اما این نکته در تحقیق اینست که بهر چه پیش از امروز انکشافات معماری و مهندسی این بنای تاریخی و مهندسی با الهام از سبک مهندسی بهر چه هماهنگ و متوازن با آن صورت میگرفته است. هر چند اندک - بیگانگی هائی از اثر در کارها رخ میداده مگر هرگز به بیگانگی دهه اخیر نبوده است که در بعضا تا کنون نیز ادامه دارد. اگرچه طرح های جدید و انکشافی باید متناسب با طرح گذشته و بهر چه آن وادامه دهند. بهر چه کبهای آن نیز باشد و از زمان پدید آید خود هم حکایتی داشته باشند.

این گوناگونیها با طرز و طرح های بیگانه در آثار تاریخی بهر چه بهتر نمایانند بلکه از اهمیت تاریخی و هنری و کاربرد آن بقدر کافی کاسته و آن را از لحاظ هنری و مهندسی در یک سبب قیمت نامساعد پراکنده و نا آشنا قرار میدهند.



این طرح های انکشافی بیگانه در دو بخش درونی و بیرونی مسجد جامع بدینگونه بکار رفته اند:

۱- بخش درونی:

الف: - سنگتراشی جدید و نیمه کاره صحن و مسجد درونی مسجد بجای فرش خشتی قدیمی سا آنکه به تناسب صف و مشون و مساحت لازمه هر نماز گذار - تقسیم بندی شده اما از رنگارنگی و تون سنگتراشی (سبک و سبک) اثر بخشی و هماهنگی لازم را با عناصر اصلی مسجد دارا بوده نمیتواند. شاید استفاده و بکار برد نوع کاشی با رنگهای یکدست تر بهر دیوارها و کف کشته ها - (صافی ها) بکار رفته در تری کب آن مؤثر تر میباشد. و از سوی بعید پنداشته میشود که تقابل و تفرق (Contrast) بتواند جای بهتری داشته باشد.

اگر از فراز نام مسجد جامع در زمینه ژرف نگریسته شود این انگاره نادرست جلوه می کند که تقابل و تفرق پدید آور زبانی بهر چه پدید آمده و باز با بودن دستگه مجبزیگانه شی سازی در مسجد جامع مورد نیاز نمیتوانست به آمانس در دسترس قرار بگیرد و بهر چه از همه این صحن بزرگ که دو تا پستان بیشتر مورد استفاده

قرار میگیرد. داغ شدن - سنگتراشی کاربرد هم آن را مورد بهر چه جدی قرار میدهند.

ب: - وضو خانه دارای دو قسمت درونی و بیرونی است. بخش درونی از نور کافی طبیعی برخوردار نبوده و امکانات نور رسانی دیگر هم فعلا مرسوم بالای آن یک طرح بیگانه از مسجد است. بخش بیرونی حوضی دارد که در بیگانگی مطلق با محیط خود قرار دارد. آب سرد و بخش زینت پوشش فضایی نیمه باز قرار دارد و در واقع کشتزار چمنک ها و نباتات آبی اند. این مسئله عدم لزوم چنین شیوه بکار گیری وضو خانه های بهر چه از لحاظ صحن میان میدارد. در شرایط معاصر اینگونه مسایل با استفاده از امکانات جدید آبرسانی بهتر حل شده سنی تواند.

الف: - پارک در واقع باغ مسجد بوده با بهر چه شهر وندان و رهگذران در اوقات فرازادی نماز و دیگر مراسم و ارتباطات چه رهگذران چاده های اطراف آن همواره مشاهده اش میکنند. بهر چه محیط تفهنگانه نیز از آن استفاده شده و از لند سبک (Landscape) با تزیین ساحه ضعیف برخوردار.

دار است. چون این جایگاه را عامه مردم احترام زیاد میکند ازنده و بهر چه بنیاد بوده که انکشاف و آبادی های جدید آن در محراق توجه و علاقه مندی مقامات قرار داشته و از همین سبب ساخته ها و انکشافات آن (از هر چه منسب) است. بجان اینکه دارای یک چشمه آبی و انکشافاتی مهندسی باشد. چون انکشافات این بخش هم در بیگانگی مطلق از سبک مهندسی مسجد شهر نبوده است. بنا بهر چه نا آشنا است. قسمت را ملحق و متعلق به مسجد فکر نخواهد کرد. در چند دهه اخیر در این پارک کارهای تزیینی انجام شده است.

الف: - احاطه در دوره حمله در مرحله اخیر کتاره و ادخال های فیزی ناموافق که احاطه یک مسجد و بهر چه این مسجد بوده سنی تواند بالای احاطه خشکی - بهر چه کار شده است.

ب: - حوض های وضو گیری دارای نل های بد شکل چمنی و بزرگتر ساختمانی بیگانه و دارند. چمن ها.

ج: - اتاق واتی هم دارای بزرگتر صنعتی نیا.

بقیه در صفحه (۸۴)

مسجد جامع هرات

نما و دور نما

هدف عمده :

مفاصل ران و قسمت های خارجی ران ها را سفید ساخته و موجب تقویت شکم میگردد .

تبصره :

توجه کنید که پای دراز شده باید تا که میتواند - استوار نگه داشته شود . تا جاییکه توان دارید این پوز را برای مدت طولانی نگه دارید .

تمرین پایه کمک دیوار

هدایات :

- ۱- طوری ایستاده شوید که پشتتان به سوی دیوار باشد .
- ۲- تنفس کنید و پشت را به دیوار چسبانیده و فشار دهید .
- ۳- نفس بکشید و ساق پای راست را تا سطح لگن خالصه بلند کنید . پای تان باید نرمش و ارتجاعیت داشته و زانوهای تان راست باشد . این حالت را برای مدت (۱۰) ثانیه نگهدارید . عمیقاً تنفس کنید .
- ۴- تنفس کنید و پارا به حالت اول پایین کنید . استراحت کنید و پارا عوض نمایید .

فوتوی شماره (۴۰)



هدف عمده :

ماهیچه های چار سرولگن خاصه را سخت میسازد .

تبصره :

در موقع بلند کردن پا میتوانید با چسباندن دستها به دیوار توازن خود را حفظ کنید .

تمرین سطح

هدایات :

۱- شکم را روی فرش بچسبانید و دراز بکشید طوری که دستهای تان در کنار تان قرار داشته باشد و هوله رانها را لگن خاصه هموار کنید .



فوتوی شماره (۳۸)



38

هدف عمده :

بطن را خرد و ثابت نگه میدارد .

تبصره :

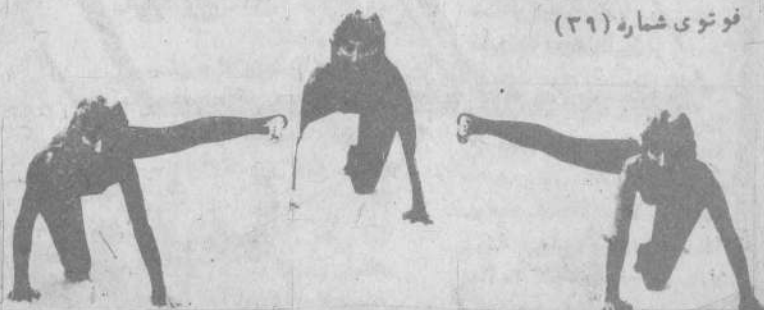
موقع نفس کشیدن و بلند شدن توجه کنید که شکم را بداخل فرو ببرید .

تمرین بلند کردن پا

هدایات :

- ۱- روی پاها وزانوها تکیه کنید .
- ۲- ساق پای راست تان را به یک جناح به طرف خارج دراز کنید . پای تان باید ارتجاعیت و نرمش خودی را داشته باشد . ولی پای دیگر تان باید روی فرش - محکم و استوار باشد . نوک انگشتان تان باید موازی با شانه های تان باشد .
- ۳- کمر به طرف چپ مایل شوید و ساق پای راست را بلند کنید . عمیقاً تنفس کنید و همین حالت را برای (۱۰) ثانیه نگهدارید .
- ۴- آهسته آهسته پا را پایین کرده و استراحت کنید . پارا عوض کنید .

فوتوی شماره (۳۹)



یوگا

- ۲- تنفس کنید و در همین زمان قسمت علیا و سفلی تنه را بلند نمایید. کمر را قات کنید و به بالا بنگرید. این حالت را برای (۱۰) ثانیه نگه دارید. عمیقاً تنفس کنید.
- ۳- نفس بکشید و به تدریج به حالت اولی برگردید. یکبار دیگر این تمرین را تکرار کنید.

فوتوی شماره (۴۱)

هدف عمده:

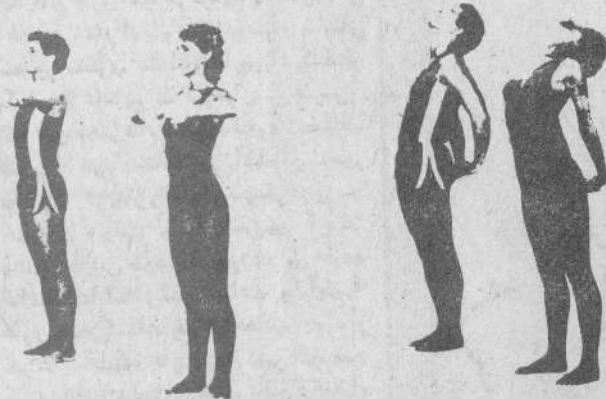
سینه، کمر، ران ها، لگن خاصره و شکم را تقویت میکنند.

تبصره:

این بزرگترین تمرین تقویت کننده عمومی بدن است.

تمرین فشار و هم آشنگی

هدایات:



- ۱- با راحتی ایستاده شوید.
- ۲- کف دستها را به هم محکم بگیرید و بازوها را تا سینه بلند کنید. آرنج های تان را قات نگه دارید.
- ۳- عمیقاً تنفس کنید و بعد نفس بکشید و کف دستها را بهم بفشارید. این حالت را برای (۱۰) ثانیه نگه دارید.
- ۴- خود را آزاد سازید و تا شمارش چهار استراحت کنید. تمرین را بار دیگر اجرا کنید.

فوتوی شماره (۴۲)

هدف عمده:

سینه و بازوها را سفت و متناسب میسازد. این تمرین به صورت خاص برای بند دست و مساعد نهایت مفید است.

تبصره:

موقعیکه کف دستها را بهم میفشارید سعی کنید عضلات سینه نیز فشرده شوند.

تمرین های درانت

هدایات:



42

- ۱- روی دستها وزانوها اتکاء کنید.
- ۲- زانوی راست تان را به یک جناح به طرف چپ بپسرون تا که میتوانید بلند نمایید. توازن و کنترل را حفظ کنید. این حالت را برای (۱۰) ثانیه نگه دارید.
- ۳- ساق پارا تا حدود شش انج پایین کنید و این حالت را مجدداً برای (۱۰) ثانیه نگه دارید.
- ۴- آهسته آهسته پارا پایین آورده تا بحالت اول برگردد.

استراحت کنید و بعد تمرین را با پای دیگر مجدداً آغاز نمایید.

جنگی اصفهان

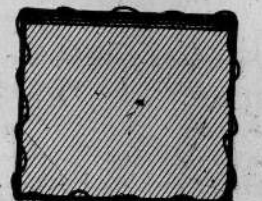
نوشته بود من اگر عطار را بلبوی فروش هم بودم
برای تو آلبوی فارس را که یگانه داروی -
بیماری تو می باشد منی فرستادم تا از آن
مرغی بمیری و نواده چنگیز در جهان وجود
نداشته باشد .
و صول نامه مزبور مرا خشک کن کرد و
دانستم که سلطان منصور مظفری پادشاه
فارس مدتی است مغرور و خود پند و
نادان چون اگر نادان نبود در جواب -

من راجع باصفهان که می گفتند قدیم
ترین شهر عراق است بیزها غنیده بودم
و میل داشتم که بروم و آن شهر را بمیانی یکی از
علل حرکت من از خراسان در فصل
زمستان بسوی ماوراءالنهر این بود که
در بهار سال ۷۸۰ هجری برای غنیمت
بطرف عراق آباد میباشم و بتوانم خود را به
اصفهان برسانم من نمیدانستم بعد از -
اینکه باصفهان رسیدم چه خواهد کرد و
آیا عازم فارس خواهم گردید یا نه ولی
اطلاع داشتم که باید روزی سزای سلطان
منصور مظفری سلطان فارس را در کفلو
بگذارم (توضیح - در تواریخ فارسی
نام این شخص شاه منصور مظفری است -
مترجم) شرح اختلاف من با سلطان منصور
مظفری از این قرار است: در سفر دوم -
خراسان و وقتی وارد آن سرزمین گرد -
یدم حال من خوب نبود و پزشک من عقیده
داشت که کسالت از کرم می باشد و اگر آلبوی
فارس بخورم کسالت رفع خواهد گردید در
خراسان آلبوی فارس پیدا نمی شد من
گفتم که تو از سلطان منصور مظفری بخواه
که با کاروان - ریح السه را را به برای تو
مقداری آلبوی بفرستد .



بینی

بازگشت



من آن نامه را ننوشتم در همان روز که نامه
مزبور من رسید تصمیم گرفتم که روزی دماغ
سلطان منصور مظفری را بخاک بمالم ولی
تا وقتی عراق را نمی گزفتم نمیتوانستم خود
را بفارس برسانم زیرا بطوری که گفتم یک
قشون بزرگ نمیتوانست از راه کوه ایسران
عبور کند و در راه جنوب عراق یعنی نزد
کسریان و فارس برساند .
وقتی بهار سال ۷۸۰ هجری فرارسید
باید قشون یکصد و بیست هزار نفری از ماوراء
النهر براه افتادم و وارد خراسان شدم
من قشون خود را به واحدهای چهل هزار
نفری تقسیم کردم و فرماندهی دو واحد
را بدو سپهر خود واگذار داشتم فرماندهی واحد
دیگر را خود برعهده گرفتم از طوس به
راهی عزم بسوی ری نمودم و من آن راه را
پیش گرفته بودم و اینکه بمقامتی برخورد

جاری می گردید آن شهر را مشروب می کرد
ولی دو سال قبل از این که من به ری بروم
در زمستان زلزله ای مهیب در هر بلوچه در
آورد و آن شهر بزرگ پس از چند دقیقه
ویران گردید و آرزوی غیر از ویرانه ای باقی
نماند عده ای از مردان و زنان که توانسته
بودند هنگام زلزله از شهر خارج
شدند و در قریه های اطراف پناهنده شدند
از آن پس چون باصفهان نزدیکی می
کرد بدم قشون کشی من وضع جنگی پیدا
کرد و دو طایفه بجلو فرستادم و من اول
دوم پنج فرسنگ و بین طایفه دوم و قشون
من پنج فرسنگ فاصله وجود داشت طایفه
ها و همپسین عقب در اوان موظف بودند
طرفین را به راهم تحت نظر بگردانند تا
از جناحین غافلگیر نشوم از روزی که من

وارد ری شدم راه اصفهان را بستند و
شتم هیچ کس بسوی اصفهان نبرد تا کسی
خبر حرکت قشون مرا بسوی اصفهان بان -
شهر نرساند من میخواستم اصفهان را غافل
گیر کنم تا اینکه مجبور به رفتن بدو نشوم
**اگر اصفهان بدون مقاومت از پای در میسر
آمد من میتوانستم راه فارس را پیش بگیرم
و سزای سلطان منصور مظفری را در کنار
بگذارم اما اگر اصفهان مقاومت میکرد
و جنگ طولانی میشد ممکن بود موقع قشون
نشی بفارس بگذرد گواهی کند بدو -
که هوای فارس گرم تر از هوای عراق است
پس از اینکه اصفهان را محاصره کردم
میدانستم که شهر مزبور از تنگی از یاد رنمی
آید زیرا علاوه بر زاینده رود که از -
وسط شهر میگذرد اصفهان در بطوری که**

فمن تابستان را با نیز خریه داری می نمایند
بدین ترتیب که در اوان راد رفس تابستان
ابتیاع میکنند و خیزم راد رفس را نیز و نظام
قطع درخت های خشک یا اشجار زائد خریدار
ری می نمایند لذا توانستارند استعبار که
اصفهانها به بزودی از کرسنگی از یاد آیند
ولی از ایام تابستان قصص در شهر آغاز
خواهد شد .
من نمی توانستم یکصد و بیست هزار سرباز
خود را تا ایام تابستان پشت حصار اصفهان
معرض کنم و علاوه بر هزینه قشون از شمال هم
خیلی ماضی نبودم من میدانستم که در -
خوزستان دشمنان سرسخت دارم که اگر -
بمن دسترسی پیدا کنند مرا با سخت ترین
شکنجه ها بقتل خواهند رسانند و نیز اطلاع
داشتم که در آن ریایجان پادشاه نوریست

کردن و بعد نبود به بوسیله نبوتی از
بلاد دیگر کتب خواهند . عادت کبوتر
این است که هر جا باند بسوی آنجا
پرواز می نماید و اثر کبوتر را در اصفهان
آسیان دارد در فاصله پنجاه فرسنگی -
اصفهان رها نمایند ، بسوی شهر پرواز می
کند و وارد آسیان خود می شود گاهی فکر
میکردم که محاصره اصفهان خاتمه بدهم
وراه فارس را پیش بگیرم و جنگ پادشاه فارس
بروم ولی من فهمیدم که قرار دادن شهری
مستحکم چون اصفهان را در عقب خود -
ورفتن بسوی فارس دیوانگی است چون شاید
راه مراجعت مرا قطع نمایند .
گاهی هم با خود می گفتم بما ورا ان شهر
برگردم و سال دیگر عزم اصفهان کنم ولی غرور
من مانع از این بود که بدو کشودن شهر
اصفهان مراجعت نماید .
در بهار ماه روزی از نزد هم جمادی الاولی
در سال ۷۸۰ هجری قبل از اینکه آفتاب -
طلوع کند و اندکی بعد از اینکه فجر دمید
صله بزرگ علما اصفهان شروع شد .
گفتم حصار اصفهان سخت فرسنگ و نیم
طول داشت و درای سصد برج بود و از -
پشت حصار را به عبور میکرد . هیچکس
نمیدانست آن حصار چه موقع ساخته
شده ولی بدفعات آنرا درست کرده
بودند .
پیشتر نماز قصبه (سده) برای نقل -
کرد که حصار اصفهان از طرف نوح پیمبر
ساخته شده و آنقدر حصار مزبور محکم است
که طوفان نتوانست آنرا ویران نماید و حتی
گفت که نوح پیمبر قبل از طوفان -
کشتی خود را در اصفهان ساخت و از آنجا براه
افتاد . ویران کردن آن حصار حتی به
وسیله احتراق باورت کاری بود مشکل برای
اینکه خیلی غصاحت داشت . معذرا برای
اینکه بتوانم زودتر شهر را تصرف نمایم -
مجبور بودم که حصار را ویران کنم و وقتی
از سربازان خود را وارد شهر نمایم وقتی
سربازان من وارد اصفهان شدند در تمام
آن شهر یک شب و یک قاطر و الاغ و یک
سکه وجود نداشت و سکه اصفهان تمام
جانوران را از فرط گرسنگی خورد بودند .
در آنروز گرسنگی سکنه شهر خیلی با
کمک کرد و اگر اصفهانها گرسنه نبودند -
بسهولت از یاد رنمی آمدند چون در -
مدت محاصره طولانی شهر اصفهان نشان
دادند که میتوانند مقاومت نمایند . پامداد
آنروز آفتاب در آمد و بعد از آن هوا مستور
از ابر گردید . و با ظهر اولین باران -
پانجمزی باریدن گرفت . و پیش باران ما را
از دست میکرد لکن بخت ادامه می دادیم .
ادامه دارد

بازگشت

هست و هرگاه امیر خراسان و امیر شمال
و پادشاه آن ریایجان با هم متحد شوند می
توانند یک قشون نوریست علیه من بسج -
نمایند . این بود من میباید هر چه زودتر
کار اصفهان را بپرستم . ولی صدای کلنگ
زدن ما توجه اصفهانها را جلب میکرد و طول
نمیدید که از بالای حصار مشعل هایی که
بطناب آویخته بودند نمایان میگردد و در سای
حصار را روشن می نمود و صد کلنگ
های گران سربازان ما فرود می آمد .
من از جنگ اصفهان یک آزمایش دیگر
تصمیم کردم و آن ضرورت تر بود
شاهین بود . و طبقه من وارد اصفهان
شد پیشا هدیه کردم که روزها دست
هاش از کبوتران در آستان شهر پرواز
میکند .
اهالی سده می گفتند که اصفهانها
خیلی به کبوتر علاقه دارند و از کودکی کبوتر
انرا تربیت و اهلی میکنند ولی من دانستم
که کبوتران مزبور سوله انتقال خبر از نقطه
ای به نقطه دیگر هستند . اصفهانها
بوسیله کبوتران زود پند شدن من بشهر -
مطلع شدند و خود را برای دفاع آماده

بردم شهرهای است و در هر نقطه که
زمین را حفر نمایند بآب مهربند ولی امده
وار بودم که گرسنگی سکنه شهر را از یاد
آورد لکن اثری از قشون محسوس نمی شد .
از سکنه قصبه (سده) پرسیدم مگر -
اصفهانها چقدر آذوقه دارند که دو چار
کمبود خواهد شد . سکنه قصبه مزبور
بمن گفتند که سرب اصفهانها این است که هر
سال در موقع خرم کوبیدن آذوقه یکسال
خود را نقد یا با قسط خریداری می نمایند
و در خانه جامه دهند و خیال آنها تا موقع
خرم کوبیدن سال بعد از حیث آذوقه
آ سوده می باشند آنها نه فقط غله یکسال را
یکجا ابتیاع میکنند بلکه در مواقع عادی
اگر کسی در بازار شهر قدری خوب یا
غله یا روغن خریه داری نماید معلوم میشود
که اصفهانها نیست زیرا اصفهانها خوبها
خانواده خود را بطور جزئی خریداری
نمی نمایند چون میدانند که برای آنها گران
تمام میشود . بنابراین اینک در تمام خانه
های اصفهان غله و حبوب و روغن هست
و حتی مواد سوخت آنها هم تا این سده زود
اصفهانها ذغال و خیزم یکسال راهم در -

احیای کتید

هند اصلاً تا عهد اردبیل چسرا که میگویند بخاطر ایزان بودن قیمت آن تا حیران ادویه به کپنی ها فرمایش میدهند که مثلاً امپلین ۵ ایتالیایی و کوئو امیکانول ۸ ایتالیایی تهیه کرده بفرستد اینک مواد آنرا از چی می سازد مهم نیست در همین رابطه است که نزدیک است ادویه های تولید شرکت هونگست و فارسی ساخت وطن که خیلی موثر و مفید است ایزان را بیافند بجای چهل

تابلیت ویتامین یا مسکن هندی ده تابلیت از همین نوع ساخت وطن موثریت بیشتر دارد در حالیکه قیمت آن نیز می تواند اقتصادی تر باشد اما متأسفانه در شرایط فعلی بنابر بلند بودن قیمت آن مردم ترجیح میدهند ادویه ایزان اما غیر مفید و آخر پداری نمایند اغلباً هشتاد پان بیسواد مردم مانی که از اطراف می آیند ادویه تاریخ تهر شده را بدست میآورند که حتی سبب

مسجد جامع کراچی

۱- مناسبت یادگاری (مونسو - منت) دارند وجود غیر ضروری
۲- تانک بزرگ فلزی برای ذخیره آب بالای دیوارهای سنگی بلند و کلفت
۳- تشناب های عامه و چاه همیق جدید (دوراز خصوصیات ماحه)
۴- حوض های تزئینی با ارتفاع بلند دیوارها و دارای دید دشوار که هیچگاه زیست بخش و ظریف بوده نمیتواند و نام هیچ سبک مهندسی را روی آن نمیتوان گذاشت

خدمات و عناصر بسیار شده بالای شده که در خارج احاطه متعلق به مسجد با استفاده از امکانات تکنیکی و با تفاوت ارتفاع (تفاوت بیش از ۲ متر در سطح) در زیر زمین بکار گرفته شوند تا هم سوا می مهندسی این بخش زیبا بهم نمیشورد و هم ناموس ترازان بدست میآید
همه و همه اینها اهداف خوب و شریفانه می بوده اند که جهت فراهم آوری تسهیلات بیشتر و بهتر برای مردم و آراسته و پیراسته ساختن این شاهکار جاودانی، از نگاه اهمیت تاری

مرگ بیمارشان میکردند
روپ با دنجان رومسی
کازندتها به اینسو ماجرای
دورود راز را از سرگذشتانده
است هنوز در انواع قلبی
خود وجود دارد به فروش میرسد
در اکثر منازل بخاری
ها و اشتوب ها و در اکثر جاهها
حاشین مؤثره خراب شده
اند چو که در تیل آب مخلوط
میکردند و این آب آفت
مانین الات است که جقدر
ضرور ارد خدا میداند آفتی
روغن های که با کچالو پر می
شوند همزگم
نیست اگر بخواهی برای ساعت
باراد بو پاکدام و سبک دیگر
بظری بخری حافظ من نمیش
ببوانی بخری امیل پد اکتسی
وس اگر انواع آن نقلی است
و نیز از چند روز کار میدهد
وسرگام باین
تتلب چه باید کرد
بدرست ساختن
مردم را از طریق اعلانات و تبلیغات

بلند پسر • شاروالی کابل
از تادرنست ن راکترو
کند باید جلو تقلب را بکسر
ترازی که بی انصاف است
ود وست وزن نمیکند ترازی
تصابی که پیش از وقت اندخاب
شده چرو دارد باید محازات
شود • اجناس فروشنده گان
باید در بازار چت شود آنچه
تا این گذشته و غیر صحت است
باید از بازار جمع آوری شود
و نظمه هر مشعری ماسست
که هنگام خریداری نیاز مندان
انسان را در انتخاب اشیا
و اجناس مورد ضرورت شان از
نظر درست بودن و صحت بودن
کم کنند آنچه ندهند که بدی
فروشنده های بی انصاف
خان به چشم خریدار ساد
بخورن باید پیا شد
لطفاً به دوستان و نزدیکان
همکاران و مسایان خود
بگوید که در خرید و در هر
خرید محتاط باشند چرا که
این بازار قلب جقدر رنگا
رنگ شده

یخی، مذهبی، هنری و -
مهندسی مسجد درست و چها
بکار بسته نشده اند و حتی
از ارج و بیهای مهندسی و -
هنری آن ناسته اند هرگاه
کسی به این بخش چشم بدزد
سهای یک مو سه ساختمانسی
فرا روی او سبز میشود تا -
الحاقیه یک مسجد نگرستن به
این واقعت آشکار می سازد که
یا مهندسی مین مراجعه نشده
و یا مهندسی روی بعضی عوا -
مل مجال و امکانی برای طرح
های موافق و موثرند استسه
اند
این گونه برخورد های -
شتابزده در برابر بنا ها و سا -
ختمانهای دارای اهمیت تاری -
خی فرهنگی و مهندسی و بیوز
در بارانکشاف مسجد جامع بزرگ
هرات فردایی نخواهد داشت
چنین مسایل از چندنگامزاده
برپاد شده می بالا زمان -
های اقتصادی زیاد رانیز
بار میآورد
۱- اعمار طرح های نا -

موافق
۲- تخریب همین طرح
های ناموافق در آینده روشن
فرهنگی
۳- پیاده نمودن طرح
های موافق دوباره در آینده -
روشن فرهنگی
بمنظور جلوگیری از برهم
زدن سهای فرهنگی و مهندسی
آثار تاریخی که در واقع بیانگر
تاریخ و فرهنگ هر جامعه بگونه
مادی آن اند و جلوگیری از زیان
های فراوان اقتصادی ناشی
از بیگانه بر خوزدها ضروری
و حتی است تا صلاحیت -
طرح و دیزاین و اعمار انکشاف
مهندسی آثار دارای ارزش
های باستانی و هنری به اهل
فن و مهندسی که به تاریخ
و اثر آشنایی و علاقه دارند داده
شود و باید هر اثر قابل ترمیم
و انکشاف دارای جنرال پلان
ویا دور نمای انکشافی باشد
و این مسئله ای است که اندک
توجه و دستوری به آن نبوده
است

بیار و جنتیالهای

خانواده شناسایی شده است، از نظر سایکو لوژیکی نیز استقرار حزب کانگریس که شخصیتها ی چون جواهر لال نهرو و اندرا گاندی و راجیو گاندی در راس آن قرار داشته کار بزرگی است و ضرورت به آن در رد تابه راه هنوز هم بیشتر و خویتر رهبری شود.

شرح مختصر زنده گی ناراسیمارو :

پامو لائوری و ینکاتانارا سیماراهو پی سیار مردی از جنوب هند است. او زیاده شناس هدا نشینند، ژورنالوست و حقوق دان، معلم و اداره چی برجسته است. آقای راو که به تاریخ ۲۸ جون سال ۱۹۰۷ روان هفتاد ساله شد چندی قبل مسوول لیت بزرگی را عهده دار گردید. او به تعقیب قتل راجیو گاندی به حیث رئیس حزب کانگریس اندرا را انتخاب شد. آقای راو زاده یک اداره چی یا تجریه است از روی مهربانی پی. وی صدا میزنند. همیشه کارهای کلیدی را چون مستهای وزارت دفاع و وزارت خارجه منابع انسانی، حقوق و صحت و تعلیم و ترمه هم در مرکز هم در زادگاهش ایالت اندرا پرادیش از سال ۱۹۶۲ به این طرف به عهده داشته است. همچنان او را اعظم ایالتی اندرا پرادیش نیز بوده

است.

موصوف در سال ۱۹۲۱ در یک خانوادۀ دهقان در محله کربننگرایانست اندرا پرادیش دید. به جهان گشود. او با معنویت بزرگ شده و طبیعت شاعری نیز دارد. آقای راو درسه پوهنتون درس خوانده که عبارت اند از: پوهنتون های عثمانیه، بیثی و هنگ کونگ و درجه لیسانس در علوم طبیعی را به حقوق یکجا کرده است.

پس شهرت و اعتبار او به ثابۀ انسانی که بنفدین زبان را میدانند سایبر استفاده ها و دستاورد هایش را تحت تاثیر قرار داده است. مهارتش در حرف زدن به دلسانهای انگلیسی و هندی سانگریت و تیلوگو، کانادا، امرای قاره سی مغربی و هسپانیوی و فرانسوی او را یکی از مؤثرترین وزرای خارجه هند و ستان نشانی کرده است. در پهلوی آن کارهای ادبی اثر نیز قابل ملاحظه است و جلایزه اول ساهیتیا اکادمی را به خاطر ترجمه اثر "ویشواناتاستهاناراینا" به زبان هندی به دست آورده است. او همچنان نا ولی را از زبان مراتی به تیلوگو ترجمه کرده است. ناول مذکور را نوشته

پسندۀ معروف هری نارایان اپتی نوشته بود و مورد تحسین فراوان نیز قرار گرفته بود. آقای راو برای شش سال در راس کمیته انتخاب جایزه جان پت قرار داشت. آقای راو هنوز در مکتب بوده که به سیاست رو آورد و در اعتراض علیه حکومت نظام که سرودن و آندی ماترام راجع قرار داده بود، در سال ۱۹۳۸ در کالج خود فعالانه سهم گرفت. به همین گونه او در

جنبش آزادی هند در سال ۱۹۴۲ سهم فعال داشت.

مگر آقای راو بعد از آزادی هند چهارم شناخته شده سیاسی شد. از ۱۹۵۲ برای بیست سال تمام عضو اسمبله اندرا پرادیش بود. در ضمن مدت برای ده سال سمت وزارت و سه سال هم صدراعظم ایالتی اندرا پرادیش بود. او برای نخستین بار در سال ۱۹۵۴ از کربننگر خود راه اسامبله کندید کرد و چندین بار بازم از همانجا وارد اسمبله شد. همچنان او برای نخستین بار بعد از انتخابات سال ۱۹۶۲ در کابینه سنجواریدی به حیث وزیر مقرر شد و خانم اندرا گاندی او را در سطح ملی راه داد. به حیث سکرتیر جنرال حزب در زمان حاله اضطرار مقررش کرد. هم چنان در سال ۱۹۸۰ او را وزیر خارجه ساخت.

راجیو گاندی نه تنها از سبب کبریا و بزرگی بلکه از سبب استعداد شریه ناراسیمارو احترام داشت. راجیو گاندی بعد از پیروزی در انتخابات سال ۱۹۸۴ مقام وزارت دفاع را به آقای راو سپرد و بعد او را به وزارت انکشاف منابع انسانی تبدیل کرد.

به این ترتیب جای تعجب نبود که چندی قبل به حیث رئیس حزب کانگریس اندرا تعیین گردید. راجیو گاندی و دیگران او را به حیث فرد دم حزب موشناخته حتی احزاب سیاسی رقیب در انتخاب او و به حیث رئیس حزب کانگریس مکن العمل مثبت نشان داد.

آقای راو سه پسر و پنج دختر دارد و خانمش در گذشته است.

کیا بی طرف ...

بقیه از صفحه (۵۷)

از کدیر و پیشبرد کارهای تان ای اد کرده است؟
چندی سال قبل که امریکایی ها به ویریا بودند بی کسی تان ازین خواستند تا با امریکایی ها توافق استخراج را در امریکا انجام دهند. سچینه اد ان را رد نمود.
X تمهید در صلاحیه های تان تان خوانده ایم شما بیست مای بیل سازی نیز استخراج نموده بودند که روزانه صد ها بیل تولید می نمودند در این مورد لایحه رویشی بنده اند؟
- زمانیکه ما بیل را استخراج نمودیم فکر کردم که توانسته ام - تسهیلات را برای دهاتین و دیگر هموطنانم مهیا نموده ام

- من هرگز یک های استیفاء دان پوهنتون کایل را فراموش نخواهم کرد مخصوصاً کمیت استاد مانی را نمیتوانم بدست فراموشی سپارم و در کار آن ها دوتا - ریبه نامهای طاجاروحاسی جمعه ان در دست من و - دیزاین به مانتین به مسنی مساعدت برای کرده اند. از این هسینه مشون با هم بود.
X کاهی زمبه آری بهتر از خارج

گفت: راه صدیق افغان جدا و راه صدیق مختار جداست. کارهای ما هیچ ارتباطی با هم ندارند. اثر صدیق افغان مرا همکاری بر منهایی کند همکار را من پذیرم آن هم به شتار خدمت به مردم و ملی رفته های ما از هم جداست. X چه کسانی شما را در دست کارهای تان مساعدت نموده اند؟

اما یانا ست هیچ عکس العمل و تشویق را در مقابل ندیدم و ان ماشین را برای کسانیکه خواست خریداری ان را داشتند فروختیم.
بعد از ختم کلام متوجه شد که باید دیگها را از زمین دایر برون آورد قبل ازین که به شتر بیاورد. دیگها هرود گت مسن چیزهایی را بیجان که مردم هموطنانم به ان ضرورت دارند.
یا تان ما تان به طرف دیگها رفت زمانیکه روی دیگ را برد داشت و اتعا جانب بسود دیگ شوریا محو میزد و بیجان دین ریخته شده بود که همه را متحجب ساخت.

بسیاری از اطفال ها اطفال
 نثارا قبل از این که به کو
 کستان بیاورند عادت داده
 اند تا به گونه ریشو بر سر ای
 شان از بازار مکتوب خوردنی
 بخرند تا طفل شان بارها به
 به طرف کود کستان بیایند
 اما اگر روزی همان کار صورت
 نگردد کودک یا طفل با راهی
 شدن به طرف کود کستان
 به گریه می افتد دیگر این که
 بسیاری از کودکان در روزهای
 اول که به کود کستان میایند
 نابلد میباشند از همان سبب
 با آمدن به طرف کود کستان
 ناراضی میگویند میشوند اطفال
 به نشان داده است که این
 گونه اطفال پس از مدتی بسا
 کود کستان چنان انبساط میگیرند
 که حتی با آمدن به این طرف
 دیگر خدا حافظی را با والدین
 خود فراموش نمیکنند در لغیر
 از اطفال نورستانی مسافران
 کود کستان دوستی در مسافرت
 آن چه که اطفال در کود کستان
 میآورند پرسیدیم

تشرف برده بود و دیگری نی
 برای مدتی رخصت گرفته است
 با ظاهره ظاهر مساوی
 کود کستان ستاره بعد از یک
 صحبت کوتاه به طرف منسوب
 کود کستان راهی شدیم
 معلم میشد که
 معلمان همه با چندی بلندی
 اطفال سوگرت اند و غویایی
 آن دادگر برای شان خسته
 گشته نیست با بدین مایکی
 از معلم ها آمد از خاموش
 باشد ، برای معلمان سلام
 نهدید ؟ بعد همه اطفال باد
 یک صدای باد زدند سلام و هر
 کدام آمدند آمدند در سوار
 به جاهای شان نشستند من
 با ستاده از وضع پرسیدیم
 راباز کرده و این دیوان در سخن

بالای تریه اطفال چه نقشی
 را داراست ؟
 - ما خانه باید گفت که استند
 بسیاری از نواهران ما کسه
 ظاهر آراسته و تحصیل خوب
 دارند ولی در برابر کودک شان
 برعکس عمل میکنند بعضی
 لباس طفل اتوباشند و کتیف
 میباشند و به شکل ستوان قبول
 کرد که طفل از او استرس از
 ماله دوست معلم دیگر
 کود کستان ستاره پرسیدیم که
 هدف عمده کود کستان چیست
 آیا صرفاً غذا دادن به اطفال ؟
 نخر غذا یک ضرورت است
 اما در کود کستان التین بر سر
 نندزه و نگهداری اطفال تشویق
 نمودن اطفال به خواب ، سا
 مت تیری ، بازیهای عقلانه

نداشتند و اگر چند شاگردی
 هم گاه استند همه در خواب اند
 مامم سخنان او را گوش داده
 روز دیگر مراجعه نمودیم
 با داخل شدن به صحن
 کود کستان مگر میشد کسه
 کود کستان روز قبل نمیشد
 معلم ها و شاگردان با جدیت
 و نظم صرف کار بودند بسا
 استفاده از موقع در صنف های
 این کود کستان قدم گذاشتیم
 در صنفی که داخل شدیم معلمی
 به اسم خدیجه نیاز معلوم
 صحبت با شاگردان بود بعد
 از معرفی بوالا نشی رابا او مطرح
 نمودیم که سخن ماله بسا
 پاسخ ما را ارائه نمود
 مثلا از خدیجه نهایی خواستم
 تا در مورد بازیهای شان
 در کود کستان چیزهای بگویند
 او هنوز لب ننگزوده بود که ماله
 چنان پاسخ داد : نداشتن
 سامان بازی و مواد درسی بکسی
 از بازیهای عمده است
 بعد پرسیدیم چگونه اطفال را جذب
 ب کود کستان می نمایند ؟
 بازم ماله جان چنین گفت
 نقلی راه مادرش در راه باشد
 و بی سر باشد نسیم که شنیده ایم
 بعضی شاگردان مکتب را بسا
 اثر شناخته و واسطه های
 کود کستان پس از وقت مکتب
 جذب می نمایند شنا چند شاگرد
 مکتبی را جذب نموده اند ؟
 - ماله هیچ شاگرد مکتبی
 ندانم این حرف بکسی غلط ط
 است در حالیکه ظاهره ظاهر
 معان کود کستان ستاره در مورد
 جذب اطفال مکتب به کود کستان
 ها چنین گفت :
 - ما تنها اطفال معلمین کود
 کستان را در مکتب های که بسا
 حواقیق باست کود کستانها
 خصیصه داده شده در کود کستان
 ستاره جاداده ایم که هیچگونه
 مشکل را برای اطفال کود کستان
 ایجاد نمی نمایند در حالیکه
 صالحه میامدی کود کستان
 شعور قدم به قدم ما را حیران
 می میکرد از او خدا حافظی نمودیم

معلم، مادر و ...

بقیه از صفحه (۲۱)

با پلا نهدی پاسخ داد :
 در کود کستان اطفال موسا
 به کارهای مدنی و محاسبه
 سازی و سرش کاری خواندن
 و زودین شعور ، نزاع ، کش
 مراه گیری ، روش ادب و با اخلاق
 و بعضی معلومات آسانی بسا
 در نظر داشت من شان آشنا
 میشوند و با ناعدی که توانستیم
 آن این امکانات را برای شان
 محسوس ساخته ایم
 بعد از ختم سخنان محترم
 ناطه نورستانی از پی تشکر
 نموده و پس از این ساعت
 کوتاه وارد کود کستان ستاره
 گردیدیم
 این کود کستان گریه
 ریخته میباشند تر نسبت به
 کود کستان درستی به نظر میامد
 اما سلیقه و نظافت درین جا هم
 کاملا برآمده شده به چشم
 میخورد ، با پیروان در بازیهای
 در و دراز عقب در مساوی
 رسیده با تا تک باید گفت که
 در هر دو کود کستان آمین شان
 تشرف نداشتند یکی به خارج

زاندم از جمله معلم صاحب
 ها یکی مسرور امام رانا بود
 نبود دیگری سرخسور استند
 و آن دیگر نسیم نبود ناگروه
 هر معلم شیر خوار گناه
 کود کستان ستاره در پاسخ
 یکن از پرسشها ام گفت بعضی
 جار و جنجال های خانواده گن
 برخاسته مادر و پدر و از همین
 تحمل حالات تاثیر مستقیم
 بالای روان کودک دارد ، ما
 داشته ایم از همین گونه
 اطفال که روحیه ای بوده اند
 همان حالت پزیرنده کی طفل
 بعضی اطفال دیگر را نیز متاثر
 میازد ، این وظیفه معلم
 است تا چه گونه طفل را از تشویش
 های روانی ، خشکی و دلنگنی
 برهاند زیرا راجحان مسامحه
 سازد که طفل همه تشویشات
 درونی را فراموش نماید تا گتسه
 نپاید گذاشت که سلامت نمودن
 خیلی خوب زنده کی بسیاری
 طفل در قدم نند و وظیفه
 با تقویت اوست
 پرسیدیم تسلیل مادران

و نشان درسی این ها همه
 پلان هایست که باید بالای اطفال
 ل تطبیق شوند
 رحمه مشخص معلم دیگر
 کود کستان ستاره برای مادران
 کم تجربه چنین گفت : زمانیکه
 یک دختر مادر میشود باید
 بیشتر از همه متوجه صحت ، نظا
 لت و تکوین و بیماری طفل خود بسا
 شد در ضمن آن طفل کیویدهای
 راه در وجود خود احساس
 می نماید همه تا تیرا صورتی
 اند که آینده طفل راه خطر
 میاندازد در غم حرفهای
 معلمان کود کستان ستاره
 ره مان را به طرف کود کستان
 شعور و تمهین نمودیم ، سلامت
 درونیم پس از آن باشد بود و تن
 به آن است آنجا مراجعه نمودیم
 با ماله میامدی آن کود کستان
 معرفی شد سخن ماله
 جان پس از معرفی و ختم
 سخنان ما از آنجا خواست تا
 روز دیگر به آن جا برویم چه
 به گتسه خود در از طرف
 بعین آن قدرها نهاد شاگرد

بقیه از صفحه (۶۱)

آرزو دارد ...

بد منتون پذیرفته‌شدم که در هر دو رشته قهرمان می‌باشم .
 - آیا به نظر شما ورزش بد منتون ثقیل نیست ؟
 - بلکنی میکند و با جسم می‌کوبد به تصور من سوال شما از این نکته منشاء می‌گردد که من یک دختر استم .
 - نخیر ، های-چنین حرف من در میان نیست و صرفاً از نگاه ورزش طرح نمودم .
 - خوب ، بشنوید]
 ورزش بد منتون ، ورزش - اجتماعیت که به تعقیب و الهیال یگانه ورزش ثقیل می‌باشد و زیرا این ورزش هم به شکل دبل و - هم به شکل سنگل " انفرادی " اجرا میشود و پرورزشکاران را تا حاکمیت عام تمام بالای میدا ن داشته باشد ، البته در شکل

انفرادی آن با نام این ورزش - بکیت بد منتون ، پروجا ل میا شد .
 - به اثر معلوماتی که در مورد شما به دست آورد ، ام شما - همیشه قهرمان بوده اید . راز موفقیت تان چیست .
 - در مورد اینکه همیشه قهرمان بوده ام ، و فعلاً خودم را از این نمی‌شم و اما در این زمینه از - تیرمان خوب خود محترم - محمد عظیم و محترم محمد رسول دشتی سپاسگزارم و در قدیم قدم به پشت کار و حاضر بودن خودم به شکل منظم در تفریح - بنات می‌باشد . موصوف افزود چارصال قبل مسابقات فاینل جهت انتخابات اعضای تیم ملی

از طرف کمیته ملی المپیک در - انستیتوت پولی تخنیک کابل راه اندازی شده بود که با اخذ مدال طلا تقدیرنامه و یک کپ قهرمانی مقام قهرمانی را حایز شدم که - البته در رشته پینگ پانگ نیز دسترس کامل دارم و در این رشته یک مدال نقره و یک کپ قهرمانی و بی شما تقدیرنامه های ورزشی دارم .
 - چندی پیش سفری به کشور اتحاد شوروی داشتم در مورد نوعیت و نتایج مسابقات تان حکایتی شنیدم .
 - یکجا قبل که جهت اشتراک در مسابقات دوستانه عازم کشور اتحاد شوروی شده بودم با تیمهای جوانان رشته بد منتون و پینگ پانگ مسابقات را اجرا نمودم که به اصطلاح همیچ " باخت " نداشتم و از آنجا با خود یک تابلوی ورزشی و یک پتنتون که تصویر ورزشی بروی آن حک شده بود از جانب -

فدرا حوسن آن کشور برام داده شد .
 - در اخیر اگر پرسشی را طرح نکنم خودتان چی خواهید گفت :
 اینکند آخرین لحظه رشته کلام را به دست من سپردید با استفاده از فرصت می‌گویم که ورزش بد منتون از سالان د رازی در دست ورزشهای کشور ما درج گردیده و ورزشکاران بسیار - متعدد همین اکنون در این عرصه داریم و اما اندک تهن توجهی بخاطر حضور ما - ورزشکاران این رشته در خارج از کشور نشده است .
 موضوع دیگر اینکه همیشه و - میخواهم مقام قهرمانی ام را حفظ نمایم .
 - من هم موفقیت و قهرمانی همیشه کنی برایتان آرزو میکنم .

د (۳۳) سخنی را اخذ و بفرماید ...

((داهلك لوتى دى . نيه به داري چي كوم بل شونهي تهى وليزو))
 هلك وويل :
 - ((و لوتى ته يم . راصه چي دهنه شتن سري ماهي ته ورشو او كوتى سي وگورو ته به حتما وويى چي دهنه د كوتيو شاو خواز نداد يلا رله غوتيو جهر شوي او ياشي چي دهنه دوه ستركي او پوزوه زوز د كوتيو به تلى پوري نيشي وي))
 مدير وويل : ((و عقده لرم چي دا كوچني لوتى دى...؟ محسن سواب وركر :
 ((دهنه لوتى ته دى . ما پخيله هم خو واري خپلى كوت نبي دده يلا ره ووري دى ، خو دوروستى بل لپاره كله چي وولم ، مانه سي وويل چي م شوي دى))
 دهنه خنگه م شوي دى ؟ يو وڼ دهنه فونشل چي به سوه كوتيه كي مخ وويي . كله يي

چي كار پاكه ورته و وي ليدل چي خپل كوتى سي تو - كلي دى . تا سو وگوري ، دهنه داسي محكم سندان وهلسي وو چي نژدي ووسندان سوري شي دهنه لاسره سندان پوري كلك نيشي وو او تول دهنه خلك چي په لپاره تهيدل ، مرسته بي ووسره ونگره ، هوكي ، له ده سوه چي مرسته ونگره او دي په سندان پوري نيشي موشو ...
 مدير محسن ته چي دكوت چني تر خنگه ولاړ وو ، وگل . دهنه دواړه داسي پويول نيشي وو ، چي تا به ويل دوا - ره سوه بو دي او مدير خپل - سر خو واره بي له دي چي ووايي ، وپوزواوه . بيا بېرته وگرديد او په خپل بڼه خوكي كيناست . دكافله پاني سي دسزه سوه واخيستي او خو شپي وروسته به سي دسترگو له كوتيه محسن او كوچني هلك ته وگل .

بقیه از صفحه (۵)

مردم در ...

اتحاد ولدوله سردار احمد - القدوس خان صدر اعظم بوضاحت مشاهده رسیده است . چنانچه همینکه سردار موصوف از کابل روزه عقد هار گردید در فترت سران قبايل مختلف چون محمد آغا هزاره ، عباس خان هزاره ، محمد رحمد خان توري ، محمد الله خان قبايق ، نواب خان و سهند خان الکوزايي نوبر - محمد شاه خان قزلباشي محمد اسلم خان بلوچ ، حاجي - محمد یعقوب خان توخسي و يك عده ديگر از خوانسين هلمار و حانين تاهمير قندهار زير شمار هاي اتحاد وهمبستگي در صفوف مبارزين پيوستند و با -

طرد هرگونه اختلافات فذهبي قوس و منطوقی چون مفت واحد علمه د ضمن همایزه پرداختند و به این ترتیب وحدت ملی مردم افغانستان که توسط رهبران ملی تبلیغ می‌شد تا - بانگر پیروزی تاریخی آنها علیه استعمارگران انگلیس بود . این اقدام پروسه مبارزه در راه استقرار حاکمیت ملی در کشور را تکمیل کرد . لذا دیده می - از همه پیش در امر استقلال کشور روی احساسات پاک و وطنپرستی مردم خطاب می‌گردد که این امر منجر به استرداد استقلال کشور ما گردید .

صورت کبره و پوست دقیقه قبل از آن محل را با خاکستر گرم و با داغ اما پاک و مانند خاکستر کاغذ پاک و خاکستر سکرته و خاکستر تکه های ظرف زهر سندی بمالید .

۶- مالش دادن یک توتبه مکعب شکل پنج پاک قبل و بعد از برکنده موی علاوه بر جلوس گیری از نفوذ انتانات و میکروب های عادی در درازنای کاهش میدهد .

ازموهائی که رنج...

بقیه از صفحه (۵۷)

در مراحل بعدی میتواند برای همیشه آنرا از بین ببرد . طرز استعمال آن نیز زیاد سهولت دارد .

ورقه ضخیم موم داغ را بالای ناحیه هموار نموده و اندکی انتظار بکشید تا سرد شود . سپس آنرا برخلاف جهت تایل رو بیدن موبد داشته به طرف خود بکشید . در این صورت استعمال پارچه تکه و پلاستیک لازم نیست .

شوره دوم آنست که سوم گذاخته شده اما قابل تحمل را به آهسته گی روی جلد هموار نموده پس از یک دقیقه پارچه نازک و پاک شسته و خشک ساخته شود . در مورد مدت تطبیق آن لازم است تا بادا کتر جلدی تمام گرفته شود . زیرا استعمال آن روی جلد کمتر از مدت معمولی میباشد .

بافتت معیاره باعث تخشش سوزش و آفات پیشرفته میگردد . استعمال در او روی جلد در رساچه گزیده گی زخم ها لکه های جلدی نواحی دارای خارش جلدی مطلقا ممنوع است . در این شوره رو بیدن موی تازه تا نوزده روز نامکن است . پس از ختم عمل جلد بار دیگر پاک شسته و کرم تطبیق گردد .

هنگامی که موی نرینه شوره نجات از پرمی مخصوصا برای پاهای بازوان و زهرها و غلبه واکسینک است . که رو بیدن موی از کم تا دو سه نامکن ساخته میتواند البته

تل شود . نوبه آن تبخیر خواهد شد . جوهر لیمو را با آن یکجا ساخته تا وقتی که قوام موم برسد حرارت دهید . سپس آن را از منبع حرارت دور کنید و نم قاشق کلسیمین به آن علاوه نمایید . دیگر واکس تهیه شده قابل استفاده میباشد . تست حساسیت مانند قبل حتمست .

الکترولیز:

شوره مدون از بین بردن موی آنست که باید تحت نظارت متخصص و یادا کتر جلدی مجرب صورت پذیرد . زیرا خالی از خطر نیست . الکترولیز به شش هفت گزینده تفاوت از فرستادن تداوم جریان برق به فولیکول موی میباشد . پیاز موی قطع راه تغذیه مسدود ساختن مجاری ارتیا طی موی با غشویت و سوزاندن شاقه موی صورت میگردد . این راه از بین بردن موی است و اما یک بار دیگر قابل هشدار است که باید با آن حد اعلا احتیاط و سواغات هدایات تخصص جلدی در نظر گرفته شود .

به خاطر بسپارید که از بین بردن موی اضافی به این شوره برای مصابین تکالیف قلبی دایم (موی شکر) و دختران کنتراز سن شانزده مطلقا ممنوع است .

پس از بین بردن موی با شوره الکترولیز باید تمام بدن را حقیقا کرم جلدی تطبیق نمود .

معمولا به خاطر پوها ندن پرمی ساعد از موهای زیاد استفاده میکنند که به دلیل ذیل باعث زیاد شدن موی این ناحیه میشود :

عملت تحمیک پذیرگی و متعدد رفتن موی ساعد در برابر تماس های مداوم با موها .

در سایه قرار گرفتن ناحیه .

تمریق مداوم پوست .

گل

طبله ، هارمونی ، اوشیلیس غزولای شی به ماندولین اکاردیون از موی همینه لاس گرمی اوی غزولوی درخ کوهی .

گلزمان ، دینتو موسیقی لوال اودغی موسیقی خد متگاردی دی دینتو اصلی موسیقی خوشبوکنسی اوی نه اونگی بی بی دودی خوشبوکنسی اولاری دی اوحسی دغری موسیقی ته هم دستدرو

(۴) خ پاتی

زمان

به جورولو کی کارا خلی گلزمان به نانتو متوالو نوکی گدون کری دی دینتوستان به نیتوال کی بی افتخاری دیلوم ترلاسه کری چی دنگس دانسامیل دنتظم چاری ویه غاره شوی ، دغه انسامیل ته بی ویر کاروکر اوشکی سندری بی جبری کری له دغه انسامیل سو ویرو نپوالو نیتوالونو له لرا و دالان به فولکلوریک نپوال

بقیه از صفحه (۷)

نهیضت

خان صد راغظم طی نامه از شمس المشایخ و نورالمشایخ مجددی برادرش خواهان اعلان جهاد علیه مشروطه خواهان شد و آنانرا واجب القتل قلمداد کرد .

چون اهداف برنامه مشروطه خواه با به قدرت رسیدن شاه امان الله پادشاه هوا ماند و اصلاحات سیاسی واجتماعی شاه نتوانست روشن فکران را مجاب سازد بنابراین مقاومت های ایمن روشنفکران در مقابل شاه آغاز یافت . شاه همیشه مقاومت روشنفکران را در مقابل خود احساس نمود یکایک آنان را از پهلوی کنار گذاشته در عرض افراد فرصت طلب و مقاپرهت را به جای آنان گماشت و در پیبرفته اداره دولت شکل یک اداره مطلق العنان را به خود گرفت علاوه محمود بیگ طرزی از وزارت خارجه معزول شد . محمدولی خان وزیرخبریه از پست فعال وزارت خبریه

به و نیتو تشریفات . کیا شاه گماشته شد و عبدالهادی داری وزیرتجارت از کابینه استعفا نمود و میرسد قاسم خان از امور مهم مملکت دور ساخته شد .

با این حال شاه در جرگه های روشنفکران رو برو شد . غلام محی الدین خان آرتسی و کهل انتخابی کابل در لویه جرگه (۱۹۲۸) فریاد کشید :
ما دامیکه این وزرای مشهور با القادشا تا پای محاصرات در مملکت میکن نیست .

برای شاه موقعیت دشواری پیش آمد حکام و مامورین فرصت طلب که به عوض مشروطه خواهان کرسی ها را اشغال کرده بودند بدون هیچگونه احساس مسرولیت به چورو چپاول و مکیدن خون مردم مصرف بودند که پیا مد آن

نارضایتی مردم از شاه بود . شمارده ی غریب که شاه از اروپا با خود آورد بود با واقمیت های زنده گی ه اخلاقیات مذهیبی و عرفی و ادب سستی مردم موافق نبود بنابراین تحریکات انگلیسها را خوشتر میچیدند میتوانست قشر تحصیل کرده و قلمی ملت که با تندر شاه موافق نبودند و درسیاری موارد اهداف برنامه مشروطیت را رو به فنا میدیدند از تکرار شاه دور ایستادند .

بنابر آن شاه مجبور شد با این شعار که :
مهرم تاتونشوی نامم اگر از نام من ترانک است وطن را ترک کنید ولی در پایان نهیضت امانی قشار موج معکوس فعالیت های تندروانه شاه را انانی متحمل شدنکده اصلا با ت ت سد روی های امان الله خان موافق نبودند تعد از نه این رو شنفکران اعدام شدند و پادشاه غلو زنجیر زندان ها افتادند که ادا به شیخ آن از حوصله این بحث خارج است .

بقیه از صفحه (۶۱)

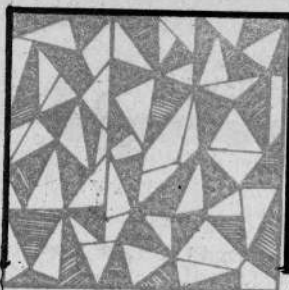
میکردید به امضا رسید . در متن پروتوکول آمده است : ماهر دوجانب نقرشوه گیرند مورشوه دهند . را مخفیانه بازی نموده از تخلفات همدیگر زهر کانه گذشم منجاصم و تمهد مس بندیم که به شکایات خورد و بزرگ از طفل بی دندان گرفت فته تا پیرمردی که آخسین دندانش را حین بالاشدن به سرس از دست داد ماند و وقعی نمیکاریم .

به اثر سعی و تلاش منمو بین اهمیت جمع آوری دستکارت مدیهست مبارزه با جرایم فلسی در هرز مقدار زیاد تصاویر و دستکارت های مغایر اخلاقی و کلتور از نژاد متن پرورد بزرگ دوست شاگرد صنف ششم یکی از کتاب کشف چه دست آمد دستکارت تصاویر به دست آمده ضبط گردیده مضموم به چنگال بهره های نهشدار صنفی هاسپرد شده قضیه تحت تحقیق نگران صنف قرار دارد .

از خواننده گان ارجشند صمیمانه تقاضا به عمل مایسد تا با خواندن این مطالب بر ما خنده گریز نکنند .

ملاقات در مسکو

معمدا سفر بوش به سکو از نظر سیاسی ضروری منمود . دوکراتها او را ملاقات میکردند که باید در پاسخ به تهمیلات در اتحاد شوروی خیلی محتاط باشد و تلاش نکند تا از مباحثات گریز نکند . شاید از همین سبب بود که آقاي بوش در میانه خود احتیاط را از دست نداده و ششمانی اشرا بر بنیانی اصول وانمود کرده است . و بالاخره بشهت نعمای لبتدای صلح جهانیه ابرقدرتارالمالی اینها میگرد . اگرچه (ستارت) نگران انسانها را از خطر های اسلحه هسته ای دور نگریه ؛ مگر متوان گفت که سرفراز خوین برای ایجاد جهان فارغ از جنگهای هسته ای خواهد بود .



در این مورد هیچ ستاره وجود دارد که نامرئی است. اما اینرا پیدا کنید.



این یک نقاشی مرموز است. بآن دلیل که نام بی از ایالات متحده آمریکا در آن بیستم من خورد. این ایالت کدام است.



اعداد مرموز

اعداد مرموز در اینجادر هیچ نقش عددی را بازی میکند و شما این اعداد را از روی علائمی که در اطراف آنها دیده میشود منی توانید پیدا کنید.

حل کنید و جایزه بگیرید

تهیه کننده لطیفه "سهدی"

افقی:

- ۱- عروس شهرها • دلبری
- ۲- مخفف کز • دنباله درختی بر سر
- ۳- از شهرهای عربستان •
- ۴- لکه کوچک حرف مفعول بهواسطه •
- ۵- از اسمای ارضی • فراغنه مصر •
- ۶- اگر چیزی از روزگار باشد آدم خورده • چشیده • است •
- ۷- حرف انتخاب جمله کتب • طلبی • از حالت دریا •
- ۸- کتاب جمع شده • در یکی از آثار جان اشتاین یک پنهان شده است • فلزی است •
- ۹- خوراکی با تخم مرغ • از هراهان دوت •
- ۱۰- رسن فلز گرانبها •
- ۱۱- هنریشه فلم بیک • نهک •

عمودی:

- ۱- مسردترین نفاثر جهان در حال حاضر
- ۲- از حروف الفبا • انگلیسی
- ۳- از سران آلمان نازی • خواننده گلستان •
- ۴- بخاطر سپردن • از انواع خواهر برادر •
- ۵- از جشنهای باستانی • از کلمات پرستش تصدیق روس •
- ۶- واعظ در جمع •
- ۷- سنگ تازی • میزان کر • دن • عددی است •
- ۸- از ادارات تابع وزارت • کشور • از موجودات افسانه ای •
- ۹- تکراری از حروف • رویاه صحرا •
- ۱۰- نخس • از خاکهای • صنعتی • از حیوانات مزاحم •
- ۱۱- از مخترعین معروف • آمریکایی •

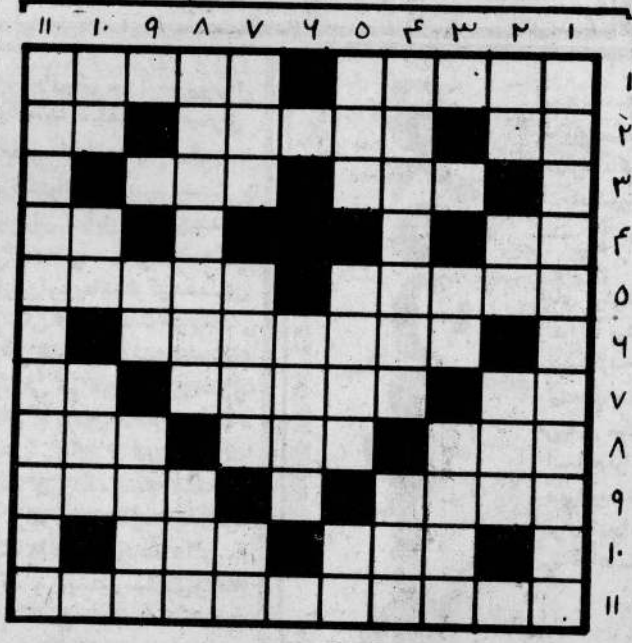
سعدی

۵۵



پند و اندرز

ها



حل کنید و جایزه بگیرید

استماع اجهر ایست نه مصا
رف سرد برامتنی شود
۶- برای زیبایی آن ورزشی -
ایست - رنج در درد مند - مایه
زنده گانی
۵- تکرار یدرف - جنون را جمع
ا شود - درامان و آسوده
حاضر
۶- آریاب لعن تسبیح کرده اند
سرانند است و مفرد اناس بی
هره - بشری عین
۷- مرکب موش در مژوریهان - امر د
در آن زنده در می نمایند
۸- و در ویدیا - هشتاد و نه
در نور بدین و میوند
۹- به غذا غس می ورزید - علم
به دست دارد - در ردیف دوم
مخوف - بی ویند
۱۰- بی میدان و نه زبان
وزیر بار - اثر از آن سر بی خوانند
شراب است - حمت راست
۱۱- پدر مردگان - ستاره
غنا و ششهای آسمانی
۱۲- تغییر در پشتووزا رتخانه
را اداره می کنند - محمود - به
آیین کریم میزنند
۱۳- وسیله تا زنجار - نوعی
نود گویای - خداوند کار
۱۴- یک از فنون - آیین تارل
مارش بوده که اصول موسیقی از
علمی را تشریح می کنند
- (..... تارنها) کتاب
بیست از لغون تولستوی
۱۵- آواز کیوسا است و از سنا مع
شعری - و ویتی دارای اقلیم
مدیترانه که پرورس زیتون
در آنجا صورت می گیرد
۱۶- متحرک نیست - پست و فرو
مایه - کدام غله جات
۱۷- دختران هند ویدست
برادرانش می بندند - اولی -
نوش طیاره و دو می هفتاد
نجات
۱۸- فراموش در پشتو سینه گاه
است و کباب از وطن - سمت چپ
۱۹- مزده دهنده مرکز ولایت
نمروز - اول و شروع است
با پانزده حرف و او
۲۰- تکرار حرف پنجم در پشتو
میگویند "بودم" از امراض خطر -
ناک - روز هرب
۲۱- حاتم شاهی که الماس
کوه نور را به احمد شاه بابا تحفه
داد - ناف آهوی مشت

جستجوی موشود آسمانی
در پس سر آب جویا که -
برابر مماله و رشتار بیجا
ران مخصوصا تلویون میسازند
عمودی
۱- کتابی از جنم نامرخصرو
ولخی - یعنی مایه آن معتاد
است و گویند تا نکریت در نندان
است
۲- هر سحریتوان دید - راز
نهدار - نفس در دستو
۳- شهر مهم تجارتی تایلند
اسرار زاده اتلیوس - در -

مدنار وینار دستنده نرم
دارد - شبید نهللی
۱۲- در زمستان برای تسخیر
می گذازند - شستن و پاک
کردن - سبب را جمع
شود
۱۳- کلوله (لرزه او.....)
پرو براموست در تلویزیون - صفت
و پشت سر هم
۱۴- سرزمین نامانازان - برای
عید می یزند - فرودگاه بوسه
کلمه فازه
۱۵- در دید به عبادت مشغول
است - سوخ در روز با چسراغ

افغانی
۱- شاعر پارسی گو پاکستان
شاعر جوان مانه مومنه در
خط قافیه از او است
۲- دوره زیبای در میان
فصل امر رساندن از حیوانات
است قاره ایست
۳- جانور نیست - بویه جلیبسه
که در آب و آتش زیت می تواند
معلوم و دستم ریجده خدمت
مقد سیست
۴- نشانی که ریا می کنند اما
بی سراسر - کسی را کشته
از فلک اندا - سرور بر آغاز
۵- رقم را جمع کنید - بد نیست
از شهرهای مشهور امریکا من
و سما
۶- پایبر گردن است و منکن
مسترا - نورا - رعیت
واحد است
۷- نوم سدا می خواند
نهایت زمان عمر - حد رجا
هرنگ که گلها را می بویند
پشتو - پیش از ارکان سورسورا
نا از آن سوی
۸- اسم بر پا - آخری
علم بد ستان
۹- کشتزار - علم نو آموزان
تخم القاح شده - سلم رستم
۱۰- اسن نیست - پیشوا و
رفشون - زبری و اهنوی
۱۱- عدمت سخن که در او کلمه
میاید و معنی آنرا تغییر میدهد

۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱																					
<table border="1" style="width: 100%; height: 150px;"> <tr><td style="background-color: black;"></td><td style="background-color: white;"></td><td style="background-color: black;"></td><td style="background-color: white;"></td><td style="background-color: black;"></td><td style="background-color: white;"></td><td style="background-color: black;"></td><td style="background-color: white;"></td><td style="background-color: black;"></td><td style="background-color: white;"></td><td style="background-color: black;"></td><td style="background-color: white;"></td><td style="background-color: black;"></td><td style="background-color: white;"></td><td style="background-color: black;"></td><td style="background-color: white;"></td><td style="background-color: black;"></td><td style="background-color: white;"></td><td style="background-color: black;"></td><td style="background-color: white;"></td><td style="background-color: black;"></td></tr> <!-- Additional rows would follow the same pattern --> </table>																																									

۱۰- ۱۴- ۱۳- ۱۲- ۱۱- ۱۰- ۹- ۸- ۷- ۶- ۵- ۴- ۳- ۲- ۱

۱- محترم صفیه نواز ترا ز
۲- مکروریهان اول و محترم
۳- محمد جاوید سرباز
۴- با عمل جسد اول
۵- متقاطع صفحه سرگرم
۶- بعد از ترکه کسی به
۷- حمت برنده شناخته
۸- شده اند تقاضا
۹- محترم حسینا غزال از پوهنتون
۱۰- کابل
۱۱- محترم نوره ناصر محصل طب کابل
۱۲- محترم محمد جاوید سرباز
۱۳- زرعنه
۱۴- محترم شهما خورشید از لسه
۱۵- محترم بشیر احمد امیری

حل جدول

۱۰	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱						
ن	ک	ز	ر	م	ر	س	ی	ا	س	ت	ا	ف	ا	خ	ا	ن	ع	ج	ا	ن
ب	ب	ا	ب	و	ن	م	ا	ی	ر	ا	ا	د	ا	د	ب	ب	ب	ب	ب	ب
ه	ت	ن	ا	ف	ا	ت	ر	ی	و	ی	و	پ	ا	و	و	و	و	و	و	و
ع	ی	ا	د	ت	ف	ت	ن	ک	ن	ش	ا	و	ر	ز	ز	ز	ز	ز	ز	ز
۳	ز	ر	م	ر	س	ی	ا	س	ت	ا	ف	ا	خ	ا	ن	ع	ج	ا	ن	ع
۴	ب	ب	ا	ب	و	ن	م	ا	ی	ر	ا	ا	د	ا	د	ب	ب	ب	ب	ب
۵	ه	ت	ن	ا	ف	ا	ت	ر	ی	و	ی	و	پ	ا	و	و	و	و	و	و
۶	ع	ی	ا	د	ت	ف	ت	ن	ک	ن	ش	ا	و	ر	ز	ز	ز	ز	ز	ز
۷	۳	ز	ر	م	ر	س	ی	ا	س	ت	ا	ف	ا	خ	ا	ن	ع	ج	ا	ن
۸	ب	ب	ا	ب	و	ن	م	ا	ی	ر	ا	ا	د	ا	د	ب	ب	ب	ب	ب
۹	ه	ت	ن	ا	ف	ا	ت	ر	ی	و	ی	و	پ	ا	و	و	و	و	و	و
۱۰	ع	ی	ا	د	ت	ف	ت	ن	ک	ن	ش	ا	و	ر	ز	ز	ز	ز	ز	ز
۱۱	ن	ک	ز	ر	م	ر	س	ی	ا	س	ت	ا	ف	ا	خ	ا	ن	ع	ج	ا
۱۲	ب	ب	ا	ب	و	ن	م	ا	ی	ر	ا	ا	د	ا	د	ب	ب	ب	ب	ب
۱۳	ه	ت	ن	ا	ف	ا	ت	ر	ی	و	ی	و	پ	ا	و	و	و	و	و	و
۱۴	ع	ی	ا	د	ت	ف	ت	ن	ک	ن	ش	ا	و	ر	ز	ز	ز	ز	ز	ز
۱۵	۳	ز	ر	م	ر	س	ی	ا	س	ت	ا	ف	ا	خ	ا	ن	ع	ج	ا	ن

حل کنندگان

محترم عبدالصهر نواز ترا
محترم صفیه نواز ترا مکروریهان
محترم بشیر احمد امیری
موزه محمود محصل حقوق
محترم شهما خورشید از لسه -
زرعنه
آهن پور محصل سال جارم
انستیتوت طب کابل
محترم حسینا غزال از پوهنتون -
کابل
محترم نوره ناصر محصل طب کابل
محترم محمد جاوید سرباز
زرعنه

سپاوون کورکات

شیر سوه و عمل

ترجمه : حسام الدین برومند

۱- خرگوشی که در سوراخ همک درخت زنده گی میکرد ، متوجه شد که زنبور های عمل بسیاری شان خانه ساخته اند . خرگوش به فکر افتید که چگونه از سوراخ بیرون برآید ، از زنبور دوستش موش صحرایی رابه کمک صدا زد . آن وقت هر دو سبزه ها و علفهای خشکیده را از بالای درخت جمع کردند تا به اطراف زنبور ها در بدهند . با ایسن کار شان زنبور های عمل دسته جمعی پریدند آن گاه خرگوش و موش صحرایی ماندند و عمل ها .



۲-۳ : وقتی آن ها به عمل چسبیدند و مصروف خوردن شدند یکبار سرورکله شیر در آن جا پیدا شد و غریب :

تیز تر ، تیز تر از درخت پا- بین بیائید . خرگوش که متوجه شد فریاد کشید و خشمگین است لرزان لرزان گفت : موش

صحرایی مراد علف بیچکان وقتی این کار انجام یافت . خر- گوهر به شیر گفت : تو میتوانسی به خاطر آسوده راحت را بگیری و بروی ، من بخود به خود پا- بین موشوم . خرگوش بدین ترتیب پاره نجات خود را سنجیده و از درخت خیز زده و پتان پرید که نهی .

شکار که از پنک شیر فرار نموده بود ، ازین رو هیچ پشمش را از موش صحرایی دور نمیگرد



۴- لحظه یی بعد ، شیر با خشم زیاد بر موش صحرایی غریب : پایمین شو .

بدین ترتیب موش صحرایی مجبور شد که خود را تسلیم کرک نماید .

۵- شیر در حالی که موش صحرایی را بر زمین خوابانده و میخواست خفکش کند ، گفت : تو بخور جرات تیری از جنگل من عمل بخوری ؟ موش صحرایی بازار زد و عذر گفت : بشیو جان خرگوش مرا وادار به این کار ساخت و غریب داد . فشیر



باد رنده خوبی تمام با پنجالش بر موش صحرایی حواله کرد اما موش صحرایی بدون آن که پنجال فشیر بر وجودش برسد ، آن را در هوا محکم گرفت بعد از آن جستی زده و در میسان بته ها خود را ناپدید ساخت .

۷-۶ خرگوش را که غسل موزه
 داده بود اینبار با سنگ پشت
 قصد خوردن غسل نمودند باز
 هم سر و کله نشیو شده پیدا شد
 گرن بلا فاصله بر خرگوش غرید :
 بیا پایین شو ، چرا معطل
 استی ؟ اما خرگوش در مقابل
 گفت : اگر توبل میدهی مرا
 قورت نمیشی ، پایین میومم گوشت
 بسیار سختی داری و بسیار
 کوبنک استم ، وقتی نرم شدم -
 طعمه خوبی برای تو میومم
 آن وقت مرا به دم خود نشان
 چرخ بده ، بعد به زمین بزن
 آن وقت پیش از آن که نفسم
 برآید مرا نوتر جان کن . نشیو



بلا فاصله خرگوش را برداشش
 نشانده . دم ترا چرخ داد اما
 چون دم کوتاهی داشت هخر -
 گوشه از دمش لغزید و ناپدید
 شد .

۹-۸ : اکنون تنها بیچاره سنگ
 پشت بر درخت مانده بود اما
 هر قدر که نشیو بر روی حمله کرد
 و حیوان را پنجال کند بر سنگ -
 پشت هیچ تا ، نهر ننمود . یکبار
 سنگ پشت سرش را از میان لاکش
 بیرون آورد ، نشیو خور شد و آن
 راه آب انداخت . سنگ پشت
 در آب شروع به آبیازی نمود نشیو
 به دنبال آن خود را به آب اندا -
 خت ، لیکن درین میان خودش
 نغر کرد .



۱۱-۱۰ : نشیو خشمگین به
 سرف جنتل خزید . آن جا کلبه
 خرگوش را دید . آرام داخل آن
 رفت . لکن آن جا را خالی
 یافت . خوب منتظر برگشت -
 صاحب خانه ندست . خرگوش

به زودی آمد . اما چی میدید
 پل پا های نشیو . ۴۴۰ واقعا
 چای یکی و تیز هوشش را از -
 دست نداد و با عجله گفت :
 صبح بخیر کلبه من .
 صبح بخیر .
 نشیو به دنبال خسر -
 گوشه دوید . اما شکار از چنگ
 رفته بود زیرا به همان اندا -
 زه که نشیو ساده بود خرگوش
 زرنک بود و با خود فیصله کرده
 بود که مخصر صا ، ننگ دارد . نشیو
 غسل بخورد .



✳️ محترم نظیفه احمدی از اکا-
دمی علوم ج ۱۰
طرح تان برای نزدیک بین
رسید. وی امدوار است در
اینده طرح ادبی بفرستد.
از شما سپاس بگذارم.

✳️ دوستدار سیده مهین مهدی
نزدیک بین در مورد کسی
که شما پرسیده اید که چرا بر-
نمیگردد از قول عوام مفرماید:
اگر ده بار کسی محکم گرفته
نمیواند. حوصله مند باشید.

✳️ همکار خوب توریک اسدی
از لایحه مهم:
نه تنها شما بلکه تمام خوا-
نده گان عزیز سیده هرگاه
مخواستند بگویند (سبا و ون
چطور باشد؟) باید همراه با
مظریات خویش یک قطعه نو-
توی خود را نیز ارسال بدارند
از شما تشکر.

- ساکت باش:

مگر که دوستم داری بگذار
این جمله بر لبهایت بلسزد
ولی به صدا نماند.
خواهم آن را از دور احساس
نمایم. از رویا بیدار مکن
و مگر که دوستم داری. آه
ساکت باش.

✳️ محترم عبدالشمن شهزوی -
کارمند ریاست برق کابل
شما حتماً سده را هنگام
برجاری برق - العه مینماید
که متوجه حساب بانکی سوله
که در خود سوله درج است
نشده اید. نزدیک بین برای
خود دید روشن و برای شما
برق روشن و توی شما مینماید.
✳️ همکار همیشه حاضر سوله
حکمت الله ناظمی حکمتجو از
شاروالی کابل
نزدیک بین نامه تان را خوا-
ند و گفت که شما از خصایص
نیک انسانی برخوردارید.
ای کافر دور بین هم چون شما
میبود. به هرحال از غیبت که

بگذرم باید بگویم که من هم
دعایم روزی شکست لاتی تان
اگر به جایزه یک هزار افغانکی
تمادت نمیکند به جایزه صد
افغانکی تمادت کند. از شما
تشکر! امدوارم در آینده
بخدمت سلام بچه ها را در توی
خواننده بعداً حرفهای تان
را همراه با فوتی تان بفر-
ستد. نزدیک بین واسطه
خواهد شد تا بدون تو بست
چاپ شود. در لاتی برنده
باشید.
- آخرین چیزی که از دست
بمورد امید است.
- حیثیت را میتوان خم کرد
ولی آن را نمیتوان شکست.

از نزدیک

✳️ همکار خوب مهم کمال از
لایحه اربانا.
ما بوس نشوید. نزدیک -
بین شما را در طرح جدول -
تشویق خواهد کرد. چرانی
ما از تمام همکاران خویش طرح
جدول میگیریم. مگر به شرط
آن که خودتان به اداره مجله
تشریف آورده طرح جدول -
تان را تسلیم نمایند. از شما
تشکر! جدولست باشید.
✳️ محترم مسعوده مهجور از
اکادمی علوم.
نزدیک بین هر قدر شیشه
هنگام را پاک کرد تا نامه تان
را درست بخواند مؤفق نشد
بالاخره از دور بین کمک خوا-
ست او بعد از آن که حرف
را زود داد و زود داد و جنگ
انداخت، توانست بخواند
ولی توانست از آن مضمون

درست بگیرد. مشوره بنده به
شما این است که از خداوند
برای این دو نفر سواد عاجل
و دانش کامل آرزو کنید. ماهم
برای شما مطالب جالب آرزو
مندیم.
✳️ همکار عزیز سید خالد حکمی
از لایحه دوستی.
چرانی! شما میتوانستید به
شعبه (اعلامات و نامه ها)
اداره سیاون تشریف بیاورید
و در مورد ذکر شده از نزدیک
بین کمک بخواهید. قابل
تشکر نیست.
✳️ علاقه مند جواب به نامه ها
روشنه جان زین.
نزدیک بین از احساس نیک
تان نسبت به او تشکر میکند
ولی این که خوانسته اید تا یک
قطعه فوتی را در این
صفحه سنجاق نماید. -

وی مفرماید: همکار گل بدین
منفذ معمولاً عکسهای علاقه-
مندان ما چاپ میشود. اگر
این جانب نیز عکس خوشتر
سیناق نمایم، همکار دور بین
ساحب بالایم می مگرد که
گویا من خودم علاقه مند خود-
هستم لذا معذرتم را بپذیرا
شوید. و بگذارید ما این تقاضا
را از شما کم. و در مورد -
نامه تان باید گفت که اگر
شما به جای نزدیک بین می
بودید باید نامه خشک می
میکردید؟ جز این که از تو-
بستند اثر نامه های (ترا) آرزو
میکردید. از شما تشکر. بر
عکس نامه تان ترو تاز باشد.
✳️ محترم فوزه وردک.
برسیده اید که چرا هنرمند
محبوب نهراد در با در کشور
کم دیده میشود?
نزدیک بین میگوید: به
خاطری که در خارج از کشور
زیاد دیده میشود.
✳️ همکار عزیز احمد حاوید
سمی:
نسبت از بهاد مطالب
نزدیک بین نمیتواند تمام نیک
های ارسال تان را نشر
نماید اما چون به این عقیده
است که ((اخلاق مهم است))
لذا دو نیکه از نیکه های
ارسالی تان را در مورد -
اخلاق انتخاب میکند.
خلق خوش چرافی است
که صفات خوب ما را روشن می
کند و بر صفات بد ما سایه
ماندازد.
خلق خوب پول رایجی است که
باهر نعمتی عوض نمیشود.
✳️ همکار خوب مرضیه مرا-
دی از حصه سوم خیرخانه:
قابل تشکر نیست نزدیک
بین همیشه در خدمت شما
بوده و نامه های پر محتوای
هریک شما را بدون واسطه
میبواید، و در مورد مطلب
این نامه تان مفرماید که
ای کافر جای اعتبار تو تذکر
میدادید.

✳️ شمار قدیم نور الرحمن
نوبین از شهر بلخمری.
برای کسانی که شما کانتینر
کانتینر سلام فرستاده بودید،
همه بالمقابل کانتین - کانتین
علیوت مفرستند. و به جواب
کله تان دور بین مفرماید:
حالی که بی فایدهم، و بی رقم
همی که تخلصتان را دیدم،
خیال کردم که از همکاران شما
هستید، باز هم برای آن که
قهر نشوید، همانم نزدیک -
بین معذرت میخواهم. برای
آن که جبران نکرده باشم، می
خواهم عذر شما را در قطار هم
کاران دایمی بچایم، و لطفاً -
در نامه های آینده یک قطعه
فوتی تان را ارسال کنید، و اینک
مطلب زیبایی طنزی تان را بخوا-
ند:

آمدن کارمندان به ویفه
- آمدن جناب رئیس به دفتر
مهر گرفته خواست دلبر.
- از مدتی صاحب محترم وابسته
است به کش موتر مایکلتر.
- از ما مورعاً حب وابسته است
به پنجر شدن مایکلتر.
- و از ملازم بیچاره ساعت هفت
صبح و بدون در زدن داشت
شکلر.

✳️ محترم غم ریانی مرادی از
صحت عامه ولایت بلخ: از مرا-
ملات شما، صرف فوتی میا-
رک تان را چاپ میکنم و امید
وارم در آینده مطالب جالب
تان را نشر نمایم.
✳️ محترم ریتا کوشی ایماق از -
شهر مزار شریف.
دور بین حیران است، چی
کند؟ بی شمار عزیز ما مفرماید
کهن دایمی هستیم، چرا -
نو خطاب کردید. ولی
بعضاً فرموده اید که همکاران ما
تشریف دارند. حال آنکه در
شماره های گذشته، نامه -
های فراوانی از شما را پاسخ
گفته ایم. به هر صورت در -
مهمین حال هم جای شکر است
مانند مفضل جالب شما
هستم.

خواب زیاد خطرناک است

خواب زیاد به قدری خطرناک
است که ممکن است منجر به
موت انسان شود. زیرا موقعی
که مایه خواب میروزیم آهسته تر
نفر میکنیم یعنی کمتر اسپیچ
جذب میسازیم. کاربن را
در خون نگه میداریم. جمع شدن
اکسید کاربن در خون برای
بدن (۸) الی (۱۰) ساعت
بختان سرور ندارد ولی اگر
از این مدت تجاوز شد، مسمومیت
از بلخ.

خواب زیاد به قدری خطرناک
است که ممکن است منجر به
موت انسان شود. زیرا موقعی
که مایه خواب میروزیم آهسته تر
نفر میکنیم یعنی کمتر اسپیچ
جذب میسازیم. کاربن را
در خون نگه میداریم. جمع شدن
اکسید کاربن در خون برای
بدن (۸) الی (۱۰) ساعت
بختان سرور ندارد ولی اگر
از این مدت تجاوز شد، مسمومیت
از بلخ.

از دور

چه وقت باید از دور واج کرد؟

تفاوت سن زن و مرد در موفج
از دور بستگی به این دارد که
یک روانشناس مشهور فرانسوی
مؤلف شد فورمولی برای خواب
دادن به این سوال پیدا کند
که به عنوان یک کشف جالب -
مورد قبول عدد زیادی از
دانشمندان واقع شده است
فورمول ازین قرار است: اگر
سن شوهر را نصف کنیم عدد
هفتزایه آن افزون نمایم، سن

مطلوب زن به دست میآید.
مثلاً اگر سن مرد سی سال -
باشد، سن زن باید نصف سی
یعنی ۱۵ و عدد هفت یعنی ۲۲ -
سال باشد. البته این فورمول
برای تخمین حد اکثر بوده و در
مورد همه صدق میکند.

ارسالی: رحمت الله رمزیار از -
بلخمری.

در نزدیک مکتب

دختر اولی: از تو قد ولکه
میوشی که سگرت پف میوشد
او نموره دوست داره.
دختر دوم: کی، سو جیبر
آبی ره میوشی.
دختر اولی: بیلی بیلی هموره.
دختر دوم: چپ با بر احمق
که اویدم این.

افزودن

هر کس زبانش را ندان بگیرد
در جای غیبتش چالان مینماید.
اگر ناخنها را دست گرفته
شود و از دست دیگران به سرو
سکه حمله میکند.
اگر ناخنها را گرفته شده به
زیر پا انداخته شود، فقر
می آید.
آورد.
ارسالی: ریتا کوشی ایماق از -
بلخ.

✳️ همکار با استعداد عبد -
المجید فایز از ولایت بلخ.
دور بین از شما و دیگر
همکاران شاعر تها مینماید، تا
اشعار خود را بفرستید،
تا در یکی دو شماره بعد صفحه
بی ترتیبی شما جوانان را -
زینت بخیر آن سازیم. از شما
تشکر، شاعر باشید.

۷۲ ساعتی که جهان را تکان داد

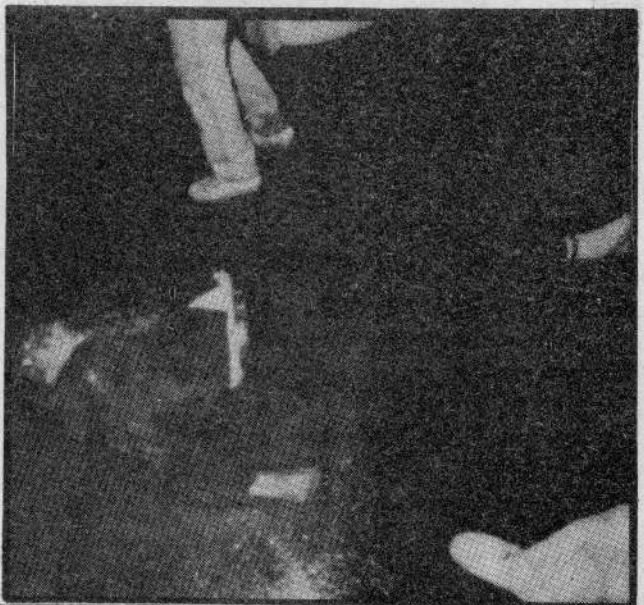
کودتاجهان مستقما دفاع کنند؟
- اقلی کار میچف، حزب کمونیست چه موضعی دارد؟
- پولیت بوری حزب تاجا حالا موضع خود را تعیین نکرده است. دیروز دفتر سیاسی جلسه داشت، اما حال اعلانیه می داده نشده. کمونیست ها منتظر اعلانیه هستند. بوداشت شما از این حوادث به شایه زورناهیست چیست؟

- از نهای ها مختلف است، بعضی ها تغییرات اخیرا پشتیبانی می کنند و بعضی ها پشتیبانی نه نموده و آن را کودتای خوانند.
- مردم چه فکر می کنند؟
- مردم در تشریح هستند.
دیروز رئیس جمهور وجود داشت و صبح میخ شد. ما له بر سر قانونت و حفظ آن است. در ما سکو اکون، ارتش، تانکها و ماشین های محاروبی و سربازان وجود دارند. مردم می پرسند که اگر سربازان برای دفاع از ما سکو آمدند، این دفاع در برابر چیست؟ از سوی دیگر اگر رئیس جمهور بیمار است پس چرا واحد های ارتش را باید مستقر ساخت؟
- آینده کودتا را چگونه پیش بینی می کنید؟

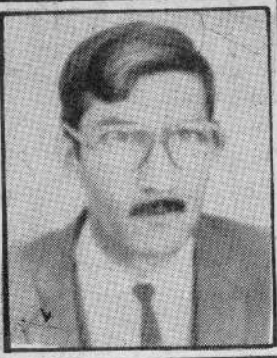
- حالا شاقشه اصلی در کشور تقابل میان رهبری جدید و جمهوری روسیه است. من امیدوار هستم که حوادث به خوبی نماند، هر چه دیشب با مرگ سه نفر خونریزی لغز شد. من نمی خواهم باور کنم که کشته فوق العاده (ک) ج. ب. (خواستار خونریزی است!) - به نظر شما اکنون ابتکار به دست کیست؟
- طوری که پولندی ها می گویند ابتکار در دست کسی است که تانک ها در دست اوست.
نظر شما در مورد مقاومت بوریس یلتسن چیست؟
- در ماه شهریور یلتسن گفته بود که هیچ وقت به گریچ باور نخواهد کرد و حالا او را زگر باچف دفاع می کند.
موضع معازن روزنامه پر اودا - بدینگونه بود. سخنان او نشان می داد که کودتاجیان بیض از همه

پیشینیان حزب کمونیست حساب می کردند. اما آنها متوجه نشده بودند که این حزب و خاستگاه رهبری این باتن در دادن به نوسازی بشک مواج گذشته از مدت ها قبل با سپیدین به شعار حفظ قدرت و ایجاد مواج در برابر دموکراسی و کوشش برای کد ساختن روند های نو، ابتکار سیاسی را از دست داد. موبه یک حزب بی امید ییال و مخالف جریان تاریخ تبدیل شده است. درست به همین دلیل آنها این ابتکار را بدست گرفتند. مقام پیش قراول مقاومت را بسرای حفظ دموکراسی بدست آوردند که نیاز تاریخ و زمان ما را درک نمودند. نیاز زمان ما اروپیکه تجربه اروپای شرقی و اکنون روسیه نشان داد عبارتست از مبارزه به خاطر دموکراسی، مقابله با دیکتاتوری ها و تقویت یانیزم و احترام به اراده آزاد مردم (در روز سوم کودتا یعنی روز چهارشنبه ۳۰ اسد (۲۱ اگست) مقاومت روسیه وارد مرحله مهم شد. پارلمان روسیه توانست اجلاس خود را آغاز کند. شب گذشته یلتسن با آقایان بوئر، میتران، جان مچجر خانم تاچر، هارن لهوالینسا و بعد

دیگراز رهبران جهان تا معارها تیلیفونی داشت آنها با یلتسن هم نظر بودند. کودتا یسان فوراً قدرت قانونی را اعاده نموده و کدور را ترغیب کردند! همزمان سنگر بنفشی ها ادامه داشت و - تا اهرات اوج میگرفت (۴۸ ساعت گذشته تا بهت بیخ از بیخ نیرو گرفت. اجلاس پارلمان روسیه در روحیه هیبتگی کامل با بوریس یلتسن و با تایید در خواست همگانی برای برگشت رئیس جمهور قانونی میخائیل گریچف و عقب رتن کودتاجیان توأم بود. کودتاجیان موفق نشدند رادیو و تلویزیون روسیه را که به مرکز عمده کار سیاسی، تبلیغی و وسیع افکار عامه مبدل شده بود، ببندند. حمایت غرب از موضع تا بهت پیوسته انتراین میبافت و این امر بار و روحیه جنگنده گان را ازادی را تقویت می کرد. این امر زیر پای کودتاجیان راست نمود. روحیه آنان را درهم شکست. کودتاجیان فعالیت پارلمان شوروی، فعالیت بوریس یلتسن و برآمدن پایان دهه هزار انسان را متوقف ساخته نتوانستند.
حواسی ظهر روز سوم کودتاجیان از شایعات در باره شکست کودتا پر شد. تلویزیون سی. ان. ان که عمده کپی از شهریان ما سکو آن را دیده می توانند این شایعات را به موقع به اطلاع عامه رساندند. در یک گزارشی گفته شد که یانایف و چکا در حال فرار در میدان هوایی دیده شدند. درست ساعت ۲ بعد از ظهر رادیوی روسیه از تواقی رهبری روسیه با نظامی ها در مورد خروج قطعات از شهر اطلاع داد. همزمان فعالیت ها برای فرستادن دیات جمهور روسیه نزد رئیس جمهور گریچف که در کرمیاد رجال ستراحت به سر می برد آغاز شد. در رأس هیأت صدراعظم جمهوری روسیه سیلا یف قرار داشت. و از تیم گریچف بهره صرف در متن از اعضای شورای امنیت شوروی که یکی آن - بهره معروف پریاگوف بود در تلویزیون ظاهر گردید. آنها نیز نازم کرمیابودند.
کودتاجیان در برابر اراده مردم به زانو درآمدند و دموکراسی یکبار دیگر به پیروزی رسید.
قسمت دوم در شماره آینده



چراغی در راه روشنایی



شماری از آفریده های جهاد:

- ۱- کو جهان انوی ژوند رجا پ شده
- ۲- دگلو خولی دجلد اول چاپ شده
- ۳- دگلو خولی دجلد دوم چاپ وارجا پ
- ۴- دلدنو ویشته امید وارچا پ
- ۵- دلدنو داستانونو مجموعو (امیدوارچا پ)
- ۶- دشمرنو وانشرونو مجموعو (امیدوارچا پ)
- ۷- دنوی دنامتو لهکوالو دغورو اوژباړل شوېو داستانونو مجموعو (امیدوارچا پ)
- ۸- ددختنسی - رمان عشقی حساس (چاپ شده)

وده ها زمان داستان آفریده است که شماری از آنها باهنوز - اقبال چاپ نمانده اند . چندین آفریده او جایزه های را کاپی برده اند . که از جمله رمان عشقی حساس (دختنسی) او جایزه اول انجمن نویسندگان افغان - نیستان رانصیب گردید .

جهاد در آفریده های ادبیتر با اندیشه متخیل بلند به حیات عاقلی میردازد . از همین جهت است که خواننده حساس را در محدوده گرمی گهر میکند و تا پایان اثر بیدرد نمیگذارد .

و در رخ و دردی که این نرزانان قلندار ، با هزاران درخ و همیها ، دامن عمر بر چید و دلی را که سالها از سوختن بردن به تنگ بود ، آرام و بین تیر با خود به خاک برد .

روانش شاد باد !

دانشگاه کابل راه یافت . به سال ۱۳۵۸ در روزنامه هیواد سمت مسمر اقتصادی رایه دوش گرفت . و سپس به مجله جرگه ، از آن جا به مجله سپاهن و آخرسن و ظیفه رسمی اثر دست معاونت خریدده هنر بود .

جهاد با آن که به درد خانگاه قلبی دچار بود ، اما شکیبایی و همت بلند ، چنان در راهش داشت که هرگز ، نزد هیچکسی لب به شکوه نمیگشود و در درد ناگهین حالات خود نهنزدست از قلم و آفرینتر بر نمیگرفت .

این شخصیت بلند همت و - خیر دراز منسای حیات آفریده نشی فرهنگ خد مدعا مقاله ، سیاس ، اجتماعی و اجتماعی به نشر سیرده است . به همین گنه صد هاشعر ، پارچه های ادبی ، در راه های رادیو سی

... و چنانی دیگر از جراتانان عمر نویی ملند . با زلم دیدار دانه امید اناده بی فرو - سریزد و دلغای در تیر هجرت جاودانه عزیزی ، التهاب سوز و ماتم میگردند . و خشت چندمی دیگر ، از حصاره فرهنگ مان بهله میزدانند ، ترومن آند .

مصطفی جهاد ، نویسنده اندیشه شده ، شاعر شکیبای - روزنامه است بر دیار کشور در ماه اسد همین سال ، دیده از تروع هستی بر بست .

مصطفی جهاد به سال ۱۳۳۳ هجری خورشیدی در قره توه خیل ولهالی ده سیزلاست کابل دیده به دیدار هستی آورد . دانشهای نخستین را در مکتب باغ علم بردان آقا زو سپس در - لویه حبیبه به انجام رسانید و از آن جا به دانشکده حقوق

کد شته فرو میخلتند . بعد میهرسد دیگر چیزی که نمانده ؟ میگویم سها سگد را از شما .

هنرمندان تاجیکستان که در آستانه هفتاد و دو مهین سالگرد استقلال افغانستان به منظور اجرا کسرت ها در جشن افغان ها به دعوت اتحادیه جوانان افغانستان تشریف آوردند . بودند . پس از اجرای یک سلسله کسرتها دوباره به کشورشان عودت نمودند .

اداره مجله سپاهن از - بصیر باسل مهمان دار اینس گروپ که در قسمت فراهم آوری زمینه مصاحبه با ما همکاری نمودند ، قلبا تشکر مینماید .

به اتان تعلق دارد . پس از یک لحظه هتیمی به لب می آرد و میهرسد : آیا همین ، همین طور ادامه میدهد یا سوال های تان ختم خواهد شد .

میگویم فقط یک سوال دیگرم را پاسخ دهید و پس :

« اسال کدام آهنگ افغانی را باز خوانی نمودید و امید و چرا ؟ »

« آهنگهای " اوخدا جان - دلم تنگ است " و " بیچمجان لوگری " را برای مردم دستداد شتنی افغانستان اجرا میکنم . آن همه به خاطری که از این گونه آهنگ ها مردم افغان خاطر های خوشی دارند و با شنیدن این آهنگها باری به

بقیه از صفحه (۲۵)

اوجنداجان

که در سال های قبل موا استقبال میکردند احساسات شان نسبت به آهنگهای بیشتر شده است و چنان برایم کف میزدند که خود را محبوب تر از گذشته احساس کردم .

« ایما از آواز خوانان تازما افغان - نی با آهنگهای تازه شان کسا - نی توجه شما را جلب کرد مانند ؟ »

بارضایت پاسخ میدهد : - همیشه شنونده آواز فرهاد دریا و وحید صابری اعضای ارکستر لاله ها و نوادرامسز خواهم بود . و فکر میکنم کسه آئیده موسیقی کشور افغانستان

تنبور روحم را ارامش میبخشد این ساز یگانه همراز زنده گم است .

« پیش از عزیمت به افغانستان چه فکر میکردید که در استان افغانی تان از شما چیزی نه استقبال به عمل خواهند آورد ؟ »

با حالت از خود راضی این طور ادامه میدهد :

« پیش از آن که به افغانستان بیایم با خود می اندیشیدیم و هراس داشتم که میا دا بسرای علاقه مندان افغانی کم چه بهره خسته کنند و ششده باشم . اما آن طور نشد همان گونه

رستوران محبت



میزبان و پذیرایی عالی و غیره می فرمایند و از رستوران محبت برگذار
 نمایند. رستوران محبت با محبت خاطر و شرط نخبه میزبانان خوب
 قیمت اندک در بهار و خوار میزبانان را فراهم
 پنجاه رستوران محبت هم روزه از ساعت ۲۰-۱۱-۴ ظهر
 نماز عصر تا پنج ساعت در خدمت میسر است
 آدرس: محله اول جاده یوسف محرابیت تقاطع پل چینی مشهدی ت ۲۵۷۶۶

رهنمایی در خرید
 و فروش خانه
 زمین آپارتمان و موتور

رهنمایی مسابقات

روح الله تقیری



آدرس:

شهر نو چارراهی حاجی یعقوب
 متصل مسجد جامع شیرپور
 تلفون ۳۲۵۲۹

آریانا مارکیت

تازه به فعالیت آغاز نموده

آریانا مارکیت که تازه به فعالیت تجارتي آغاز نموده، اجناس از قبیل لوازم منزل و



لوازم آرایش، لباس، مردانه، زنانه، طفلانه، ظروف بکلی

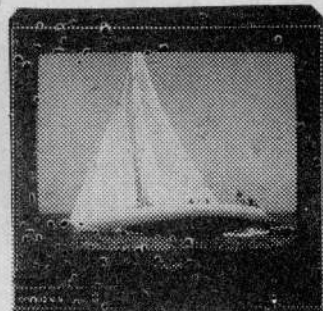
تلویزیون و غیره اجناس را بطور عمده و پرچون برای مشتریان

محترم عرضه می‌دارد.

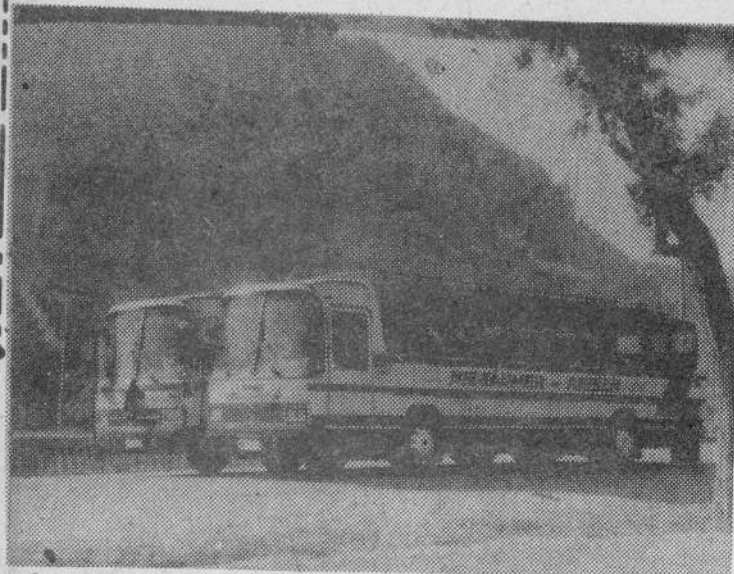
آدرس: ایستگا و افغانان تعمیر سابقه افغان اعلانی

فروشگاه فلیس دیلایت

فروشگاه دیلایت شیک ترین اجناس
رلاز شهرترین کمپنی خارجی جهانگ تان ولرد
نموده و بلا شترتایم عرضه می‌دارد.



تلویزیون، رادیو، فلیس، اتوماتیک، ریپورت کنترل دلد، سایزهای مختلف، بایکال
گرتتر، ویدئو، شارپ، جاپان، مدل VC-M730E اتوماتیک دلد، ثبت کار، سیستم
ریپورت کنترل دلد، ارقام، رادیو، اتوماتیک، فلیس، باپک، سر، تلویزیون، تلویزیون، تلویزیون
۱۱۰۲۰ انچه سیاه سفید، سخت استاد، شمدور. آدرس: مقابل شاه ولی کابل محمدخان ۱۱۰۲۰



اگر قصد سفر دارید
در بسته‌های خمیده آرام
و مستریج ۳۰۳ سفر
کنید .

بازار کت پنج‌سیر بس شمارا
از کابل به پنج‌سیر بستمنگان
دعزاد شریف مع الحیر میرساند
آدرس :
کابل - ساحه د افغانستان پل خشتی

تلفون ۲۱۷۸۴

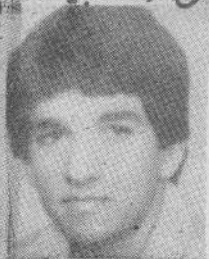
سفر

بازار کت

پنج‌سیر

فروشگاه چشمه

زیباترین مپردی مردانه ، بهترین لوازم آرایش و
عطریات ، مرغوب‌ترین پیراهن های زنانه و مردانه
شیک‌ترین سیلر ها و پلوتونهای مردانه و بچه گانه
مقبول‌ترین دیشی های اسپرتی و
کاوبای ، جاکت و دیشی های
پشمی را از مشهورترین کمپنی های



جهان تازه وارد نموده و به قیمت مناسب عرضه
نمیدارد .
آدرس : شهر نو چارراهی طره بازار خان تقبال
افغان کارت

دو صومعه سال گلبنار
تازان و مهنه عمر بیت کرده
مطلوبه کنید
گلدست عروسی ، خنجر و کلر توک
همه مطبوعه ذوق خوشما



آدرس : چارراهی طره بازار خان

گلفروشی سنبل
گلفروشی سال

آریا پامیر لمتد

یک نام بزرگ تولیدی اجناس فلز

با خریداری اجناس فلزی مستحکم و بادوام تولید موسسه تخصصی آریا پامیر لمتد به زیبایی

دقت و دینارل شما مشتری افزایش

اگر میخواهید اتاق های تانرازیایی خاص بخشید آدرس زیر

یادداشت کنید . فابریکه : عقب باغ پارتیفون ۴۲۷۳۲

فروشگاه : حصه دوم جاده میوند تیفون ۲۴۸۳۷

فروشگاه : سالنگ وات منزل اول آریانا مارکت تیفون ۲۳۷۴۷



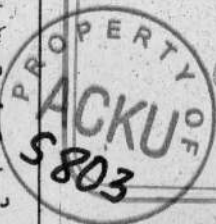
قرطاسیه فروش صرف اقم کتاب و کتب
انواع قلمی / خودکار / دستگیره و صد ها قسم جنس
مورد نیاز طلاب معارف ، مجوسه و اول

اخبار هفته ، جوانان امروز و سایر نشریه بار
بقیمت نازل عرضه میدارد .

آدرس : قرطاسیه فروش صد ف
ایستگاه متریهای گولای پمارک
حصه سوم خیرخانه واقع دماغانا

برای شما دیدن آیم

سروش شما در ماه میزان



۱ میزان - روزیدیه
برای دختران و خانمها که در ماه حمل تولد کرده اند برابلم های گذشته شما از این روزه بعد دوباره حاد میکردن تلاش کنید که از هرگونه ساقته دوری جوید .

۵ میزان - روز آرام و خوشی برای آمده ای خواهی بود که در ماه های جوزا سرطان و حوت تولد شده اند روز خوب برای معاملات تجاری تی خواهد بود . علاوه بر آن برای کسانی که در ماه میزان تولد کرده اند روز خوبی برای ازدواج خواهد بود .

۹ میزان - ناراحتی هایی که در ماه تولد شده اند در این روز شدت بی سابقه ای کسب خواهد کرد و خانمها و دخترانی که در ماه سنبله تولد شده اند امروزه روز خوبی برایشان نخواهد بود . در این روزها د کوشش کرد تا جاسو احساساتی شدن خود را بگیرد به خصوص متولدین ماه سنبله خیلی محتاط باشند تا اکنون سعادت تان در این روز از هم نپاشد .

۱۵ میزان - متولدین ماه های حمل ، جوزا و دلو و حوت در این روزهای ۱۹ میزان به مسافرت اقدام نه ورزید برای متولدین ماه ثور این روزیک روز خسته و بیسی خواهد بود ، اگر تلاش کنید دوست آزرده شده تان در این روزها شاماشتی خواهد کرد . روز خوبی برای انتخاب همسر زنده کسی برای تولدین ماه ثور خواهد بود .

۱۶ میزان - برای متولدین ماه های جدی و حوت روزی بسیار جنجال بوده در این روزها بمان زیاد میروند تا شمارا در کار تان فیهب دهند و به این کارونستی می شوند . متولدین ماه عقرب بیاد داشته باشند که این روز برای حل و فصل نزاکت.

میزان و دلو روز خوبی خواهد بود . خانمهای متولدین ماه های عقرب و حوت در زمان سیات خانوادگی تان در این روز از حوصله مندی نه استفاده نمایند . روز خوبی برای ازدواج برای متولدین ماه حمل خواهد بود ، اما از انجام معاملات تجاری در این روز صرف نظر کنید و غیران بد شانس انتظار شمارا می کنند .

۱۸ میزان - روز خوبی برای مردان ، د کتران و نظامیان متولدین ماه میزان خواهد بود . برعکس برای متولدین ماه حوت روز خوبی نیست جنجالهای فامیلی و بدعاشی تجاری و تحصیلی انتظار تان را می کشد . جنجالهای متولدین ماه عقرب از این روز به طرف حل شدن پیش میروند

۲۶ میزان - متولدین ماه های حمل ، سرطان ، قوس و حوت منتظر شنیدن یک خبر خوشی در این روزها باشید . کوشش کنید تا رسیدن آن را در این روزها از دست ندهید متولدین ماه های جوزا ، اسد و دلو برعکس منتظر شنیدن یک خبر ناگوار باشید ، اما در مقابل آنده کسانی که به برابلم های اقتصادی دست و گریبان هستند از این روز به بعد وضع اقتصادی شان بهبود می یابد .

۳۰ میزان - متولدین ماه های جوزا ، اسد و سنبله میزان ، جدی در آخر ماه میزان همه کارها به مراد دل شما پیش خواهد رفت ، بخصوص در مسائل عشقی و مناسبات شما با جانب مقابل . در این روز شانس خوب برای متولدین ماه جدی و دلو در امور رسمی پیدا خواهد شد از آن استغاده . اعضای نماید، متولدین ماه حمل اگر میخواهد کدام معامله تجاری را در این روز انجام دهد آنرا به فردا بگذارد .

این روزها برزید . متولدین ماه حوت اگر یک دام جنالی مواجه شده باشند از این روز به بعد کارها به مراد دل شما پیش خواهد رفت ولی در هر حال از احساساتی شدن بپا خودداری کنید . در ضمن آن شانس خوبی را از دست نخواهید داد .

۲۵ میزان - برابلم های شخصی متولدین ماه عقرب و قوس و حوت در این روزها می گردد و این کارالی آخر ماه میزان آداسه خواهد یافت . متولدین ماه حمل و سرطان محتاط باشند که جراحت سدی در این روزها انتظار شمارا نکشد .

های ایجاد شده فامیلی تان نخواهد بود این کار را بگذارید .
۱۸ میزان .
۲۰ میزان - روز خوش شانس برای متولدین ماه های سرطان ، اسد ، میزان و حوت خواهد بود . از هر نگاه متولدین در سه اقدام بزمید روز خوب برای معاملات تجاری و کاری شما خواهد بود . متولدین ماه حمل کوشش کنند تا در این روزها ازدواج نکنند . متولدین ماه دلو متوجه باشند که با هیچ کس در این روز طرح اشفایی نه بزنید .

۱۱ میزان - متولدین ماه های ثور ، سرطان ، میزان و عقرب منتظر حادثه غیر متوجه در زندگی تان باشند اما از سفر در راه

موتورهای انصاری وات

آه شما هم حفظ کنید، هر وقتیکه در موتور هستید.
 آیا تاکنون شرکت کر ونا جدید مدل ۱۹۹۰ را حاضر کرده اید؟
 و هر نوع بنزها را مدل جدید و موتورهای انصاری وات تازه
 ارائه نموده است.



شما از نمایشگاه این موتورها در چهارراهی انصاری شهرنودین کنید
 و موتورده لخواه تانرا باریک مورد پسند انتخاب کنید • همچنان موتورهای
 انصاری موتوهای مدل جدید ۱۹۸۶ و ۱۹۹۰ بنز تویوتا و سیکپ های
 مختلف النوع را به دستر دارد اشخاص و موسسات دولتی میتوانند با شرایط
 سهل موتور مورد ضرورت خویش را دستیاب شوند •

که سرترا بار دیگر بخاطر داشته باشد
 تلفن ۲۰۵۲ چهارراه انصاری شهرنودین

ACKU
سلسل
DS
350
22 س
v4 lms

یک چشم بزرگ در فروشگاه بزرگ

معافل خوشی تا نراد در سورا
فروشگاه بزرگ افغان بگلزار
نمایند تا خاطره آن همیشه شاد
بماند
وقت را بزرگ کنید

فروشگاه بزرگ افغان

شما می‌توانید در منزل مختلف فروشگاه بزرگ افغان خرید کنید
تجدید کرده ایم نموده اشپز این قدرت خود قیمت مناسب خرید کنید

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**